Bilingual Economic - Social Monthly

افق تازه

سال سوم / شماره سی و یکم/مرداد ماه ۱۳۹۷ / قیمت ۶۰۰۰ تومان
نخستین ماهنامه اقتصادی– اجتماعی دوزبانه

در گفت‌وگوی افق تازه با کارشناسان بررسی شد:

چالش‌های پیش روی صنعت استراتژیک خودرو

خیال‌های خام برای هدایت و کنترل نقدینگی به سمت تولید

آفت نقدینگی در اقتصاد کشور

پاسخ هایی پیرامون موضوعات مطرح شده درباره امضای کنوانسیون خزر:

از ادعای خیانت تا حاتم بخشی ایران

پرونده ویژه «افق تازه» پیرامون وضعیت سرزمین چاوز

ضربه مهلک نفت بر اقتصاد ونزوئلا

در گفت و گوی تفصیلی با حسین راغفر
تشابهات اقتصاد ایران و ونزوئلا بررسی شد

از تهران تا کاراکاس

آنچه بر سر اقتصاد ونزوئلا آمد

آمار و ارقام جالب از اقتصاد ونزوئلا

Time ripe for Iran, Europe to set up strategic partnership

Caspian Sea; opportunity for convergence

A glance at historical documents of 1953 Iran coup

بانک مهر اقتصاد
احداث ۱۸۰ هکتار جنگل در استان خوزستان
هدیه‌ای به مردم ایران
دریای خزر
به دست مهر، درختی می‌نشانیم
خلیج فارس
www.mebank.ir (۰۲۱) ۸۹۸۹۲

دریچه ای تازه به دنیای اخبار

تدبیر تازه

سایت خبری- تحلیلی

افق تازه

ماهنامه

صاحب امتیاز و مدیر مسوول: **امیر دیانی**

قائم مقام مدیر مسوول: **بهروز تشکر**

رییس شورای سیاست گذاری: **هادی قهرمانی**

مدیر اجرایی: **مجید بهره مند**

زیر نظر شورای سردبیری

تحریریه: **محیا بهره دار -سمیه تقی خانی**
محمدرضا دیانی- مصطفی حسن زاده
سید علی موسوی خلخالی-عماد جعفری
مجید سلیمی‌بروجنی-مونا مشهدی‌رجبی
زهرا علی‌اکبری-مهرنوش حیدری
الهام میرمحمدی-میلاد زنگانه

واحد بازرگانی: **محمد خانی- محیا بهره دار**

ترجمه: **فاطمه دیانی**

عکس: **استودیو برنز**

گرافیک وصفحه آرایی: **نوید قهرمانی**

چاپ: **گل آذین**

توزیع: **پدیده نوین**

استفاده ازمطالب این ماهنامه با ذکر منبع «افق تازه» بلامانع است.

آدرس: خیابان شریعتی- خیابان پلیس پلاک ۳۰-واحد۱

تلفن: ۸۶۰۲۲۷۷۸ -فکس: ۸۸۱۴۷۳۹۰

سامانه پیامکی:۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸

www.ofoghetaze.com

ofoghetazeh@gmail.com

ofoghetazeh@yahoo.com

سرمقاله

نسخه‌های بی تأثیر در اقتصاد کشور

امیر دیانی
مدیرمسئول

نوسانات اقتصادی امان مردم را بریده است بطوریکه طی ماه‌های اخیر تورم افسار گسیخته روند رو به رشد و فزاینده‌ای را طی کرده است.

این رشد افسار گسیخته، به گونه‌ای بر زندگی مردم اثر گذاشته که ادامه این رویه کشور را با بحران مواجه خواهد ساخت. اگر بخواهیم مردم جامعه را به سه بخش تقسیم کنیم بخش اول سرمایه دارانی هستند که راحت‌تر با این شرایط کنار می‌آیند چنانچه بر ارزش سرمایه‌شان روز به روز افزوده شده و به موازات آن نوسانات اقتصادی را کمتر لمس خواهند کرد اما قطعاً این قشر نیز در طولانی مدت با بحران مواجه خواهند شد.

بخش دوم قشر متوسطی هستند که طی این سالها اندوخته‌ای برای خود ذخیره کرده‌اند و با شروع نوسانات اخیر برای گذران زندگی به ناچار به اندوخته خود روی خواهند آورد که قطعاً اندوخته این طیف متوسط در طولانی مدت پاسخگو نخواهد بود.

بخش سوم اقشار ضعیفی هستند که در حالت طبیعی و بدون نوسان اقتصاد نیز برای امرار معاش با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. این طیف آسیب پذیرترین افراد جامعه هستند و کوچکترین آلارم های تورم زندگی‌شان را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بدون شک در کشور ما تعداد قشر سرمایه دار به نسبت دو قشر متوسط و ضعیف بسیار کمتر است و این نشان دهنده شروع یک بحران جدید برای جامعه ایران است.

اینکه چگونه با گذشت ۴۰ سال از انقلاب اسلامی هنوز نتوانسته‌ایم برنامه مدونی برای اقتصاد کشور تعبیه و طراحی کنیم جای بسی تعجب و شگفتی است.

در کشور ما هر روز بر تعداد نسخه پیچان وضعیت آشفته اقتصاد کشور افزوده می‌شود و هر کسی به نوبه خود راهکار ارائه می‌دهد. در این بین مسئولین نیز هر کدام به عنوان علامه دهر خود را معرفی می کنند و دو طیف مخالف و موافق دولت آنقدر نسخه برای شفای اقتصاد کشور می پیچیند که فکر می کنیم همین روزها و ماه‌های آینده فقر و فلاکت از اقتصاد کشور رخ بر می بنند.

اما متاسفانه واقعیت چیز دیگری است. هیچکدام از نسخه‌های پیچیده شده تا به حال برای اقتصاد کشور کارایی نداشته و گویی این نوسانات هیچ گاه قصد خروج از اقتصاد کشور را ندارد چرا که نسخه‌ها با واقعیات اقتصادی کشور همخوانی ندارد.

در این بین تحرکات و واکنش‌های دولتمردان نیز جالب است. به طور مثال چندی پیش شهردار سابق تهران برای اقتصاد کشور نسخه پیچید! اما همین آقای شهردار در دوران ریاستش بر شهرداری تهران کلی بدهی بر جای گذاشت. یا فلان کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم مدعی است که اگر بر مسند ریاست جمهوری تکیه می‌زد اوضاع اقتصاد به این روز درنمی آمد.

فارغ از همه پیشنهادات و انتقادات و راه حل‌های ارائه شده به دولت یکی نیست که به آقایان بگوید اگر شما در بدنه دولت یازدهم و دوازدهم حضور نداشته و ندارید اما در بخش‌های خصوصی کشور و در دولت‌های قبلی حضوری فعال داشته و دارید. تا جایی که حافظه ما یاری می کند اقتصاد کشور همیشه با نوسانات دست و پنجه نرم می کرده است و آسیبش تنها به مردم رسیده است.

اما نکته دیگر اینکه اقتصاد تنها به مسئولین و اقتصاددانان برنمی گردد. مردم نیز نقش ارزنده‌ای در توسعه اقتصاد یک کشور دارند. هجوم مردم به سمت بازار برای خرید ارز، سکه، خودرو، مسکن و احتکار اجناس نیز به اقتصاد کشور لطمه می زند.

زمانی که مردم متوجه گرانی می‌شوند به سمت بازارها هجوم می‌آورند و این هجوم و افزایش تقاضا منجر به افزایش قیمت‌ها خواهد شد. متاسفانه طی چند ماه اخیر یکی از دلایل اصلی که نوسانات را تشدید کرد عطش مردم برای خرید بود. این عطش باعث شد تا عده‌ای سودجو از آب گل آلود ماهی بگیرند و به فکر احتکار و گران کردن اجناس بیفتند.

با این رویه، اقتصادی که برنامه‌ای مدون برای آن طراحی و تعبیه نشده است محکوم به شکست و فروپاشی خواهد بود.

مردم و مسئولین باید بدانند که کشور با شرایط خاصی مواجه است. زمانی که باید درب چاه‌های نفت را می‌بستیم یا حداقل ارز حاصل از فروش نفت را با برنامه‌ای مدون به تولید کشور تزریق می کردیم راهکاری اساسی اندیشده نشد و امروز گریبان اقتصاد کشور را همین بی مبالاتی‌ها گرفته است.

بهتر است مسئولین به فکر نسخه‌های قابل اجرا و شدنی برای اقتصاد کشور باشند و مردم نیز در این شرایط به بحران دامن نزنند و با مصرف بهینه و خودداری از احتکار و عطش برای خرید اجناس راه را برای عبور از شرایط آشفته فعلی فراهم سازند.

پاسخ هایی پیرامون موضوعات مطرح شده درباره امضای کنوانسیون خزر؛

از ادعای خیانت تا حاتم بخشی ایران ۴

آنچه ترامپ از آن غافل است

هنری برای توافق ۸

نگاه بدبینانه اروپایی‌ها به چشم انداز رشد اقتصادی ایران؛

پرکشیدن پروازها از آسمان ایران ۱۰

بحران‌هایی که روابط ترکیه و آمریکا را تحت تأثیر قرار داد

طلاق عاطفی آنکارا و واشنگتن ۱۱

درد مردم زندگی لاکچری آقازاده‌ها نیست

آفت پدیده آقازادگی ۱۲

رازهای سیاه قبایل آدمخواران ۱۴

راهکارهایی برای رهایی از تأخیر در پرواز ۱۶

شیراز؛ ویترین جاذبه‌های گردشگری ایران ۱۸

خیال‌های خام برای هدایت و کنترل نقدینگی به سمت تولید

آفت نقدینگی در اقتصاد کشور ۲۰

رییس هیات مؤسس کانون صرافان تشریح کرد

آیا ارزان‌فروشی ارز صحیح است؟ ۲۲

تحریم ایران، اقتصاد آمریکا را متشنج می‌کند

ترامپ روی لبه تیغ ۲۴

گفت و گوی تفصیلی با رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران:

تهران فقیر ندارد! ۲۶

لطفعلی بخشی، اقتصاددان مطرح کرد:

نابسامانی در کل سیستم تخصیص ارز و فروش ۲۹

پرونده ویژه «افق تازه» پیرامون وضعیت سرزمین چاوز

ضربه مهلک نفت بر اقتصاد ونزوئلا ۳۰

آنچه بر سر اقتصاد ونزوئلا آمد ۳۶

آمار و ارقام جالب از اقتصاد ونزوئلا ۳۸

در گفت و گوی تفصیلی با حسین راغفر تشابهات اقتصاد ایران و ونزوئلا بررسی شد

از تهران تا کاراکاس ۴۰

عجیب ترین قوانین راهنمایی و رانندگی در کشورهای مختلف ۴۴

آسیب تحریم‌های خارجی بیشتر است یا حذف ارز دولتی بخش تولید؟

خودتحریمی‌ها مانع اصلی نوسازی ناوگان سنگین ۴۶

بوگاتی دیوو؛ هایپرکار ۵ میلیون یورویی ۴۸

در گفت‌وگوی افق تازه با کارشناسان بررسی شد؛

چالش‌های پیش روی صنعت استراتژیک خودرو ۵۰

سید علی موسوی خلخالی

پاسخ هایی پیرامون موضوعات مطرح شده درباره امضای کنوانسیون خزر:

از ادعای خیانت تا حاتم بخشی ایران

بحث کنوانسیون خزر جنجال های زیادی به راه انداخته است. عده ای دولت و وزارت امور خارجه را متهم به «خیانت» کرده اند و یک سری ادعاهایی را مطرح کرده اند که از اساس بی پایه و دروغ است. مثلا گفته اند که در زمان شوروی حق ایران از دریای خزر ۵۰ درصد بود که یک دروغ بی پایه و اساس است. در تمامی اسناد قدیم و جدید چنین ادعایی مشاهده نمی شود. در این میان عده ای به بزرگ نمایی دوران شاه پرداخته اند و ادعاهای سراسر کذبی را مطرح کرده اند. آن چه میان ایران و شوروی در زمان شاه توافق شد حق کشتیرانی برای ایران در کنار شوروی بوده است و در جایی چیزی بیشتر از این وجود ندارد. حتی ایران توانایی استخراج نفت و گاز از دریای خزر را نداشت در حالی که شوروی در قزاقستان از بستر دریا نفت استخراج می کرد.

منتقدان در حالی نسبت به امضای کنوانسیون حقوقی دریای خزر انتقاد می کنند که بیش از آن که جنبه واقعی و نقد حقوقی باشد به نظر می رسد رگ روسیه ستیزی شان غلیظ شده است. کسانی که بی توجه به واقعیت ها و بدون در نظر گرفتن اقتضائات زمانه فقط مشغول انتقاد از روسیه هستند و کوچکترین همکاری با آن را خیانت و همکاری با خائن قلمداد می کنند. در حالی که روشن نمی کنند که اولا چه فرقی میان روسیه با تک تک کشورهای اروپایی یا کشورهای همسایه ما هست؟ چه فرقی میان ترکیه یا چین برای ایران وجود دارد که داد و ستد با آن مشکلی ندارد اما داد و ستد با روسیه که به تازگی به دو میلیارد دلار رسیده است، اشکال دارد؟ ثانیا، اگر توجه به منافع ملاک عمل باشد آیا باید برای ما فرقی کند که با کدام کشور داد و ستد می کنیم؟

منتقدان دو واقعیت بدیهی را نیز در نظر نمی گیرند. نخست این که تمامی دعواها بر سر تقسیم خزر می بایست ۲۷ سال پیش زمانی که کشورهای تازه استقلال یافته تشکیل شدند، صورت می گرفت نه حالا که ما این کشورها را به عنوان کشورهای دوست و همسایه به رسمیت شناخته ایم و با آنها رابطه برقرار کرده ایم و اتفاقا با بعضی از آنها رابطه نزدیک داریم. زمانی که استقلال یک کشور را به رسمیت می شناسیم و با آن کشور مراوده برقرار می کنیم، دیگر نمی توانیم مرزهای آن کشور را به رسمیت نشناسیم. کشورهای ساحلی دریای خزر همگی از دریا سهم دارند. این سهم هم بر اساس قوانین و مقررات بین المللی مطابق با میزان خط ساحلی آن کشورها تعریف می شود. سهم ما هم از دریای خزر مطابق همین اصل باید در نظر گرفته شود. همان طور که سهم ما از خلیج فارس به دلیل برخورداری از بیشترین میزان خط ساحلی بیش از هر کشور همسایه دیگری است، در این جا نیز کشورها مطابق با خط ساحلی شان مرزهای دریایی شان تعیین می شود. به این ترتیب به قزاقستان بیش از کشورهای دیگر سهم می رسد برای این که بیشترین خط ساحلی را دارد.

روسیه کشوری نیست که به راحتی از حقوقش بگذرد اما وقتی که کشورهای همسایه خزر را به رسمیت شناخته طبیعی است که سهم آنها را از خزر مطابق با خط ساحلی آنها را هم به رسمیت می شناسد. اتفاقا آن چه از خزر به این کشورها می رسد بیشتر از همه سهم روسیه است. یعنی مثلا قزاقستان بیشترین سهم خود را از سهم روسیه می گیرد. نگاهی به نقشه واقعیت را بیشتر روشن می کند.

بنابراین شاید در بهترین حالت سهم ایران از خزر چیزی در حدود ۱۸ درصد باشد. سهم ۵۰ درصدی نه از قدیم سهم ایران بوده و نه حالا سهم ایران هست که بخواهیم آن را از کسی مطالبه کنیم.

نکته دیگر به وضعیت فعلی کشور در عرصه بین المللی باز می گردد. در حالی که کشور با مشکلات عدیده بین المللی دست به گریبان است و در عرصه منطقه ای و جهانی از سوی دشمنان و رقیبانش تحت فشار است چرا نباید قبل از آن که دیر شود مشکلات را با کشورها حل کنیم؟ آن هم در حالی که الآن نسبت به آینده راحت تر می توانیم مشکلاتمان را حل کنیم. برای این که از آینده هیچ خبر نداریم و نمی دانیم چه خواهد شد. وانگهی دوستی با کشورهای همسایه نیاز همه کشورهاست و ربطی به زمانه های سخت و آسان ندارد. ما به دوستی با کشورهای همسایه خود نیاز داریم. در عرصه پرچالش جهانی که برای ایران وجود دارد ما باید مشکلاتمان را با کشور مهم و یکی از قدرت های جهانی چون روسیه حل کنیم یا به حداقل برسانیم تا از یک طرف بهانه ای برای فشار بر کشور در آینده برای کسب امتیازات بیشتر وجود نداشته باشد و از سوی دیگر حمایت آن کشورها را در برهه های مختلف و حساس با هزینه های کمتر داشته باشیم. کمترین دستاورد امضای کنوانسیون رژیم حقوقی خزر این است که بهانه ای برای فشار بر کشور از سوی طرف های دیگر گرفته شده است. بهتر است به جای سیاست بازی و سیاسی کردن همه چیز با واقعیت ها کنار بیاییم، حقایق را ببینیم و از روی احساسات اظهار نظر نکنیم. امضای کنوانسیون خزر یکی از مشکلات بین المللی ایران را حل کرد.

پیام سخنان رهبری چه بود؟

محمدحسن آصفری *

هرچند ترامپ صحبت از مذاکره بدون پیش شرط با ایران کرد و بعد از آن هم رسانه‌های غربی درباره وقوع جنگ احتمالی بین ایران و آمریکا تحلیل‌های مختلفی ارائه دادند اما رهبر انقلاب فرمودند «جنگ نخواهد شد و مذاکره هم نخواهیم کردم».

آمریکا خیلی وقت است به قدرت ملت ایران پی برده است. اگر از این قدرت اطلاع نداشت، قطعاً تا به امروز دست به اقدامات دیگری می‌زد. مقامات کاخ سفید متوجه شدند ملت ایران زیر بار زور نمی‌رود و هیچ گاه متأثر از فشار و زیاده خواهی تن به سازش نمی‌دهد. ایران کشوری با ملت مقاوم و

هدف آمریکا از پیشنهاد مذاکره

مرتضی صفاری *

وقتی صحبت از مذاکره با آمریکا به میان می‌آید باید ابتدا به چند سؤال اساسی اندیشید. اول آن که قرار است این مذاکره با چه کسی انجام شود؟ و سؤال دوم آن است که برای چه منظوری و با چه هدفی این مذاکرات قرار است انجام شود؟ در این راستا باید گفت اگر قرار است مذاکره‌ای منتج به نتیجه‌ای مانند برداشتن تحریم‌ها و بازگشت حقوق مردم به آن‌ها شود این همان موضوعی است که همه دولت‌ها و ملت‌ها از آن استقبال می‌کنند و باید آن را تائید و پیگیری کرد، اما سؤال این‌جاست که آن‌چه امروز به عنوان مذاکره از سوی امریکا مطرح می‌شود، صداقتی در آن دیده نمی‌شود.

وقتی می‌گوییم آمریکا در پیشنهادش صداقت

چرا آمریکا وارد جنگ با ایران نمی‌شود؟

منصور حقیقت‌پور*

آمریکایی‌ها با طرح احتمال وقوع جنگ می‌خواهند دل مردم ایران را خالی کنند اما رهبر معظم انقلاب با تحلیل و اطلاع دقیق از اوضاع منطقه و جهان طراحی‌های آنها را بر هم زد. امروز در رفتار آمریکایی‌ها علائم، شواهد و قرائنی دال بر حمله نظامی دیده نمی‌شود. آمریکایی‌ها باید بنشینند و فکر کنند در حمله به افغانستان و عراق چه عایدشان شد؟ این اشتباهات مکرری که برای اقدامات نظامی در سوریه انجام دادند، چه دستاوری برایشان داشت؟ دفاع از تجاوزات سعودی‌های خون خوار به یمن چه منفعتی برای واشنگتن رقم زد؟ این‌ها سئوالاتی است که دیر

توانمند است که استراتژی حسین بن علی (ع) را دنبال می کند.ساکنان کنونی کاخ سفید همچون دولت اوباما چاره‌ای جز این ندارند که دست از خصومت، زیاده خواهی و فشارهای ناجوانمردانه بردارند، در واقع روزی خواهد رسید که متوجه می‌شوند برتری نسبت به دولت ایران ندارند. ایران اگر قرار بود زیر با فشارها و زورگویی‌های آمریکا قد خم کند ۴۰ سال مقاومت نمی کرد. استراتژی نظام جمهوری اسلامی ایران مقاومت و ایستادگی در مقابل استکبار است.مردم ایران همان مردم سال ۵۸ هستند که جاسوس‌خانه آمریکا را در تهران تسخیر کرد و آمریکایی‌ها هیچ غلطی نتوانستند انجام دهند. پیام سخنان اخیر مقام معظم رهبری به دولت آمریکا این بود که از زیاده خواهی و فشار دست بردارند و به جای سیاه نمایی و دروغ پردازی درباره اوضاع داخل ایران، در چارچوب توافقات، پروتکل‌ها و توافق نامه‌های بین المللی عمل و با اتخاذ رفتار و رویکرد درست اشتباهات گذشته خود را جبران کنند.

البته سخنان رهبر انقلاب یک پیام هم به داخل کشور داشت و آن اینکه مذاکره‌ای تحت عنوان نرمش قهرمانانه انجام شد اما غرب مطابق تعهدش عمل نکرد، در حالیکه قرار بود تحریم‌ها را بردارند و حالا باید تاوانش را باید ملت ایران دهند. این تجربه نشان داد تا زمانی که آمریکایی‌ها از جایگاه برابر با ایران سخن نگویند مذاکره‌ای بین آنها و ایران شکل نخواهد گرفت.

* عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس نهم

ندارد آن را بر اساس حدس و گمان بیان نمی کنیم بلکه این طرح موضوع برخاسته از دلایلی عینی است. در این راستا ما مشاهده می کنیم یکی از اهداف آمریکایی‌ها که مستقیم و غیرمستقیم به آن اشاره می کنند طرح فشار ویران کننده و به دنبال آن طرح براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. وقتی در کنار چنین هدفی پیشنهاد مذاکره مطرح می‌شود مسلم است این پیشنهادها هم بخشی از عملیاتی کردنان طرح است تا از طریق ایجاد جنگ روانی نوعی اختلاف‌افکنی در داخل ایران ایجاد کنند چرا که اگر نیتی غیر از این بود و در رفتارشان صداقت وجود داشت چرا این پیشنهاد را هم‌زمان با بحث اعمال تحریم‌ها مطرح می کنند در حالی که پیشنهاد مذاکره اساساً در یک شرایط آرام عنوان می‌شود.

نکته مهم این است که مذاکره یک ابزار دیپلماتیک است و در هر زمان باید به آن به عنوان یکی از راه‌های سیاسی برای حل و فصل اختلافات استفاده شود اما این در شرایطی است که صداقت طرف مقابل مشخص باشد اما امروز که این حسن رفتار وجود ندارد بهترین راه به جای حرکت به سمت مذاکره با آمریکا، رفتن به سمت همراه ساختن کشورهای اروپایی است، به ویژه آن که امریکا با خروج از پیمان‌هایی که پیش از دولت ترامپ میان آمریکا و اروپا منعقد شده بود یک فضای منفی علیه آمریکا به وجود آورده است.بنابراین نباید تصور کرد که شرایط امروز ما بدتر یا حتی شبیه به دور قبل است. امروز برخلاف سال‌های ۹۰ الی ۹۲ اجماع جهانی علیه کشور آمریکاست.

*** نماینده مردم نطنز و قمصر و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس**

یا زود مقامات کاخ سفید مجبورند پاسخ دهند. توانمندی‌های نظامی برای مانورهای قدرت خوب است، آمریکایی‌ها می‌دانند ما راهکار لازم را برای مقابله با آنها داریم. به قدر کافی آمریکایی‌ها در منطقه ما پهن شدند، البته آنها فکر می کنند این اتفاق به نفعشان است اما غافل از آن هستند که هر چقدر به ما نزدیک‌تر شوند با سلاح‌های کوچک‌تر راحت‌تر توانیم آنها را بزنیم. اگر آمریکایی‌ها درباره ایران اشتباهی مرتکب شوند، لانه‌های فسادشان در بحرین، عراق، امارات طعمه‌گاه خوبی است. آمریکایی‌ها بدانند اگر جنگ را شروع کنند، تمام شدن جنگ دیگر دست آنها نخواهد بود، ثانیاً شاید ضربه اول را بتوانند بزنند اما حجم، اندازه و عمق و شدت ضربه دوم را ما تعیین می کنیم بنابراین اگر عقل داشته باشند دنبال راهکار نظامی نمی‌روند. البته این حرف به آن معنا نیست که خصومت آمریکایی‌ها با ما تمام خواهد شد، در واقع ابزارشان عوض می‌شود، تانک و موشک را کنار می گذارند و دلار را سلاح می کنند. کما اینکه مشاهده می کنیم امروز آمریکایی‌ها با دلار به اقتصاد ایران، ترکیه و روسیه شلیک می کنند. جنگ‌های نوین امروز آمریکا اقتصادی و فرهنگی است و با این ابزارها دل مردم کشور هدف را خالی می کنند. تحلیل مقام معظم رهبری کاملاً روشنگرانه بود. آمریکایی‌ها دنبال جنگ نظامی نخواهند رفت. احساس می کنیم سلسله حماقت‌های آمریکایی‌ها در منطقه موجب می‌شود که در نهایت آنها سکه یک پول شوند. انشاءالله باید به سمتی برویم که آمریکایی‌ها را از منطقه اخراج کنیم، تا آنها بروند و در خانه‌های خودشان بنشینند.

***مشاور رئیس مجلس شورای اسلامی**

تد رجنسیا

سپتامبر ۱۹۸۰ بود. ده ماه از گروگان گیری ۵۲ دیپلمات و شهروند آمریکایی در ایران می گذشت. از احساسات ضد امریکایی در پایتخت چیزی کم نشده بود. ظرف چند روز آتش جنگ بین ایران و عراق شعله ور شد و منطقه را بیشتر در خون فرو برد.

در بن، پایتخت آلمان غربی آن زمان، یک دیپلمات ایرانی مأمور بود تا پیام رهبر ایران، آیت الله خمینی، را به آمریکایی‌ها برساند. نامه محرمانه‌ای که صادق طباطبائی مسئول رساندن آن بود، در واقع این نامه اولین پیش نویس توافق الجزایر سال ۱۹۸۱ بین ایران و آمریکا بود که راه را برای آزادی گروگان‌های آمریکایی که ٤٤٤ روز در اسارت بودند، باز کرد.

کارشناسان سیاسی ایران معتقد هستند که توافق الجزایر ثابت کرد ایران حتی در خصمانه ترین شرایط بین دو کشور نیز مایل به رسیدن به توافق با آمریکا بوده است. علی رغم خروج ترامپ از توافق هسته‌ای و اعمال مجدد تحریم‌ها، تحت شرایط صحیح و بر اساس احترام متقابل تهران و واشنگتن می توانند مذاکرات جدیدی را آغاز کنند. فرشته صادقی، یک تحلیل گر سیاسی به الجزیره گفت: «درهای مذاکرات هیچ گاه بسته نمی‌شود.» وی معتقد است که شروع مجدد مذاکرات، حتی در اوج اختلافات دور از دسترس نیست.

در حالی که ایران به بازگشت مجدد تحریم‌ها اعتراض کرده است، مقامات رده بالای دولتی به طور مستقیم مذاکرات را رد نکرده‌اند.

در پاسخ به پیشنهاد ترامپ مبنی بر دیدار با پرزیدنت روحانی، وزیر امور خارجه، جواد ظریف، به روزنامه ایران دیلی گفته است: «ایران کشوری نیست که پیشنهاد مذاکره را رد کند. ما بر اساس منافع ملی‌مان پیش خواهیم رفت.» او در ادامه گفت که ایران باید ببیند آمریکا تا چه میزان «می خواهد حسن نیت خود را نشان دهد.» ظریف این مصاحبه را در روزی که اولین دور تحریم‌ها اجرایی شد، انجام داد. در این چند روز این گمانه زنی وجود داشته است که روحانی می تواند در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر با ترامپ دیدار کند. اگرچه تا کنون ظریف این احتمال را رد کرده است. در مقابل، ظریف پیشنهاد داده که آمریکا باید اول «عادتش به تحریم و قلدری را ترک کند.»

غیر قابل پیش بینی بودن ترامپ

محمد اسلامی، سردبیر مجله سیاسی خراسان در تهران، در حالی که از غیر قابل پیش بینی بودن ترامپ شاکی بود، گفت که در دیپلماسی ایران، همیشه گزینه‌ای برای حل اختلافات وجود دارد.

وی گفت: «اگر دونالد ترامپ نشان دهد که از بعد سیاسی می خواهد مذاکرات سازنده‌ای را با ایران داشته باشد، چرا که نه؟» البته اسلامی به غیر قابل اعتماد بودن مقامات آمریکایی نیز اشاره کرد.

سید حسین موسویان، سفیر سابق ایران در آلمان، به الجزیره گفته است که اگر آمریکا در مورد پیشنهادش برای مذاکره با ایران جدی باشد، باید یک سری اقدامات مقدماتی به منظور هموار کردن مسیر برای دور جدیدی از مذاکرات انجام دهد. موسوی در ادامه گفت که مذاکرات باید بر اساس اصول احترام متقابل سازمان ملل باشد. وی گفت آمریکا همچنین باید متعهد شود که در سیاست داخلی ایران دخالت نکند. تهران دولت ترامپ را متهم به زمینه چینی برای تغییر نظام در ایران کرده که موجب افزایش بی اعتمادی شده است.

توهین و تهدید

اما کاوه احسانی، استاد مطالعات بین الملل در دانشگاه دوپال شیکاگو، معتقد است که آمریکا باید پیش از آن که به دنبال مذاکرات مؤثر باشد، به جایگاه ایران در خاورمیانه احترام بگذارد.

وی با اشاره بر اینکه تهران به دنبال تأمین امنیت خودش است به الجزیره گفت: «آمریکا یک کشور در خاورمیانه نیست. اما ایران هست. من اصلاً متوجه دلیل حضور امریکا در عراق، لبنان و سوریه نمی‌شوم اما می دانم که چرا ایران در این کشورها حضور دارد.»

فرشته صادقی می گوید که ترامپ مرد تجارت است و هر جا که باشد به دنبال منفعت است، بنابراین کم کم با ایران مذاکره خواهد کرد. وی همچنین گفت که مطمئن نیست ترامپ به دنبال تغییر رژیم در ایران باشد چون ترامپ به خوبی می‌داند که چنین اقدامی چه عواقب فاجعه باری برای نیروهای آمریکایی در خاورمیانه و متحدان منطقه‌ای آمریکا خواهد داشت و کل منطقه را دوباره به هرج و مرج خواهد کشاند. صادقی معتقد است که اگر آمریکا به تدریج گام‌های دیپلماتیک را بردارد و شرایط مناسب مهیا شود، ایرانی‌ها حتی توهین‌ها و تهدیدهای ترامپ را فراموش خواهند کرد تا این توافق به نتیجه برسد.

«به قول ایرانی‌ها حرف و ناسزا باد هوا است، می‌آید و می‌رود.»

منبع: الجزیره

آنچه ترامپ از آن غافل است

هنری برای توافق

آلیسون تاهمیزیان میوز

نگاه بدبینانه اروپایی‌ها به چشم انداز رشد اقتصادی ایران؛

پرکشیدن پروازها از آسمان ایران

خطوط هوایی «بریتیش ایرویز»، «ایر فرانس» و «کی آلام» اعلام کردند که از ماه آینده پروازهای مستقیم به تهران را متوقف می‌کنند. این اقدام در واکنش به تحریم‌های تجدید شده آمریکا علیه ایران صورت می‌گیرد. یک سخنگوی بریتیش ایرویز به آسیا تایمز گفت: «آخرین پرواز از لندن به تهران در تاریخ ۲۲ ماه سپتامبر صورت خواهد گرفت و آخرین پرواز برگشتی از تهران هم در تاریخ ۲۳ سپتامبر خواهد بود.» این خطوط هواپیمایی در بیانیه خبری در این زمینه اعلام کرد که عملیات در حال حاضر از نظر اقتصادی به صرفه نیست.

خطوط هوایی پادشاهی هلند کی آلام هم درست در همان تاریخ‌ها پرواز مستقیم به تهران را متوقف می‌کند. کی آلام در بیانیه‌ای اعلام کرد: «در نتیجه عواقب منفی و چشم انداز مالی عملیات تهران، آخرین پرواز از آمستردام به تهران در تاریخ ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۸ و پرواز برگشت در تاریخ ۲۳ سپتامبر خواهد بود.» ایر فرانس هم که در سال ۲۰۱۶ هفته‌ای سه پرواز پاریس-تهران داشت، فعالیت خود را در جمهوری اسلامی ایران به شدت کاهش داده است. این شرکت هواپیمایی فرانسوی از چند ماه پیش پرواز پاریس-تهران را به شرکت تابعه بودجه خود، «جون» واگذار کرده است. در حال حاضر تنها پروازهای ارتباطی موجود هستند که از ایستگاه‌های کی آلام یا استانبول عبور می‌کنند. برخی شرکت‌های گشتی حتی به مسافران هشدار داده‌اند که احتمالاً یک شب اضافی را به هزینه خودشان در لیون

خواهند گذراند. از میانه ماه سپتامبر پروازها به هواپیمایی‌های گمنام‌تری همچون «هوپ» یا «اطلس گلوبال» واگذار خواهد شد.

شرایط در قیاس با فضای دو سال پیش به کلی تغییر کرده است. در آن زمان خطوط هواپیمایی اروپایی با خوش بینی به چشم انداز اقتصاد ایران در پی امضای توافق هسته‌ای برجام در سال ۲۰۱۵، پروازها به ایران را از سر گرفته بودند. در یک بیانیه خبری کی آلام در سال ۲۰۱۶ آمده بود: «اقتصاد ایران رشد قابل توجهی داشته است و افزایش شمار شرکت‌های بین المللی که به تجارت در ایران مشغول می‌شوند، چشم انداز رشد را تقویت می‌کند. این دلیل کافی است تا کی آلام خدمات به این مقصد مهم در خاورمیانه را از سر بگیرد.»

اما دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا در ماه مه تصمیم گرفت تا ایالات متحده را از توافق هسته‌ای ایران خارج و علیه این کشور تحریم‌هایی اعمال کند. این اقدام بر سرنوشت ایران و امیدها به استقرار مجدد ایران در اقتصاد جهانی سایه انداخت. تحریم‌ها هم که از اوایل ماه اوت آغاز شدند با بحران ارزی در ایران و تشدید مشکلات اقتصادی همراه بودند و موجبات شک و تردید به چشم انداز رشد اقتصادی را فراهم آوردند.

اتحادیه اروپا اعلام کرده همچنان به برجام متعهد است و از آن در برابر ایالات متحده دفاع می‌کند. بروکسل حتی در اقدامی غیرمتعارف قانون انسداد را به اجرا گذاشته تا از شرکت‌های اروپایی که با ایران مناسبات تجاری دارند، دفاع کند. اما اعتراض‌های رسمی اروپا به خروج یک جانبه آمریکا از برجام و تحریم‌ها علیه ایران با شرایط موجود همخوانی ندارد و بسیاری از شرکت‌های بزرگ که با آمریکا نیز مناسبات تجاری دارند، در پی نگرانی از آسیب دیدن در تحریم‌ها علیه ایران، جمهوری اسلامی را ترک کردند.

منبع: آسیا تایمز

مترجم: طلا تسلیمی

بحران‌هایی که روابط ترکیه و آمریکا را تحت تأثیر قرار داد

طلاق عاطفی آنکارا و واشنگتن

اکنون که ترکیه با متحد قبلی‌اش، آمریکا، سر لج افتاده، بحران کاهش ارزش لیر تبدیل به یک مشکل سیاسی مهم شده است. مسئله فوری امتناع ترکیه از آزادی اندرو برونسون، کشیش آمریکایی، است که به اتهامات تروریستی، جاسوسی و خرابکاری دستگیر شده است. وی همچنین متهم است که در کودتای شکست خورده ژوئیه ۲۰۱۶ علیه رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه، نقش داشته است.

آمریکا حق دارد که به دستگیر شدن برونسون اعتراض کند. اما واکنشش نتیجه عکس داشته است. در واقع، اعمال تعرفه‌های بالاتر بر واردات استیل و آلومینیوم از ترکیه، می‌تواند بیش از این اقتصاد ترکیه را دچار مشکل کند و باعث به وجود آمدن بحرانی گسترده‌تر شود که می‌تواند اقتصاد دنیا را متأثر کند. به علاوه این تعرفه‌ها باعث شده تا اردوغان شرایط بد اقتصادی کشورش که به خاطر ناکارامدی دولتش است را گردن آمریکا بیندازد. هنوز امکان دارد که دولت ترکیه راهی برای آزادی برونسون پیدا کند و دونالد ترامپ که مشتاق است وفاداری‌اش را به طرفداران فرقه پروتستان که بخش اعظمی از حامیانش را تشکیل می‌دهند، نشان دهد، تعرفه‌ها را بردارد. اما حتی اگر این بحران بر طرف شود، باز هم بحران ساختاری روابط بین آمریکا و ترکیه—و در کل روابط ترکیه با غرب—همچنان باقی خواهد ماند. ما شاهد افول مداوم اما آهسته روابط هستیم که حالا فقط نام اتحاد بر آن مانده است. گرچه دولت ترامپ حق دارد که به مقابله با ترکیه بپردازد، اما هم سر مسئله‌ای اشتباه و هم به شیوه‌ای اشتباه به آن پاسخ داده است.

مدت‌های مدیدی است که روابط بین ترکیه و غرب بر دو اصل استوار بوده است، که دیگر هیچ یک از این دو اصل وجود ندارند. اصل اول این است که ترکیه بخشی از غرب است که به معنای لیبرال و دموکرات بودن این کشور است. با این حال ترکیه نه لیبرال است نه دموکرات. فقط حزب عدالت و توسعه است که نقش اصلی را در ترکیه بر عهده دارد و اردوغان که رئیس این حزب است، قدرت را در دست دارد.

با روی کار آمدن اردوغان، استقلال قوا و دستگاه‌ها، معنی خود را از دست داده است و رئیس جمهور رسانه‌ها، اداره‌ها و دادگاه‌ها را تحت کنترل دارد. به بهانه همان کودتای نافرجامی که برونسون به خاطرش اسیر است، هزاران نفر دیگر نیز در اسارت به سر می‌برند. در حال حاضر نمی‌توان گفت که آیا این ترکیه در دست اردوغان می‌تواند واجد شرایط عضویت در اتحادیه اروپا باشد یا نه. اصل دوم پایداری روابط بین ترکیه و غرب همسان سازی سیاست‌های خارجی است. ترکیه اخیراً بیش از ۱۰۰ جت جنگنده اف-۳۵ را از آمریکا خریده است. با این حال، در همین سال‌های اخیر، ترکیه از نیروهای جهادی در سوریه حمایت کرده، به ایران نزدیک‌تر شده و قرارداد خرید موشک‌های زمین به هوای اس-۴۰۰ را از روسیه بسته است.

علاوه بر این‌ها، ترکیه و آمریکا دو موضع متقابل در سوریه دارند. در حالی که کردهای سوریه همدستان نزدیکی برای امریکا بوده‌اند، از نظر ترکیه تروریست‌هایی هستند که با کردهای ترکیه که سالیان درازی است به دنبال خود مختاری هستند، در ارتباط هستند.

آن نفرت نسبت به شوروی که دو کشور را در طی جنگ سرد به هم نزدیک کرده بود، خیلی وقت است از بین رفته است. آنچه اکنون شاهدش هستیم طلاقی عاطفی است که دو طرف را از سر عادت زیر یک سقف نگه داشته است با اینکه دیگر ارتباطی واقعی بین آنها وجود ندارد. اردوغان اخیراً در مصاحبه با نیویورک تایمز هشدار داده است که همکاری‌های آمریکا و ترکیه «می‌تواند در معرض خطر باشد» و اینکه ترکیه به زودی به دنبال یافتن دوستان و متحدان جدید خواهد رفت اگر آمریکا دست از بی احترامی و یک جانبه گرایی هایش برندارد. در واقع این همکاری همین حالا هم به خطر افتاده که بیشتر به خاطر اقدامات ترکیه است و اردوغان در حال حاضر روند یافتن دوستان و متحدان جدید را آغاز کرده است. اکنون زمان آن رسیده است که آمریکا و اروپا این حقیقت را بپذیرند.

منبع: پراجکت سیندیکیت

صادق ملکی*

درد مردم زندگی لاکچری آقازاده‌ها نیست

آفت پدیده آقازادگی

پدیده آقازادگی برآیند فساد سیستمی ومشکلات ساختاری بوده وبی شک معضلات عدیده ایران و جامعه ایرانی بیش از آن که حاصل رفتارها و کارنامه‌های فردی افراد باشد، حاصل عملکرد سیستم سیاسی است که نشان می‌دهد نارسا بوده و به نظرمی رسد توانایی بازسازی خود را همچنان ندارد. هر نگاهی جز این نگاه، آلوده به اغراض سیاسی هدف دار برای دور شدن از علل ریشه‌های مشکلات ایران خواهد بود.

در جامعه ملتهب از انبوه مشکلات و نابرابری‌ها، انتشار برخی از تصاویر فرزندان ومنسوبان نظام به شکلی که با جایگاه ادعای آنان همخوانی ندارد، بیش از آن که درمان باشد، یک نقطه فریب است. کاش جامعه ایرانی و دنیای مجازی غرق حاشیه‌های عامیانه‌ای نشود که او را از اصل، غافل کند.

در عین اهمیت این که انسان باید کردارش به گفتار و ادعا نزدیک باشد، تعمیم دادن برخی از مسائل به فضای سیاسی بیش از آن که دارای اثرگذاری بنیادین در جهت اصلاحات باشد، می‌تواند موجب تخلیه بخشی از نارضایتی شود که می‌بایست در راه اصلاحات به کار گرفته شود. عدم توجه و درک عمیق بازی‌های سیاسی روی پدیده آقازادگی، می‌تواند ناخواسته ظرفیت اعتراضی جامعه را به جای سوق دادن به اصلاح، در خدمت هدف‌های سیاسی قرار دهد.

آقازادگی در ایران توانسته از فرهنگ فئودالی ارباب و رعیتی واز ادبیات مذهبی برای خویش در سایه رانت‌های سیستم ناکارآمد، قدرت مانور و ظهور فراهم کند. تردیدی نیست که آقازاده‌ها و یا ژن‌های خوب در جایگاه قدرت در بخش‌های خصوصی و دولتی از همه جناح‌های سیاسی کشور حضوری منفعت طلبانه دارند، اما بیش از آقاها و آقازاده‌ها باید

سیستمی را به زیر سئوال برد که شرایط این چیدمان را فراهم کرده است. آقازادگی حاصل زندگی برخوردار از رانت است لذا در نظام درگیر و آلوده به رانت، کمپین فرزندنت کجاست و چگونه زندگی می کند، چندان معنایی ندارد. از نگاه آزادی انتخاب شیوه زندگی، شاید چندان هم مهم نباشد فرزندان کجا بوده و چه روشی برای زندگی انتخاب کرده‌اند. هر نسلی انتخاب و سرنوشت خویش را دارد. البته این سخن بدین معنا نیست که توجه نکنیم که در بسیاری اوقات راه نسل برخوردار از رانت به امریکا، بورسیه، پورشه و.... ختم شده و راه نسل گرفتار در فقر بعضاً به اعتیاد، زندان و.... ختم می‌شود.

در مسیر توجه به صورت مسئله و درمانان، به نظر می‌رسد ما راه را گم کرده به جای اصلاح راه، سرگرم سنگلاخ‌هایی هستیم که سرانجامش به بیراهه ختم می‌شود.

در جامعه سنتی گرفتار در حصارها، بر خلاف جوامع مدرن، تغییر و پوست اندازی، بسیار پرهزینه و سخت است. با این وجود دنیای انتخاب‌های جدید در بسیاری اوقات، گزینه‌های تابوشکن بوده و خواهد بود. در گذشته پدران ما انتخابی داشتند محدود، پدران آنان شاید اصلاً انتخابی نداشتند. ما نیز انتخابی نسبتاً آزادتر از پدرانمان داشتیم. نسل امروز که فرزندان ما نیز جزء آنان است، انتخاب خود را دارند، با این تفاوت که آنها در انتخاب‌های امروز خود از آگاهی و آزادی بیشتری برخوردارند. به همان دلیل که بسیاری از ما شبیه پدرمان نبودیم، امروز نه ما و نه جامعه نباید دچار شوک شود که چرا فرزندان ما شبیه ما نیستند. تغییر یک اصل زندگی است. اگر امروز هر کس از نظر تفکر و درک در همان جایی باشد که سال‌ها پیش بود، کمی باید در مورد خود و چرایی عدم تغییرش بیاندیشد. این امری طبیعی است که شخصیت و تفکر امروز بسیاری از ما از دیروز ما فاصله دارد. نسلی که دیروز در ایران از دیوار سفارت امریکا بالا رفت، امروز به دنبال بازگشایی همان سفارت است که نه از دیوار بلکه از در وارد شود. روزگار و تجربه ناشی از فراز و نشیب‌های آن می‌تواند شعار مرگ را به شعار زندگی تغییر دهد. پس پسرانی که شبیه پدران خویش نیستند شاید بیش از پسران شبیه پدر منشأ تحول شوند.

راه را گم نکنیم. در ایران سرشار از منابع، درد مردم زندگی لاکچری آقازاده‌ها نیست، بلکه دردی است که سبب ظهور این روند شده است. در ایران یقیناً بیش از افراد، باید سیستم و نظام سیاسی حاکم پاسخگوی انبوه مشکلات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه باشد. در سیستم‌های ناکارآمد به واسطه خلاء و یا نقایص قانونی، خواسته یا ناخواسته شرایط فساد به گونه‌ای نهادینه می‌شود که حتی سالم‌ترین افراد نیز در چرخه قدرت آلوده می‌شوند. گسترش رانت و فساد در همه جناح‌های سیاسی دلیل این مدعاست. دقت کنیم فروکاستن حساسیت جامعه ایرانی به نمایش نحوه زندگی برخی فرزندان مقامات و یا کمپین فرزندنت کجاست، توهین به شعور مردم است. شایان ذکر است که برخی رفتارها و بی اعتنایی به علل واقعی مشکلات از سوی مقامات، بسیاری از ایرانیان را به این نکته توجه می‌دهد که مردم بیش از برخی مقامات، پای ایران و نظام ایستاده‌اند. به نظر می‌رسد این مردم فهیم در صبری ایوب وار همچنان امیدوارند در اقدامات اصلاحی راه کشور سرانجام هموار خواهد شد. بدانیم در سایه قانونمداری متکی به آرای مردم، اگر اصلاحات ریشه‌ای آغاز شود، حل معضلی به نام موضوع آقازادگی، امری است که در حاشیه اصلاحات محو خواهد شد.

***کارشناس و تحلیلگر ارشد سیاسی**

رازهای سیاه قبایل
آدمخواران

امروز می‌خواهیم پلی باشیم بین شما از دنیایی پیشرفته و هوشمند که کمترین کارهای پیچیده‌اش با استفاده از لمس کردن دکمه‌ای مجازی صورت می‌پذیرد تا دنیایی که پیشرفته‌ترین وسیله‌اش نیزه آهنی است و هنوز هم در همین دقیقه و لحظه‌ای که در آن هستیم، آدمخواری می‌کنند! حق می‌دهیم اگر باور نکنید زیرا آدمخواری مسئله‌ای نیست که به راحتی پذیرفته شود علی الخصوص در دوره‌ای از زندگی بشر که در اوج بالندگی فرهنگی انسانی و اجتماعی زندگی می‌کند ولی باید بگوییم که این حقیقتی محض است که در برخی از نقاط کرهٔ زمین همچون کشورهای هند و اندونزی در قارهٔ آسیا و یا کشور برزیل در قارهٔ آمریکای جنوبی، این مسئله وجود دارد. هندوستان همیشه آن دلبر رنگارنگ و شادی‌های بالیوودی نیستند که ما در نظرمان داریم بلکه، این کشور زیبای پر رمز و راز که هر گوشه‌اش جلوه‌ای از عمت‌های روز افزون الهی است، قبیله‌ای بسیار مخوف و ترسناک برای هر انسانی را در خود دارد.

این قبیله که به نام وارانسی مشهور شده است، برای اولین بار توسط عکاسی به نام کریستیانو اوستینلی در سراسر جهان به تصویر کشیده شد. البته با توجه به این که قوم همگی آدمخوار هستند به نظر می‌آید که باید مدال شجاعت را به این عکاس با احترامات فراوان اهدا کرد. باید این نکته را دربارهٔ قبیلهٔ وارانسی بدانید که اعضای این قبیله همگی در قبرستان‌ها زندگی می‌کنند و از گوشت انسان‌های مرده تغذیه می‌کنند! افراد این قبیله در طی مراسمات خود از جمجمهٔ انسان‌ها به عنوان لیوان استفاده می‌کنند و گوشت حیوانات را نیز به صورت خام می‌خورند. برخی از مردم اعتقاد دارند که آدمخوارها به خاطر نوع تغذیه‌ای که دارند، قابلیت پیش بینی آینده را نیز دارند. استینلی، همان عکاسی که در میان این قبیله رفته است، دربارهٔ این قبیله می‌گوید که: در اطراف افراد این قبیله پر از راز و رمزهای بزرگ است که دانستن هر کدام از آن‌ها ممکن است تمام جهان بینی شما را دستخوش تغییر قرار دهد.

ظاهراً این افراد می‌توانند تا آینده را پیش بینی کنند و البته بیشتر هندی‌ها به همین علت از آن‌ها می‌ترسند. در بین هندی‌ها این تفکر وجود دارد که آدمخوارها می‌توانند کارهای بد و شر را با نیرو و قدرت‌های ذاتی و درونی خود انجام دهند. البته گویا آن‌ها از ترکیبات عجیب و غریبی برای رسیدن به این حالات استفاده می‌کنند تا به آگاهی‌های بیشتر و وصل شدن روحشان به قول خودشان به عوالم دیگر برسند. گویا برخی از رئیسان قبیلهٔ وارانسی تا سن ۱۷۰ سالگی عمر می‌کنند. البته این قوم به صورت کامل و تا جایی که می‌توانند خودشان را از قبایل انسانی و تمدن‌ها جدا می‌سازند تا بدون ارتباط با دیگران به حیاتشان ادامه دهند و اصلاً رابطه‌ای با اقوام قبایل دیگر ندارند. حال به سراغ قبیلهٔ بعدی می‌رویم که آن‌ها را مورد بررسی قرار دهیم. قبیلهٔ بعدی قومی نیست جز، کرووای (Korowai) در اندونزی. قبیله کرووای یکی دیگر از قبایل آدمخوار بر روی کرهٔ زمین است که با جمعیت ۳ هزار نفری در کشور اندونزی زندگی می‌کنند. اگر بخواهیم از لحاظ مرز جغرافیایی محل زندگی دقیق این قوم را مشخص نماییم باید بگوییم که این قبیله در جنوب شرقی پاپوآ در منطقهٔ گینه نو اندونزی سکونت دارند. این منطقه دقیقاً از آن دسته مناطقی است که کمتر کسی به آن جا سفر می‌کند اما اگر کسی به این منطقه برود، باید بداند که احتمالاً سفر بی بازگشتی خواهد داشت. مردم این قبیله تا سال ۱۹۷۰ از دنیای بیرون از قبیلهٔ خود به صورت کامل بی خبر بودند و حتی تصور نمی‌کردند که افرادی غیر از آن‌ها بر روی زمین نیز زندگی می‌کنند. البته همهٔ افراد این قبیله آدمخوار نیستند اما، آدمخوارهای این قبیله همگی شکارچیان بسیار ماهری هستند که در نقاط تاریک جنگل کمین می‌کنند. آن‌ها بلا استثنا هر موجود زنده‌ای را که ببینند، در کمترین زمانی که بتوان حرکتی کرد را شکار می‌کنند. اصلاً هم برای آن‌ها فرقی ندارد که شکارشان انسان باشد یا حیوان، به هر حال برای شکار بیچاره هیچ راه فراری وجود ندارد. یکی از حقایق جالبی که دربارهٔ این قبیله در اندونزی وجود دارد این است که از آن جایی که قبایل آدمخوار در این منطقه، بسیار بزرگ هستند جنگ‌های بزرگی هم در میان آن‌ها رخ می‌دهد. این قبیله از تیر و کمان برای دفاع از خود استفاده می‌کنند. جالب است بدانید که در سال ۱۹۷۰ یک محقق هلندی تبار به نام جوانز ولدویزن که در واقع یک ماجراجوی تمام عیار بود، سفرهای ناشناختهٔ خود را در میان این قبیله آغاز کرد. او که توانست سفر خود را آغاز نماید در واقع برای اولین بار به این جنگل سفر کرد و انسان‌هایی را دید که همچون انسان‌های اولیه و در نوعی فوق العاده بدوی در این جنگل زندگی می‌کردند. پس از این سفر شجاعانه در واقع مردم این قبیله با آدم‌هایی متفاوت‌تر از خودشان روبرو شدند و از دنیای خارج از جنگل مطلع شدند و فهمیدند که مردمی مفاوت‌تر از خودشان نیز وجود دارد که در شرایطی متفاوت از شرایط آن‌ها زندگی می‌کنند. افراد این قبیله همگی دارای بیماری فقر آهن و کم خونی هستند و با این که خودشان از این بیماری و علائمش چیزی نمی‌دانند اما می‌توان از ورای علائم ظاهری آنان پی به این مسئله برد. آن‌ها نام این بیماری را خاخوآ یا جادوی سیاه گذاشته‌اند و هر کس را که به این بیماری دچار شده باشد را کشته و می‌خورند!

راهکارهایی برای رهایی از تأخیر در پرواز

برای بسیاری از شما تا به حال پیش آمده است که در زمان مسافرت هوایی دچار پدیدهٔ تأخیر در پرواز شده باشید و زمان بسیاری را در فرودگاه از دست داده باشید به همین خاطر می‌توان گفت که این مسئله به هیچ عنوان دلخواه نیست و باید از آن در زمان وقوع رهایی یافت. به همین خاطر ما امروز می‌خواهیم تا با ارائهٔ راهکارهایی برای رهایی از پدیدهٔ تأخیر در پرواز ارائه نماییم تا نه تنها در زمان وقوع، بلکه حتی قبل از آن نیز به شما کمک نماید به هر حال پیشگیری بهتر از درمان است.

باور کنید که عوامل بسیاری در این تأثیر دارد که شما یک پرواز به موقع و بدون تأخیر داشته باشید و به این صورت زمان بندی شما به هم نریزد. اما در عین حال همین جمله را می‌توانیم به صورت معکوس هم بیان نماییم: این که هواپیمایی که شما می‌خواهید با آن پرواز کنید به موقع حرکت کند و به سمت آسمان برود، به عوامل مختلفی بستگی دارد که اتفاقاً بسیاری از آن‌ها از اختیار شما خارج هستند.

اگر بخواهیم دربارهٔ عواملی که منجر به تأخیر در پرواز هواپیماها می‌شوند اشاره نماییم، علت‌های مختلفی را می‌توانیم نام ببریم اما به طور معمول، تأخیر پرواز هواپیماها به دلیل نامساعد بودن آب و هوا و نقص فنی هواپیماها است که دقیقاً باعث می‌شوند تا شما ساعت‌ها وقت با ارزش خود را در فرودگاه معطل بمانید و بی صبرانه منتظر پرواز خود باشید.البته برای این که از دست این معضل خلاص شوید، راه‌هایی نیز وجود دارد که با به کارگیری آن‌ها و با استفاده از استراتژیشان، می‌توانید تا پروازی بدون تأخیر و سر وقت داشته باشید. به طور مثال شما می‌توانید با رزرو بلیط در روزها و زمان‌های مشخص به راحتی تا بالاترین حد ممکن از دست تاخیرهای پروازی راحت شوید. البته نکات بسیاری هست که بی شک به آن تا به حال دقت نکرده بوده‌اید. در ادامه ما این چند راه را به شما معرفی می‌نماییم.

01 پروازهای صبح را جایگزین پروازهای آخر شب کنید

این برای همه واضح و مبرهن است که وقتی پرواز دچار تأخیر می‌شود، بی شک به دنبال آن، مشکلاتی همچون: دیر رسیدن پرواز، به تأخیر افتادن کارها و دیگر مسائلی می‌شود که بالطبع آرامش شما را دچار خدشه می‌کند و این تازه شروع ماجرا است! بنابراین برای این که این مشکلات پیش نیاید این نکته را در هنگام خرید و یا رزرو بلیط هواپیما به خاطر داشته باشید که هرچه ساعت پرواز شما زودتر باشد، شانس شما نیز برای زود رسیدن بیشتر می‌شود و این به آن معنا است که تأخیر پرواز شما کمتر و کمتر می‌شود.

02 پروازهای بدون توقف را حتماً رزرو کنید

تاخیرهای بی برنامه به کنار ولی برخی از پروازهای دیگر نیز بدون تاخیرهای اولیه هم وقت گیر هستند مثل پروازهایی که توقف دارند و این دقیقاً به آن معنا است که اگر پرواز شما توقف داشته باشد یا مجبور باشید برای رسیدن به مقصد مورد نظر خود هواپیمایتان را عوض کنید، حتماً با تأخیر به مقصد خود خواهید رسید.

03 وضعیت آب وهوا را قبل از رزرو پرواز چک کنید

حتماً قبل از خرید بلیط پرواز خود به وضعیت آب و هوای زمانی که می‌خواهید سفر کنید، توجه نمایید. به این مسئله دقت کنید که در فصل‌های طوفانی از پروازهایی استفاده نکنید که از مناطق دریایی و خلیجی عبور می‌کنند و یا حتی در فصل زمستان از مناطقی که دارای آب و هوای نامناسب هستند نیز رد نشوید تا از یک مشکل تاخیرزای بسیار بزرگ جلوگیری کنید.

04 فرودگاه‌های کوچک را انتخاب کنید

این نکته ثابت شده است که پرواز از فرودگاه‌های بزرگ و اصلی که بسیار شلوغ و پر تردد نیز هستند درصد تأخیر پرواز شما را به خاطر ترافیکی که دارند بسیار افزایش می‌دهند.

05 وسط هفته پرواز کنید

تا جایی که می‌توانید این نکته را به خاطر داشته باشید که بیشتر فرودگاه‌ها در روزهای سه شنبه و چهارشنبه نسبت به اول و آخر هفته خلوت‌تر هستند. شاید برایتان جالب باشد تا بدانید که هرچه تعداد پروازها کمتر باشد، شانس شما برای فرار از ترافیک پروازی در باند فرودگاه یا در آسمان بیشتر است.

06 پروازهای اول وقت و آخر وقت را فراموش نکنید

تا جایی که می‌توانید سعی کنید تا آخرین پروازها یا پروازهای دیروقت را خریداری و یا رزرو نکنید. اگر این دسته از پروازهای آخر شب تأخیر داشته باشند، مجبور می‌شوید تا تمام شب را در فرودگاه بمانید و یا در حالتی دیگر به طور کلی پروازتان را کنسل کنید و به این صورت زمان بسیاری را از دست دهید.

07 تمام قوانین مربوط به حمل بار و چمدان را رعایت کنید

یکی از مواردی که در فرودگاه باعث می‌شود تا شما وقتتان در فرودگاه تلف شود و حتی پروازتان با تأخیر و یا مشکل مواجه شود قسمت بازرسی بار مسافران در فرودگاه است. حال اگر شما اگر قوانین مربوطه را ندانید، با رعایت نکردن قوانین و معطل شدن در قسمت چک این، باعث تأخیر در پرواز می‌شوید و مشکل پیش می‌آورید. این نکات را رعایت کنید بسیار برای شما کاربردی خواهد بود. به طور مثال، چمدان همراه خود را خیلی محکم و سفت نبندید تا به راحتی اسکن یا بررسی شود. حتی می‌توانید زمانی که در صف امنیت پرواز منتظر ایستاده‌اید، کفش، کت، و لوازم فلزی خود را در آورده و پاسپورت و کارت شناسایی خود را حاضر و آماده در دست بگیرید تا در اتلاف وقت و زمان شما صرفه جویی شود.

08 در زمان‌های شلوغ و پر سفر سال سفر نکنید

در سال روزهای بسیاری در زمرهٔ فصل‌های پر سفر و روزهایی هم در زمرهٔ ایام کم سفر هستند. معمولاً تعطیلی‌های عید، تابستان، تعطیلی‌های مناسبتی و آخر هفته‌ها به عنوان شلوغ‌ترین مواقع و روزهای سال برای پرواز هستند، بنابراین امکان تأخیر در پرواز در این ایام برای شما بیشتر است.

عماد جعفری

شیراز؛ ویترین جاذبه‌های گردشگری ایران

شیراز مرکز استان فارس، در جنوب غربی ایران و در ارتفاع ۱۵۴۳ متر از سطح دریا قرار دارد. این شهر از همه طرف به کوهستان محدودشده و آب و هوایی معتدل دارد. رودخانه فصلی «خشک» از این شهر عبور کرده و آن را از بروز سیل مصون می کند.

شیراز ششمین شهر پرجمعیت ایران است. از تولیدات مهم این شهر می‌توان به سیمان، کود؛ شکر، چوب، پارچه و لباس و فرش اشاره کرد. این شهر یکی از قطب‌های صنایع الکترونیکی ایران است و پالایشگاه عظیم نفتی را در خود جای‌داده است.

تاریخچه شیراز

در کتیبه‌های تاریخی عیلامی که قدمت آن‌ها به ۲ هزار سال پیش از میلاد مسیح می‌رسد نام شیراز آورده شده است. همچنین نشانه‌هایی از حیات بشر در تپه‌های اطراف این شهر پیداشده که قدمت آن‌ها به ۷ هزار سال پیش برمی‌گردد. در دوران هخامنشی راه رسیدن از شوش به تخت جمشید و پاسارگاد از شیراز می‌گذشته و آخرین پادشاه اشکانی این شهر را به قلمرو خود ضمیمه کرده است. راه ارتباطی ۲ پایتخت مهم ساسانیان بی شاپور و گور (فیروزآباد امروزی) هم از شیراز عبور می‌کرده است. استخر پیش از شیراز معروف‌ترین شهر استان فارس بود که در قرن هفتم میلادی در برابر حمله اعراب سر تسلیم فرود نیاورد. با فتح استخر از این شهر کهن تنها ویرانه‌هایی به‌جای ماند و از آن پس شهرت شیراز فزونی گرفت. در دوران حکومت‌های پیش از حمله مغول مانند سلجوقیان و خوارزمشاهیان، شیراز از مهم‌ترین شهرهای قلمرو آنان بود. در دوران ایلخانیان و تیموریان که مصادف با حمله چنگیز خان مغول و تیمور لنگ به ایران بود شیراز از شر ویرانی آنان جان سالم به دربرد. در قرن ۱۴ ام میلادی شیراز مصون مانده از خشم مغول‌ها، به پایگاه علاقه‌مندان به هنر و فرهنگ تبدیل شد. این شهر موطن برخی از مشهورترین شاعران فارسی‌زبان ازجمله حافظ و سعدی است. پس از این برهه تاریخی، شیراز دچار فراز و نشیب‌های بسیاری شد. در خلال فرازها، جمعیت این شهر که محل امنی برای زندگی تلقی می‌شد افزایش می‌یافت و با حمله‌هایی که گهگاه به این شهر صورت گرفت ساکنان آن راهی دیار دیگری می‌شدند. دوره این فراز و فرودها با به قدرت رسیدن کریم‌خان زند که شیراز را پایتخت حکومت خود قرار داد پایان یافت. کریم‌خان یک ارگ، مسجدی باشکوه و بازاری که هنوز جاذبه‌های منحصربه‌فردی دارد را برای شیراز به یادگار گذاشت. بااین‌حال اگرچه پس از او و با حمله آقا محمدخان قاجار جایگاه این شهر از پایتخت ایران به یک مرکز استان تنزل یافت اما رونق و اعتبار شیراز همچنان به قوت خود باقی است. جاذبه‌های گردشگری بسیاری هم در شهر و هم در اطراف شیراز وجود دارد. در آغاز نگاهی به جاذبه‌های گردشگری شهر شیراز می‌اندازیم:

آرامگاه حافظ (حافظیه)

این بنا، آرامگاه شاعر شهیر ایرانی، حافظ شیرازی است که غزل‌های او پس از گذشت ۷۰۰ سال هنوز بهترین غزل شعر پارسی تلقی می‌شود.

آرامگاه سعدی

این مکان آرامگاه سعدی شیرازی حکیم شیرین‌بیان پارسی است که پس از فردوسی بیشترین کلمات پارسی را در آثارش به‌کاربرده است. بیان شیرین و زیبایی ادبی نظم و نثر سعدی علاقه‌مندان بسیاری را در داخل و خارج از ایران به خود جذب کرده است.

مسجد وکیل

این مسجد در میانه قرن ۱۸ ام میلادی و به فرمان کریم‌خان زند بنا شده است. مسجد وکیل دارای ۲ ایوان بزرگ و کاشی کاری‌های شگفت‌انگیز اسلامی است.

مسجد نصیر الملک

این مسجد با طراحی یگانه‌اش در شیشه‌های رنگی که فضای مسجد را اسرارآمیز می کند و ستون‌هایی که به زیبایی در نمازخانه مسجد قرارگرفته مشهور است.

مسجد جامع عتیق

این مسجد یکی از قدیمی‌ترین مساجد به‌جای مانده در سراسر ایران است که ساخت آن به قرن ۹ام میلادی برمی‌گردد. در دوران صفویه و سلجوقی این مسجد در چند نوبت مرمت و نوآرایی شده است.

بازار وکیل

این بازار به دستور کریم‌خان زند و به‌عنوان بخشی از ارگ حکومتی بنا شده است. صحن سرای مشیر و مجموعهٔ حجره‌های صنایع‌دستی اطراف این صحن به جذابیت فضای این بازار افزوده است.

شاه‌چراغ

زیارتگاه‌های بسیاری در شهر شیراز واقع شدند که برخی از آن‌ها که در نزدیکی یکدیگر قرار دارند به حرم تبدیل شده‌اند. شاه‌چراغ بزرگ‌ترین زیارتگاه شیراز است که آرامگاه سید احمد میرزا برادر امام هشتم شیعیان، اصلی‌ترین مقبره این حرم است.

ارگ کریم‌خان زند

که همان گونه که از نامش پیداست ارگ حکومتی و محل سکونت کریم‌خان بوده است. این بنا شامل یک حمام خصوصی مربوط به قرن ۱۸ام میلادی است.

موزه پارس

این عمارت هشت‌ضلعی کوچک در قلب باغ نظر شیراز گرفته است. کریم‌خان از این عمارت برای برگزاری مراسم رسمی و جلسات استفاده می‌کرده است.

باغ ارم

قدمت این باغ که به سبک پارسی بنا شده به دوران سلجوقی می‌رسد. در میانه این باغ خانه قاجار قرار دارد. امروزه این باغ، مرکز گیاه‌شناسی دانشگاه شیراز است.

باغ عفیف‌آباد

یکی دیگر از باغ‌های زیبا به سبک ایرانی است که امروزه به موزه صلاح تبدیل شده است. یک چای‌خانه با نقاشی‌های فوق‌العاده زیبا در این باغ واقع‌شده است.

خانه قوام

این خانه زمانی دادگاه، عالی‌ترین قاضی شیراز در قرن ۱۹ ام میلادی بوده است. آینه‌کاری‌ها و نقاشی‌های این بنا که به سبک اروپایی است جذابیت زیادی برای گردشگران به همراه دارد.

دروازه قرآن

ساخت ورودی شهر شیراز به ۱۰۰۰ سال پیش باز می‌گردد. این بنا در اعصار مختلف چندین بار بازسازی شده است. در دوران زندیه محفظه‌ای پر از قرآن به آستانهٔ این بنا اضافه شد.

جاذبه‌های گردشگری اطراف شیراز:

از ۳ جهت می‌توانید دل به جاده بزنید و از هریک به چندی از جاذبه‌های خیره‌کننده ایران عهد باستان برسید. باهم نگاهی به این آثار می‌اندازیم:

تخت جمشید

که زمانی پایتخت بزرگ‌ترین امپراتوری جهان بود از زمان فرمان ساختش توسط داریوش کبیر تا پایان سلسله هخامنشیان همواره گسترش یافت. تخت جمشید از آثار ثبت‌شده در میراث جهانی یونسکو است که شامل قصرهای متعدد، ۳ مقبره و یک موزه از آثار باستانی کشف‌شده در اطراف آن است. میراث کهن امپراتوری هخامنشی در ۶۵ کیلومتری شمال شیراز قرار دارد.

نقش رستم

به فاصله ۳ کیلومتری تخت جمشید قرار دارد و قدمت نخستین کتیبه‌های آن به هزاره دوم پیش از میلاد و دوران عیلامیان می‌رسد. نقش رستم در دوران هخامنشیان آرامگاه ۴ پادشاه واقع‌شده و در دوران ساسانیان نقوش و کتیبه‌های متعددی بر کوه‌های آن حک‌شده است. یک بنای اسرارآمیز هخامنشی (کعبه زردشت) روبروی صخره‌های عمودی این کوه قرارگرفته است.

که بین تخت جمشید و نقش رستم واقع‌شده ۳ کتیبه (مجلس) ارزشمند هخامنشی را در خود جای‌داده است. نقش رجب

کاخ اردشیر

این بنای ارزشمند در قرن سوم میلادی و به فرمان اردشیر بابکان بنیان‌گذار سلسله ساسانیان ساخته‌شده است. کاخ اردشیر در ۱۲۰ کیلومتری جنوب شرق شیراز واقع‌شده است.

شهر باستانی بی شاپور

این شهر کهن به دست برده‌ها و مهندسین رومی تحت فرمان پادشاه ساسانی ساخته‌شده که آثار باستانی ارزشمندی چون معبد آناهیتا، قصر شاپور و کاخ والرین را در خود جای‌داده است. بی شاپور در ۱۵۰ کیلومتری جنوب غرب شیراز قرارگرفته است.

کتیبه‌های تنگ چوگان

این سنگ‌نگاره‌ها در مقابل شهر باستانی بی شاپور قرارگرفته‌اند. مهم‌ترین نقوش این سنگ‌نگاره‌ها لحظات پیروزی ساسانیان بر رومی‌ها و اعراب را نشان می‌دهد.

مجید سلیمی‌بروجنی

اقتصاد ایران سال‌های سال با رشد بالای نقدینگی درگیر بوده و از این منظر با فاصله زیادی بالاتر از متوسط جهانی قرار دارد. اثر نقدینگی در نهایت تورم است و در اقتصاد ایران نیز به طور معمول نقدینگی با فاصله زمانی کوتاهی به تورم تبدیل شده است. آخرین آمارهای رسمی نشان می‌دهد نرخ تورم در اقتصاد ایران وارد روند افزایشی شده است. اصطلاح نقدینگی و هدایت آن، از آن اصطلاحاتی است که نمونه بارز یکی از کج‌فهمی‌های سیاست‌گذار در زمینه نقدینگی است. نقدینگی مانند آبی است که جاری می‌شود و شرایط اقتصادی حکم می‌کند که این آب به کدام سمت برود و کسی نمی‌تواند بر روی مسیر آن کنترل کاملی داشته باشد. اگر شرایط اقتصادی به گونه‌ای باشد که بازار ارز جذاب باشد و سود در خرید دلار و سکه باشد، جریان نقدینگی جذب بازار سکه و ارز می‌شود. اگر اقتصاد به گونه‌ای باشد که مسکن در حال رشد باشد، نقدینگی به سوی آن جذب خواهد شد. وقتی فضای کسب‌وکار و قواعد آن و سیاست‌گذاری‌های دولت به گونه‌ای باشد که سودآوری بالایی نداشته باشد، جریان نقدینگی چرا باید به سمت و سوی تولید و صنعت برود؟

وقتی نقدینگی به سمت تولید نمی‌رود

در روزگاری که اقتصاد رانت‌زده بوده و حتی بانک‌ها هم تسهیلات‌شان را به طور مستقیم و غیرمستقیم به سهامداران خود می‌دهند، انتظاری نیست که نقدینگی به سمت تولید هدایت شود. متاسفانه در فضای اقتصادی کشور بسیاری از فعالیت‌ها غیرمولد و غیرتولیدی است. در نتیجه فضای آنها برای جذب نقدینگی جذاب‌تر است و هر چقدر هم که دولت تلاش کند که نقدینگی به سمت تولید برود، نتیجه‌ای عایدش نخواهد شد.

تجربه نشان داده که جریان نقدینگی با مصوبه و قانون و دستورالعمل قابل هدایت نیست. گسستی که این بار بین رشد نقدینگی و تورم مشاهده می‌شود، ناشی از بیماری هلندی نیست و این کاهش شدید سرعت گردش پول در اقتصاد ایران است که ظاهر شدن اثر تورمی را به تعویق انداخته است. تورم در اقتصاد ایران مثل یک فنر جمع شده است. دلیل آن هم این بوده که نرخ سود بانکی بسیار بالا و انتظارات تورمی به دلیل ثبات اقتصاد کلان و چشم‌انداز مثبت روابط خارجی بسیار پایین بوده و در نتیجه ماندن پول در سیستم بانکی با فاصله بسیار زیاد نسبت به سرمایه‌گذاری در هر دارایی دیگری مزیت داشته است. انگار که این نقدینگی در صندوق امانات بانک قرار داشت و قفل شده بود. منظور این است که نقدینگی بالاخره یک روزی از این صندوق خارج و به تورم تبدیل خواهد شد. این که نقدینگی چند بار می‌چرخد تا به تولید ناخالص داخلی تبدیل شود، یعنی سرعت گردش پول. سرعت گردش پول در اقتصاد ایران به طور معمول بین ۱٫۵ تا ۲٫۵ بوده، اما به زیر یک رسیده است. وقتی نقدینگی ۱۶۰۰ هزار میلیارد تومانی

خیال‌های خام برای هدایت و کنترل نقدینگی به سمت تولید

آفت نقدینگی در اقتصاد کشور

موجود در اقتصاد ایران فعال نباشد، از نظر اثرگذاری شبیه آن است که فقط ۸۰۰هزار میلیارد تومان نقدینگی داشته باشیم، ولی سرعت گردش پول قاعدتاً بعد از مدتی به محدوده بلندمدت خود برمی‌گردد که معنای آن، فعال شدن نقدینگی است.

کمی بیش از نیمی از نقدینگی در اقتصاد ایران فعال است

در حال حاضر کمی بیشتر از نصف نقدینگی موجود در اقتصاد ایران فعال است. به تبع فعال شدن نیمی دیگر به تورم منجر خواهد شد. تهدیدات پیش روی اقتصاد ایران دو موضوع است؛ اول تحریم و سپس نقدینگی. تحریم از دو جهت بر اقتصاد ایران فشار خواهد آورد. یکی اثرگذاری انتظارات پس از اعلام و پیش از اعلام تحریم‌ها و دیگری، اثرگذاری خود تحریم‌ها. در حوزه انتظارات، فعالان اقتصادی با خود تجزیه و تحلیل می‌کنند که اگر تحریم‌ها اعمال شود، چه اتفاقاتی خواهد افتاد. آنچه در ذهن فعالان اقتصادی شکل گرفته، شبیه‌سازی تحریم و ترکش‌های آن بر درآمدهای ارزی پیش از اعمال تحریم‌ها بوده که تبدیل به افزایش تقاضا برای ارز شده است. بدیهی است فعال شدن این تقاضا و خرید ارز نیازمند پول است و این‌جاست که پای نقدینگی به میان کشیده می‌شود. به عبارتی، نقدینگی غیرفعال را که به خاطر کاهش سرعت گردش پول غیرفعال شده بود، فعال می‌کند.

زمانی که چنین تصویری پیش روی مسوولان قرار داده شده و فرض بر این باشد که با تحریم نمی‌توان کاری کرد، سیاست‌گذار به فکر چاره‌اندیشی برای نقدینگی می‌افتد و توجه‌شان به این موضوع می‌رود، اما مساله اصلی این است که وقتی نقدینگی ایجاد شد، دیگر نمی‌توان کار چندانی درباره آن کرد و بیشتر باید مراقب ایجاد نقدینگی‌های بعدی بود.

ابزار دولت برای کنترل نقدینگی چیست؟ اقتصاد سیاسی ما در بودجه دولت و نظام بانکی خلاصه می‌شود. حتی بودجه هم از طریق تأمین مالی از بانک مرکزی عمل می‌کند و در نظام بانکی منعکس می‌شود. حجم نقدینگی با منشأ پایه پولی در اقتصاد ایران بالاست. اما بانک مرکزی تنها کارگزار این مساله است و نه تصمیم‌گیر آن. اقتصاد به شدت درگیر سلطه مالی است و نقش بانک مرکزی در کشور با چیزی که باید باشد، فاصله بسیاری دارد. در شرایط کنونی دولت و بانک مرکزی ابزارهای چندانی برای کنترل تورم ناشی از نقدینگی از پیش ایجاد شده ندارند. آنچه مسلم است، این که در صورت تعلل و انفعال سیاست‌گذاران در مقابل شرایط جدید کشور با اصرار آن‌ها به تداوم سیاست‌های نادرست گذشته، با سرعتی باورنکردنی به بن‌بست خواهیم رسید و حتی امکان انجام همین جراحی‌های عمیق برای بازگرداندن تعادل نسبی به اقتصاد نیز از دسترس خارج خواهد شد. بدون شک هر جراحی عمیقی به بازتوزیع منافع در سطح جامعه خواهد انجامید و در نتیجه موافقان و مخالفان متعددی خواهد داشت. در این شرایط سیاست‌گذاران باید بین تحمل هزینه‌های سیاسی در کوتاه‌مدت یا غلتیدن به مسیر اقتصادی مانند ونزوئلا دست به انتخاب بزنند. بدیهی است که اگر دولتمردان صادقانه با مردم صحبت کنند و به صورت شفاف شرایط را برای مردم توضیح دهند و از تکرار اشتباه‌های گذشته بپرهیزند، بسیاری از هزینه‌های سیاسی و اقتصادی کاهش خواهند یافت.

رییس هیات مؤسس کانون صرافان تشریح کرد

آیا ارزان‌فروشی ارز صحیح است؟

رییس هیات مؤسس کانون صرافان گفت: وظیفه ذاتی بانک‌های مرکزی متعادل نگه داشتن و واقعی نگه داشتن نرخ‌ها و جلوگیری از نوسانات است، نه پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ‌ها که این کار در درازمدت و حتی میان‌مدت نه عملی است و نه حتی به مصلحت.

اصغر سمیعی‌زفرقندی درباره این موضوع که آیا ارزان‌فروشی ارز صحیح است؟ اظهار داشت: وقتی بخواهند موشکی را به هوا بفرستند، مقادیری انرژی در آن ذخیره و فشرده می‌کنند. آنگاه در لحظه‌ای که صلاح بدانند، با ایجاد یک جرقه موشک را به هوا پرتاب می‌کنند.

وی افزود: متاسفانه در مورد نرخ ارز هم در کشور ما اغلب همین گونه عمل می‌شده است، یعنی وقتی در دوره‌هایی به ناگهان جهش‌های دو تا سه برابری نرخ ارز را شاهد هستیم، اگر به سابقه نگاه کنیم، مشاهده می‌کنیم که نرخ برای مدتی تقریباً ثابت نگاه داشته شده و فنر قیمت‌ها فشرده شده و انرژی حاصل از تفاوت نرخ تورم داخلی و خارجی تخلیه نشده و نرخ ارز تعدیل نشده و در اثر تراکم انرژی و جمع شدن فنر با یک جرقه که گاهی از داخل و گاهی هم از خارج از کشور زده می‌شود، به ناگهان بازارهای کشور به تلاطم می‌افتد و با دو یا سه برابر شدن قیمت‌ها روبرو می‌شویم.

رییس هیات مؤسس کانون صرافان تصریح کرد: ممکن است این سیاست از جانب دوستان انجام شده باشد و حتی با هدف خیرخواهانه و البته گاهی هم دشمنان در این جهت همراهی کرده‌اند و البته با هدفی خرابکارانه و توطئه‌گرانه، ولی به هرحال نتیجه کار یکی است و آن هم جمع شدن فنر و ذخیره شدن انرژی که منتظر جرقه‌ای است که باعث رها شدن موشک و اصطلاحاً در رفتن فنر می‌شود.

سمیعی عنوان کرد: اگر یک جستجو در صفحات مجازی باعنوان «صرافان اربعه» داشته باشید، متوجه می‌شوید حقیر سال‌ها پیش راجع به این مطلب هشدار داده بودم و البته بارها و بارها و هم‌اکنون هم عرض می‌کنم هر یک دلاری که پایین‌تر از نرخ واقعی به هر بهانه و عنوان فروخته شود، یعنی جمع شدن فنر، چه به سازندگان لوازم یدکی اتومبیل، یا حتی به مصارف عمومی‌تر یا با نرخ‌های تحت عنوان ثانویه و غیره و یا با تزریق‌های موردی سعی در نگه داشتن نرخ‌ها شود. این‌ها باعث می‌شود که فنر فشرده‌تر شده و بعد به بهانه‌هایی نظیر شروع تحریم‌ها و غیره جرقه زده شود/

پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی در نیمه دوم سال

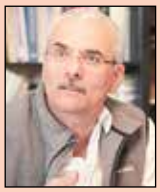

مرتضی ایمانی‌راد*

همان‌طور که تا کنون بیان شده است، ایران قرار نیست در مذاکرات تحریمی شرکت کند و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تحریم‌ها از ماه نوامبر در ایران شروع خواهد شد. ایران هم ممکن است بدش نیاید که وقت‌کشی کند تا تحولات آتی مساله تحریم‌ها را ضعیف کند. ولی چهار رویداد که در آینده رخ خواهند داد، می‌تواند تحریم‌ها را به نوعی برگرداند. با توجه به اینکه این رویدادها دارای احتمال تحقق کمی هستند، بنابراین می‌توان به نتیجه رسید که تحریم‌ها از ماه نوامبر آغاز می‌شوند و چون اثر اعمال تحریم‌ها یک‌باره نیست، به تدریج که به پایان سال نزدیک می‌شویم، فشار تحریم‌ها هم بر بازار ارز و هم بر متغیرهای

وی متذکر شـد: همواره گفتـه‌ام وظیفه ذاتی بانک‌های مرکزی متعادل نگه داشتن و واقعی نگه داشتن نرخ‌ها و جلوگیری از نوسانات و تلاطمات اسـت، نه پایین نگه داشـتن مصنوعی که این کار در دراز مدت و حتی میان مدت عملی نیست.

رییس هیات مؤسـس کانون صرافان ادامه داد: شـما مشاهده کنید ظرف یک ماه گذشـته قیمت‌ها هم ۹۵۰۰ و هم ۱۱۵۰۰ را دیده‌اند و با هر دو قیمت معاملاتی انجام شـده، هر کدام این قیمت‌ها اگر واقعی بوده و یا بـه قیمـت واقعی نزدیک بوده، پس چرا اجازه داده شـده قیمت دیگر در بازار مطرح شود؟

سـمیعی گفت: این‌جاست که مشخص می‌شود نهاد قدرتمند پولی کشور وظیفـه اصلـی خود را که حفـظ تعادل و ثبات در قیمت‌ها و جلوگیری از نوسـانات و تلاطمات اسـت را به درستی به انجام نرسانده است. در حالی که اگر قیمت ارز مثلاً ۹۰۰۰ تومان اسـت، چرا باید اجازه داده شـود به مرز ۱۲۰۰۰ برسـد و اگر به ۱۲۰۰۰ رسـید و آن قیمت نزدیک به واقعیت اسـت، چرا باید گذاشـت بعد از این که با این افزایش ضربه اقتصادی و سیاسـی و فرهنگی‌اش را به جامعه زد، باز دو باره عقب‌نشـینی کرده و با حرکت ریزشـی ضربه‌ای دیگر بزند و با کسـب انرژی جدید بتواند آماده بالا رفتن مجدد و حمله‌ای دیگر شـود؟

وی خاطرنشـان کـرد: بار دیگر عرض می کنـم وظیفه ذاتی بانک‌های مرکزی متعادل نگه داشـتن و واقعی نگه داشـتن نرخ‌ها و جلوگیری از نوسـانات اسـت نه پایین نگه داشتن مصنوعی نرخ‌ها که این کار در دراز مدت و حتی میان مدت نه عملی اسـت و نه حتی به مصلحت.

حسـاس اقتصادی بیشـتر می‌شـود. بنابراین پیش‌بینی متغیرهای اقتصادی در شـش ماهه دوم سـال باید در این چارچوب مورد توجه قرار گیرد.

این رویدادها به شـرح زیر هستند:

اول، ترامپ استیضاح شود که تا حتی یک یا دو درصـد هم احتمـال ندارد. تا کنون هیچ رییس جمهوری در آمریکا اسـتیضاح نشـده است که منجر به برکناری او شـده باشـد. استیضاح در آمریکا دارای مراحل بسـیار پیچیده‌ای اسـت، بنابراین نمی‌توان به این رویداد دل بسـت.

دوم، در انتخابات نوامبر اکثریت مجلس دسـت دمکرات‌هـا بیفتـد، که این هـم احتمال کمی دارد. مهم مجلس سـنا است که صاحب‌نظران سیاسی احتمال کمی می‌دهند که سنا در اختیار دمکرات‌ها قرار گیرد.

سـوم، با یک لابی قوی، مخالفان سیاست‌های ترامپ به طور هماهنگ از ایران دفاع کنند، که به نظر احتمالش پایین است. هر یک از کشورهای مورد بحث دارای منافع کاملاً عمده و مشخصی بـا آمریکا دارند و در تعاملات بین‌المللی دنبال حل مسـاله ایران نیستند، بلکه منافع خودشان در ارجحیت است.

و چهارم، به انتخابات بعدی ریاسـت‌جمهوری کشیده شود و ترامپ نتواند انتخاب شود که اگر احتمال بالایی داشـته باشد، خیلی دیر است. از آن گذشته بخش مالی و پولی آمریکا، بازارهای سهام، اوراق قرضه و کالاها و در مجموع بخش کسـب‌وکار در آمریـکا حمایت جدی از ترامپ دارد. توجه داشـته باشـیم که چند ماه است که شـاخص بورس آمریکا مرتب رکورد تاریخی را می‌شـکند و طول دوره رونق بازارهای بورس در ایـن بار (یعنی بعد از سـال ۲۰۰۸ میلادی) تبدیـل بـه طولانی‌ترین دوران رونق در تاریخ آمریکا شده است.»

***اقتصاددان و تحلیلگر مسائل بین‌الملل**

مونا مشهدی رجبی

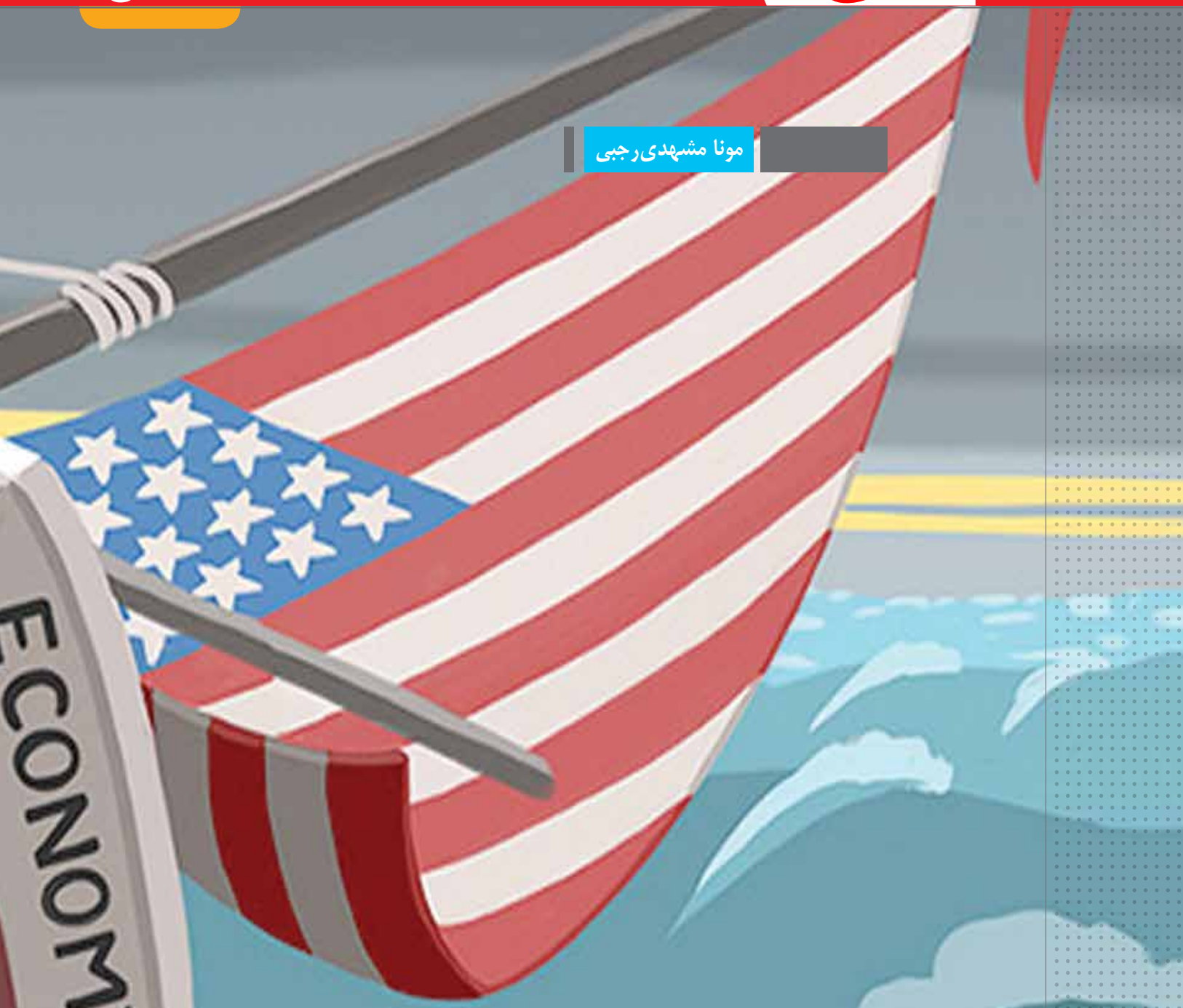

تحریم ایران، اقتصاد آمریکا را متشنج می‌کند

ترامپ روی لبه تیغ

برایـان هـوک رییس گـروه جدید اقدام ایران اعـلام کرد نه تنها اقتصاد ایران تحریم خواهد شد بلکه امریکا هر کشوری که با ایران همکاری اقتصادی داشـته باشـد یا بعد از روز ۴ نوامبر سـال ۲۰۱۸ میـلادی از ایران نفت خریـداری کند، را نیز تحریم خواهد کرد. اما نگرانی اصلی اینجاسـت در شـرایطی که امریکا جنگی تجاری را با اروپا و چین اغاز کرده اسـت، این سیاسـتهای خصمانه علیه ایران و تمامی شـرکای تجاری و خریداران نفتش اوضاع دنیا را سـخت‌تر می‌کند و این موضوع نگران کننده اسـت.

چین، روسـیه، ایران، ترکیه و شـمار دیگری از کشـورهای دنیا به بهانه‌های مختلف با تحریم‌های اقتصادی امریکا روبرو شـده‌اند و برخی از این کشورها به فکر ایجاد ساز و کار تازه‌ای برای رهایی از زیر بار فشار تحریم‌ها هستند. ایجاد نظام مبادله با واحد پولی به غیر از دلار، عدم تبعیت شـماری از کشـورها از سیاسـت منع خرید نفت از ایران از جمله تلاشـهای جامعه جهانی برای مقابله با سیاسـتهای ترامپ است.

در شـرایطی که کشـورهای ژاپن و کره جنوبی از خرید نفت ایران سرباز زده‌اند، چین اعلام کرد خرید نفت از ایران را افزایش می‌دهد. چیـن در نظـر دارد واردات نفـت از امریکا را متوقف کند و به جایان اقدام به خرید نفت از ایران بکند. سیاسـتی که هم برای ایران و هم برای چین مطلوب است.

تحریم امریکا علیه ایران

چین اعلام کرده است آلان جی مورد نیاز خود را نیز از کشور روسیه خریداری می‌کند و در صورت اجرایی شـدن این طرح، امریکا یکی از اصلی‌تریـن و بزرگتریـن خریداران نفت خود را از دسـت خواهد داد. چیـن دومین خریدار بـزرگ نفت و فراورده‌های نفتی از امریکا اسـت. در ماه می سـال جاری چین ۴۲۷ هزار بشـکه نفت از امریکا وارد کرد که حتی از میزان واردات نفت کانادا از امریکا هم بیشـتر بود. در این ماه کانادا ۲۸۹ هزار بشکه نفت از امریکا وارد کرده بود. بنابراین عدم خرید نفت توسـط چین از کشـور امریکا آسیب زیادی به صنعت نفت این کشور وارد می‌کند و می‌تواند از میزان درامد این کشـور بکاهد. گرگوری برو یکی از تحلیل گران بازار انرژی در این زمینه می‌گوید: در نگاه اول چین باید بین خرید فراورده‌های انرژی از ایران یا امریکا یکی را انتخاب کند ولی در واقع این انتخابی بسیار استراتژیک است. چین در تلاش است تا با نزدیک کردن رابطه خود شـریکی اسـتراتژیک برای خود در مقابل امریکا ایجاد کند. موقعیت ژیوپولتیکش را تقویت کند و قدرت اقتصادی و قدرت عکس العملش را در مقابل سیاسـتهای اقتصادی نادرسـت رییس جمهوری امریکا افزایش دهد و ایران کشـوری اسـت که می‌تواند از این فرصت به بهترین شـکل استفاده کند. در واقع می‌توان گفت منافع ژیوپولتیک این انتخاب بسـیار بیشـتر از منافع اقتصادی آن است و چین و ایران به مساله مهم واقف هستند.

به هر حال به نظر می‌رسـد سیاسـت‌های امریکا در قبال ایران و بازگرداندن تحریمها، سیاسـت افزایش نرخ مالیات بر واردات فلزات از چین و محدودیت فعالیت برخی از شرکتهای چینی در امریکا باعث شده است تا اوضاع اقتصادی و سیاسی در داخل امریکا هم بحرانی شود و حتی زمینه برای افول صنعت نفت این کشور و کاهش درامد نفتی‌اش فراهم شـود که تشـنج در فضای سیاسی و اقتصادی کشور را در پی خواهد داشـت. آگاهی سـناتورهای امریکایی و مقامات این کشور از همین مساله است که باعث شده است تا موضوع استیضاح ترامپ هم مطرح شود.

زهرا علی‌اکبری

گفت و گوی تفصیلی با رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران:

تهران فقیر ندارد!

نعمت‌الله ترکی، رییس سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان تهران می‌گوید ۱۷ درصد از جمعیت ایران در تهران زندگی می‌کنند. این پرجمعیت‌ترین شهر ایران، بزرگ‌ترین اقتصاد کشور را در خود جای داده است. او حرف‌های شنیدنی در خصوص طرح انتقال پایتخت داشت و معتقد بود طبق قانون این اتفاق قطعاً و حتماً رخ خواهد داد.

مصاحبه درباره تهران و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی آن جذابیت‌های بالایی دارد. شهر چند پاره‌ای که سیمای شمال، مرکز و جنوبش تفاوت‌های فراوانی در خود دارد. بیراه نیست اگر آن را عصاره ایران بخوانیم.

مشروح مصاحبه با نعمت‌الله ترکی، در پی می‌آید:

به نظر می‌رسد تهران بیش از آنکه نماد تمرکز جمعیت ایران باشد، نماد تمرکز فعالیت‌های اقتصادی تلقی می‌شود، چند درصد از اقتصاد ایران در پایتخت متمرکز شده است؟

اتفاقاً برای پاسخ به این سئوال باید به موضوع جمعیت هم اشاره کنم. بررسی‌ها نشان می‌دهد ۱۷ درصد از جمعیت ایران در استان تهران زندگی می‌کنند. طبیعتاً به فراخور این جمعیت، سهم این استان در فعالیت‌های صنعتی، تجاری، کشاورزی و خدماتی نیز بالا می‌رود. از همین جمعیت ۱۷ درصدی کشور که در این استان متمرکز شده است می‌توان استنباط کرد اقتصاد چه وضعیتی دارد.

بررسی‌ها نشان می‌دهد ۲۳ درصد از تولید ناخالص ملی به استان تهران تعلق دارد. این یعنی سهم عمده فعالیت‌های اقتصادی در این استان متمرکز است. ۱۳,۹ دهم درصد از تولید ناخالص بخش صنعت کشور مربوط به استان تهران است. در بخش خدمات این سهم به حدود ۳۵ درصد می‌رسد اما در بخش کشاورزی این سهم پایین‌تر است چرا که سهم زمین‌های کشاورزی در استان تهران به نفع دیگر بخش‌ها کاهش یافته است.

■ **همین وضعیت سهم بخش کشاورزی چقدر است؟**

حدود ۴,۳ دهم درصد از سهم کشاورزی کشور به این استان اختصاص دارد. به هر حال سطح دسترسی به دستگاه‌ها و امکانات در تهران بالاتر از سایر استان‌هاست. باید به این نکته اشاره کنم که فعالیت‌ها در استان تهران ملی است نه استانی. این نشان می‌دهد که اهمیت تهران در مناسبات اقتصادی و سیاسی چیست.

■ **به سهم درآمدی تهران از درآمد کل کشور اشاره کردید، بفرمایید حجم درآمدی که در استان تهران حاصل می‌شود، چقدر است؛ به عبارت دیگر تهرانی‌ها چقدر مالیات پرداخت می‌کنند؟**

نزدیک به ۵۳ هزار میلیارد تومان از درآمد مالیاتی کشور از تهران تأمین می‌شود. فکر می‌کنم کل درآمد مالیاتی کشور در حدود ۱۰۵ تا ۱۰۶ هزار میلیارد تومان است که استان تهران به تنهایی ۵۳ هزار میلیارد تومان از این درآمد از استان تهران حاصل می‌شود.

■ **با توجه به این رقم چند درصد از گردش مالی ایران در تهران رخ می‌دهد؟**

حدود ۵۵ درصد گردش مالی کشور در استان تهران اتفاق می‌افتد. همین نکته نشان می‌دهد چه ظرفیت بالایی در بخش تسهیلات و مباحث اقتصادی و ... در تهران وجود دارد.

■ **البته این مساله خود یک نقطه ضعف هم تلقی می‌شود.**

بله وقتی بحث توسعه کشور را در نظر بگیرید به همین نقطه می‌رسید که این یک آسیب است اما نکته مثبتی که عرض کردم از این بابت است که درآمد استان تهران به همین استان بر نمی‌گردد بلکه در کل کشور توزیع می‌شود. از این درآمد ۲ درصد به استان تهران برمی‌گردد و باقی در سراسر کشور توزیع می‌شود. در کل اگر همه جوانب را در نظر بگیریم می‌بینیم نفع تهران به همه ایران می‌رسد و شاید خودش کمترین مواهب را داراست.

■ **با توجه به گردش بالای اقتصادی تهران چند نفر در تهران فعالیت شغلی دارند؟**

استان تهران ۱۳ میلیون و ۴۶۱ هزار نفر جمعیت دارد، از این تعداد بیش از ۴ میلون نفر در حال فعالیت اقتصادی هستند و شغل دارند. نرخ بیکاری در این استان طبق آخرین برآورد ۱۱ درصد است.

■ **دولت چه تعداد کارمند در تهران دارد؟**

حدود ۴۹۳ هزار و ۵۶۸ نفر از خانواده بزرگ کارکنان دولت در استان تهران مستقر هستند.

■ **طبیعی است موقعیت ویژه اقتصاد ایران، این شهر را کانون توجه سرمایه گذاران قرار دهد، در این مورد توضیح دهید.**

بله. سال ۱۳۹۶ سال خوبی از منظر سرمایه گذاری خارجی بود. فکر می‌کنم تا سقف ۱۰ میلیارد دلار تقاضای سرمایه گذاری داشتیم. امسال احتمالاً این رقم افزایشی ۱۵ درصدی را تجربه خواهد کرد. البته امسال سومین نمایشگاه توانمندی‌های صادراتی جمهوری اسلامی ایران (iran expo ۲۰۱۸) با حضور ۱۰۵ کشور در تاریخ ۲۸ مهر ماه تا ۱ آبان در محل مرکز نمایشگاه‌های بین المللی شهر آفتاب برگزار خواهد شد.

■ **تهران یکی از مهاجرپذیرترین استان‌های ایران است، بی تردید یکی از دلایل مهم مهاجرت به تهران نبود فرصت‌های شغلی در دیگر استان‌هاست و از سوی دیگر بالا بودن میزان درآمد در تهران نسبت به سایر استان‌ها. بفرمایید درآمد سرانه تهرانی‌ها چقدر است؟**

درآمد سرانه خانوار شهری در تهران کمی بیش از ۳,۵ میلیون تومان است و همان طور که گفتید این میزان درآمد بالاتر از دیگر نقاط کشور است.

■ **متوسط درآمد سرانه کشور طبق آخرین آمار چقدر است؟**

حدود دو میلیون تومان در ماه برای هر خانوار. می‌بینید درآمد خانوار تهرانی ۱,۵ میلیون تومان بالاتر از متوسط کشوری است و همین امر خود انگیزه‌ای را برای مهاجرت ایجاد می‌کند. بخش عمده‌ای از مهاجران نیز جذب بخش‌های خدماتی می‌شوند چون همان طور که گفتم این بخش اقتصاد بزرگ‌تر از سایر بخش‌هاست.

■ **این بالا بودن درآمد، در بالا بودن هزینه‌های خانوار نیز صدق می‌کند، هزینه زندگی تهرانی‌ها چقدر بالاتر از دیگر استان‌هاست؟**

برای درک بهتر باید اشاره کنم که درآمد دو میلیون تومانی خانوار در برخی استان‌ها بین ۳۰ تا ۳۵ درصد امکان پس انداز دارد اما درآمد سرانه ۳,۵ میلیون تومانی خانوار اصلاً جایی برای پس انداز ندارد چون هزینه زندگی، بسیار بالاست و گرانی مسکن فشار زیادی به خانوار وارد می‌کند. به طور دقیق هزینه زندگی در تهران بین ۴۰ تا ۴۵ درصد بالاتر از متوسط کشوری است.

■ **با توجه به وضعیت اقتصادی و اجتماعی تهران و تمرکز بالایی که در این حوزه وجود دارد، انتقال پایتخت امکان پذیر است؟**

قطعاً و حتماً. البته موضوع انتقال پایتخت از دو منظر قابل بررسی است. اول اینکه انتقال پایتخت باید قطعاً اتفاق بیفتد. قوه مقننه این موضوع را مصوب کرده و کارگروه تخصصی در این حوزه نیز شکل گرفته است. پس ما بحثی در حوزه انتقال پایتخت نداریم. باید تعریف کنیم که اولویت‌ها در این حوزه چیست. اولویت‌ها هم باید از دل بررسی‌ها و مطالعات استخراج شود. ممکن است مطالعات روشن کند که در حوزه انتقال پایتخت؛ اولویت با انتقال پایتخت اداری است یا سیاسی. حالا نکته‌ای که در اینجا مطرح می‌شود این است که مشکلات تهران باید رفع شود. فرض بگیرید اولویت‌های ما در این حوزه مشخص شود و تصمیمات نهایی گرفته شود؛ حالا می‌رسیم به انتقال جمعیت. طبیعی است حتی اگر پایتخت از تهران منتقل شود، جمعیت تهران در خود شهر باقی می‌ماند. بحران تهران از جمعیت بالای آن ناشی می‌شود. بحث تمرکز زدایی نیز با بحث انتقال پایتخت متفاوت است. استان تهران گنجایش استقرار ۱۰ درصدی جمعیت کشور را دارد این در حالی است که همان طور که گفتم ۱۷ درصد جمعیت کشور در تهران زندگی می‌کنند. برای حل مشکلات تهران برنامه‌های متعددی تعریف شده است. ما اولویت بندی کردیم که مساله اصلی ما چیست؟ بی تردید مساله اصلی در تهران تأمین آب است، در برنامه ششم پیش بینی‌هایی در خصوص حل بحران زیست محیطی، آلاینده‌ها، ترافیک، آلودگی هوا و ... داریم.

منظور من این اســت که تلقی این نباشــد که مشکل تهران تنها با انتقال پایتخت سیاسی حل می‌شود بلکه مساله این است که باید مشکل تهران را جدای از موضوع انتقال پایتخت مورد بررســی قرار داد.

■ **شــما قاطعانه درباره انتقال پایتخت صحبت کردید، بفرمایید با توجــه به این قاطعیت، مطالعات در چه مرحله‌ای اســت؟ اولویت‌ها مشخص شده است؟**

هنوز نتیجه قطعی حاصل نشــده است.

■ **از چه زمانی مطالعات آغاز شد؟**

از سال ۱۳۹۰

■ **دســتاوردهای این مطالعه هفت ساله چه بود؟**

به نتایج خوبی رسیدیم.

■ **امــکان دارد توضیحاتی درباره این نتایج خوب ارائه کنید؟**

بودجه‌ریزی عملیاتی از امسال اجرایی شده است، اتفاقاً این بودجه ریزی عملیاتی پیش نیاز همان انتقال پایتخت است. به هر حال در قالب بودجه ریزی عملیاتی ۸۸۰ خدمت دولتی احصا شــده اســت. حالا باید بررســی کنیم ببینیم کدام استان این امکان را دارد که بتواند این ۸۸۰ خدمت را ارائه کند. ما قبل از این آماری در این خصوص نداشــتیم.

■ **با این وصف هنوز مطالعات اســتان‌هایی که امکان پایتخت شدن را دارا هستند، مشخص نکرده است؟**

خیر هیچ گزینه‌ای پیش روی ما نیســت و باید در ســنجش کاملی انجام دهیم تا معلوم شــود کدام اســتان‌ها قابلیت ارائه این خدمات را دارند.

■ **فکر می کنید این طرح چه زمانی به نتیجه برســد؟**

این یک برنامه کوتاه مدت نیســت. اکثر کشــورهایی که بحث انتقال پایتخت را داشــتند در یک پروســه بیســت تا سی ســاله این عملیات را انجام دادند.

■ **بــا این وصف فعلاً در یک دهه آینده می توانیم اطمینان داشــته باشیم تهران پایتخت می‌ماند.**

فعلاً بله.

■ **با توضیحاتی که ارائه کردید، انتقال چندان اجرایی نیست، به این ترتیب بفرمایید برای حل مشکلات تهران چه تدابیری اندیشیده‌اید؟ طبیعتــاً این برنامه نمی تواند معطــل بماند چرا که در برخی حوزه‌ها ماننــد آلودگی هوا و... بحران‌های جدی وجود دارد.**

اول یک توضیح بدهم. تهران را به عنوان پایتخت نباید با دیگر شهرهای کشور مقایسه کرد. باید تهران را با پایتخت‌های دیگر جهان مورد قیاس قرار دهیم. باید ببینیم مدیریت پایتخت با چه کسانی است؟ با استانداران؟ شهرداران؟ و ... حریم پایتخت چگونه تعیین می‌شود و اداره‌اش به کدام دستگاه است؟

■ **حالا با توجه به تجربه جهانی مدیریت با چه دستگاهی باید باشد؟**

در این مورد به ســادگی نمی‌توان حرف زد. باید فکر کرد.

■ **تعداد مهاجران به تهران در سال‌های اخیر رو به افزایش است؟**

متاسفانه بله. بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ جمعیت تهران یک میلیون و ۸۳ هزار نفر افزایش یافته که تقریباً بخش عمده از

آن را مهاجران تشــکیل می‌دهند. وقتی بررســی کنید می‌بینید نرخ رشد جمعیت در برخی نقاط اســتان کاهشــی اســت، این نکته پیام دارد، پیام ایــن اســت که تهرانی‌ها میلی به فرزنــدآوری ندارند و افزایش جمعیت ناشی از مهاجرت است.

■ **با همین وضعیت اســتان تهران چه تعــداد فقیر را در خود جای داده است؟**

تهران فقیر ندارد.

■ **واقعاً؟ اما آدرس نقاطی که فقیر نشــین هســتند را می‌توانم در اختیارتان قرار دهم.**

منظور من این اســت که ما تهرانی فقیر نداریم. در تهران فقرا زندگی می‌کننــد اما غالباً ایــن افراد مهاجرند، با هدف زندگی بهتر راهی تهران شده‌اند اما نتوانسته‌اند یا نشده است زندگی بهتری برای خودشان دست و پا کنند. این نکته را با دقت از قول من طرح کنید. من هم می دانم در تهران فقیر هست اما اغلب این افراد متاسفانه مهاجرند. اگر قرار به ذکر نقاط فقیر نشــین باشد، می‌شــود به شهرهای پیرامونی که بافت حاشیه نشینی دارند، اشاره کرد.

■ **با لحاظ این نکته که شهر تهران نیز فقرای زیادی را در خود جای داده اســت، بفرمایید تهران چه تعداد حاشیه نشین دارد؟**

متاســفانه حدود ۲٫۵ میلیون حاشــیه نشین در تهران حضور دارند.

مهرنوش حیدری

لطفعلی بخشی، اقتصاددان مطرح کرد:

نابسامانی در کل سیستم تخصیص ارز و فروش

بالا رفتن لحظه‌ای قیمت سکه و ارز سبب شده تا بسیاری از فعالان اقتصادی از فعالیت دست نگه دارند، زیرا نمی‌توانند برنامه‌ریزی مناسبی برای آینده بازار تولید و حتی فروش داشته باشند. شاید حتی این بلاتکلیفی در میان بسیاری از اقشار جامعه اعم از تولیدکننده، واردکننده، صادرکننده و مصرف‌کننده وجود دارد و تنها با اعمال سیاست‌های اقتصادی مناسب می‌توان ثبات و اطمینان خاطر را به بازار بازگرداند. با این وجود، همه این روزها به نتیجه بسته جدید ارزی دولت چشم دوخته‌اند. یک اقتصاددان درباره تأثیر بسته ارزی جدید دولت در بازار به خبرگزاری خبرآنلاین می‌گوید: «تا چند روز این بسته مؤثر بود و حتی ۲، ۳ روز توانست التهاب بازار را کاهش دهد، اما پس از آن همان روند نامتناسب دوباره شروع شد.» لطفعلی بخشی می‌افزاید: «با توجه به این وضعیت، به نظر می‌رسد باید کارهای اساسی‌تری انجام شود، زیرا اکنون وضعیت بازار بسیار پیچیده شده است و با روش‌های در پیش گرفته شده، متاسفانه شاهد همکاری با دولت نبوده‌ایم. همچنین بحث‌هایی مانند رانت و... وجود دارد و همچنان قیمت دستوری شرایطی را به‌وجود آورده تا اوضاع پیچیده شود که نشان‌دهنده نابسامانی در کل سیستم تخصیص ارز و در مرحله بعد، فروش آن است.» وی عنوان می‌کند: «نمی‌شود فقط به بازار ثانویه نگاه کرد، بلکه باید به کل سیستم ارزی کشور نگریست و راه‌حلی برای آن در نظر گرفت.»

این اقتصاددان بیان می‌کند: «بازار ثانویه و نظیر آن، زیرمجموعه‌ای از آن سیستم هستند، اما اکنون کل سیستم تخصیص ارز دچار گرفتاری و نابسامانی است و طبیعتاً در زیرمجموعه بازار ثانویه نیز این گرفتاری وجود دارد؛ به اضافه این که کسانی اسکناس نیاز دارند حتی در حد بسیار کم. این مورد نیز شفاف نیست که در مجموع همه این موارد را باید با هم در نظر گرفت و سنجید.»

رفتارشناسی عکس‌العمل ارزی مردم ایران و ترکیه

بخشی درباره مقایسه فراخوان مسوولان ایران و ترکیه برای فروش طلا و ارز در بازار با هدف تقویت ارزش پول ملی تاکید می‌کند: «حقیقت این جاست که اگر مردم ترکیه عکس‌العمل نشان می‌دهند، در واقع به عملکرد دولت واکنش نشان داده‌اند و اگر مردم ایران عکس‌العمل نامناسب در قبال چنین پیشنهادی نشان می‌دهند، به کلیت عملکرد دولت بازمی‌گردد. وقتی مردم به هر اداره دولتی مراجعه می‌کنند، فساد را می‌بینند و شاهد نابسامانی هستند و بلاتکلیفی را می‌بینند. در چنین وضعیتی کمک به دولت اوضاع را بدتر می‌کند.»

وی توضیح می‌دهد: «به عبارت دیگر، سرمایه اجتماعی ما به شدت آسیب دیده و به این دلیل وقتی نوبخت پیشنهاد می‌کند مردم پول و ارز خود را به بانک و... بدهند، باعث خنده و شوخی می‌شود. در مقابل دولتمردان باید نگاه کنند چه کاری در حق مردم کرده‌اند و چه توقعی از مردم دارند. به هر حال این شرایط به سیاست‌ها و عملکرد دولت بازمی‌گردد و سبب می‌شود تا مردم آن را قضاوت کنند. مردم قضاوت خوبی از دولت و عملکردش ندارند و به همین دلیل آن‌جایی که باید، با دولت همراهی و همکاری نمی‌کنند.»

دولت رقیب بود، اوضاع اقتصاد بدتر بود

این اقتصاددان در پاسخ به این پرسش که آیا این شرایط اقتصاد، مختص دولت فعلی است و یا ممکن بود شامل دولت رقیب هم شود؟ بیان می‌کند: «فکر می‌کنم دولت رقیب بر سر کار بود، وضع از اکنون بدتر بود.»

بخشی در مورد احتمال خروج سرمایه‌های خرد از کشور می‌گوید: «این وضعیت عکس‌العمل طبیعی است. وقتی احساس می‌کنید قدرت خرید پول و سرمایه شما در حال از دست رفتن است، به فکر این می‌افتید تا کاری کنید و اجازه ندهید ارزش پولتان از بین رود. این در واقع عکس‌العمل بخشی از مردم است و عده‌ای تلاش می‌کنند خود را از این گرداب نجات دهند.»

علیرضا سلطانی*

قطار لجام گسیخته اقتصاد کشور

سیاست‌های جدید ارزی دولت پس از کش‌وقوس‌ها و روندهای پرنوسان و پرحاشیه ارزی، از سوی رئیس کل جدید بانک مرکزی رونمایی شد. سیاست‌هایی که به نظر اکثر صاحب‌نظران می‌توانست زودتر تدوین و اجرایی شده و از هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی التهابات ارزی اخیر بکاهد. رویکرد کلی و البته مثبت این سیاست‌ها، توجه به سازوکار عرضه و تقاضا در بازار ارز، دوری از سیاست‌های هیجانی، واکنشی، ایستا و کنترل خارج از منطق در این بازار و کاهش بسترهای رانتخواری و سفته‌بازی ارزی در شرایط تحریم‌های جدید است. اما نکته‌ای که باید در مورد این سیاست‌ها اشاره کرد این است که نباید از آن انتظار معجزه برای اقتصاد ایران و بهبود شرایط اقتصادی را داشت. این سیاست‌ها به طور طبیعی در شرایط بحران و التهاب اقتصادی ناشی از خروج آمریکا از برجام و اعمال دوباره تحریم‌ها طراحی و به اجرا درآمده است. هدف واقعی این سیاست‌ها ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز و به تبع آن اقتصاد کشور آنهم در یک مقطع زمانی کوتاه است.. بنابراین انتظار کارکرد بلندمدت و حتی میانمدت برای این سیاست‌ها، انتظاری عبث و بیهود است چه اینکه انتظار جبران پیامدها و رنج‌های ایجاد شده ناشی از کاهش شدید ارزش پول ملی و همچنین قدرت خرید مردم نیز، انتظاری غیرواقعی است. این سیاست‌ها قرار نیست قدرت خرید مردم و ارزش پول ملی را برگرداند.

به واقع این سیاست‌ها قرار است از بدتر شدن اوضاع اقتصادی کشور جلوگیری نماید. قطار لجام گسیخته کشور با این سیاست‌ها فعلاً متوقف می‌شود اما مکان این توقف با جایی که عموم مردم از آن پیاده شدند بسیار فاصله دارد. در این شرایط قرار هم نیست این قطار به عقب برگردد بلکه این مردم هستند که باید رنج رسیدن به قطار اقتصادی متوقف ایران را برای مدتی طولانی بکشند و به آن برسند آنهم به شرطی که این قطار دوباره حرکت نکند و فاصله را بیشتر نکند. البته هستند مسافرانی که با استفاده از رانت قدرت و ثروت در قطار سوار هستند و با آن جلو می‌روند و اگر این قطار بخواهد به سمت مردم برگردد از آن جلوگیری می‌کنند.

یکی از ابهامات بزرگ سیاست‌های ارزی جدید، هزینه‌های اجرای این سیاست‌ها از جیب دولت و ملت است. اصولاً هر نوع سیاست و اقدامی در این شرایط غیرطبیعی توام با هزینه است آنهم هزینه‌های سنگین سرسام آور که یکی از نمادهای آن کاهش قدرت اقتصادی و از بین رفتن منابع کشور است. منابعی که می‌بایست صرف توسعه و آبادانی کشور شود و موجبات رفاه نسل‌های کنونی و آینده کشور گردد. از سوی دیگر این سیاست‌ها از ابهامات زیادی رنج می‌برد که مهترین آن توانایی مهار غول بزرگ نقدینگی است که با تهدیدات ترامپ از خواب بیدار شده است. ابهام دیگر سازوکار ارتباطی این سیاست‌ها با قانون بودجه سال جاری و منابع و هزینه‌های ارزی و ریالی کشور است. بی توجهی به سازوکارهای نوین کنترلی و نظارتی بازار ارز به ویژه در مورد صرافی‌ها دیگر ابهام موجود در این زمینه است.

فارغ از این ابهامات، به طور کلی سیاست‌های جدید ارزی با دو چالش بزرگ مواجه است. چالش نخست، کارکرد این سیاست‌ها در فضای کلی اقتصاد ایران است. در واقع در شرایطی که حال کلی اقتصاد ایران خراب است، پیچیدن نسخه برای یک بخش از این اقتصاد و بدون توجه به بخش‌ها دیگر و اثراتی که این نسخه بر دیگر بخش‌ها می‌گذارد، چالش برانگیز است. اگرچه التهاب بازار ارز در مقایسه با دیگر بخش‌ها در روزهای اخیر بیشتر است اما به طور منطقی بی توجهی به دیگر بخش‌های مریض، نمی‌تواند التهاب بازار ارز را به طور کامل فرونشاند. در شرایط کنونی هم فساد اقتصادی و اداری، پاشنه آشیل اقتصاد ایران است که مشخص نیست در این فضا، آیا سیاست‌های ارزی جدید کارایی دارند یا نه؟

اما چالش مهمتر و جدی‌تر که این سیاست‌ها و هر سیاست اقتصادی دیگر را با خطر مواجه ساخته و آن را از اثر می‌اندازد، فضای سیاسی و مناسبات خارجی کشور است. اگرچه اقتصاد ایران به دلیل بی توجهی و سوتدبیر در سال‌های اخیر، به شدت آسیب پذیر و ضعیف است اما عواملی که باعث بروز التهاب و چالش می‌شود، مسائل و عوامل سیاسی است. باید بپذیریم که نبض اقتصاد ایران و به طور خاص بازار ارز، در رگ‌های سیاست می‌زند. حلال اصلی مشکلات ارزی و اقتصادی کشور، بهبود مناسبات سیاسی ایران با دنیاست. تا زمانیکه مشکلات و چالش‌های سیاسی ایران با دنیا حل و فصل نشده و در شرایطی عادی قرار نگیرد، کارکرد این سیاست‌ها ماهیت تسکینی و موقت با هزینه زیاد داشته و هیچ تاثیری در اقتدار و توانمندی اقتصادی کشور نخواهد داشت. در این شرایط اقتصاد روز به روز کوچکتر و در مقایسه با دیگر کشورها ضعیف‌تر و ناتوان‌تر می‌شود. با چنین شرایطی، دیگر برای قدرت‌های جهانی اقدام نظامی توجیهی نخواهد داشت.

با این تفاسیر باید اذعان کرد که سیاست‌های جدید ارزی در یک فضای خلأ سیاسی و اقتصادی اتخاذ شده و و به طور طبیعی در این فضای خلأ هم نمی‌تواند اثربخشی لازم و بلندمدت را داشته باشد.

رضا حمزه‌لو *

آثار سوء مدیریت در اقتصاد کشور

مشـــکل اصلی بازار و شـــرایط اقتصادی کنونی کشـــور ناشـــی از سوءمدیریت در بدنه مدیریت و تصمیم‌گیران در رده‌های مختلف کشور است. اعلان‌های غیرواقعی نـــرخ ارز، بخشـــنامه‌های غیرواقعـــی، بخشـــنامه‌هایی که قابلیت اجرایی شدن ندارد، بخشنامه‌هایی که مانع از صادرات و درآمدهای ارزی شده است به‌مراتب آثار آن بیشتر از تحریم‌هایی است که در آینده نزدیک اجرایی خواهد شـــد. تحریم‌های کشور هنوز شروع نشده و اولین آن در نیمه مرداد اجرایی می‌شـــود، در نتیجه اوضاع آشـــفته کنونی ربطی به تحریم‌ها ندارد.

بازار ارز در چند وقت پیش به تعادل رسیده بود، اما در همان شـــرایط بخشـــنامه‌ای صادر و نرخ ارز به‌وســـیله آن تعیین شـــد. بعدازآن دیگـــر ارزها قاچاق نام گرفت و درنتیجه صادرات با مشـــکل مواجه شـــد و درآمدهای ارزی کشـــور به‌شدت پایین آمد. در ادامه برای ســـامان دادن شرایط سامانه نیما تعریف شد که آن‌هم در عمل و ایده به‌شـــدت ناقص بود. در گام بعدی برای ســـامانه نیما بخشنامه‌هایی صادر شـــد که به‌صورت مکرر تغییر پیدا کرد.

در یک مقطع کوتاه، تخفیف بی‌حســـابی برای یک‌ســـری از کالاها در کشـــور که هیچ لزومی نداشـــت، اختصاص پیدا کرد. با همین تصمیمات اشتباه تقریباً نیمی از نیاز ارزی اقتصاد به علت بخشـــنامه‌های اشـــتباه از کشـــور خارج شد. چندین هزار خودرو در شرایطی که کشور با تحریم‌ها روبه‌رو است و هیچ نیازی به آن‌ها ندارد، ثبت‌نام‌شـــده و باعث خروج ارز از کشور شده، این تصمیمات جز سو مدیریت نامی دیگر ندارد. مشکل بلاتکلیفی و آشفتگی کشور سوء مدیریت است؛ در زمانی که ما

هنوز با تحریم‌های جدید روبه‌رو نشدیم. در بودجه سال جاری قیمت نفت پایین‌تر از قیمـــت فروش فعلی پیش‌بینی‌شـــده. بـــه این معنا کـــه درآمد دولت نســـبت به‌پیش‌بینی‌هـــای بالاتـــر بوده اســـت. دریافتی ارز حاصل از نفت نسبت به برنامه جلوتر است، اما چرا چنین شرایطی پیش می‌آید؟ دولت باعث شده نابسامانی ارزی ایجاد شـــود. مجاری صادرات غیرنفتی کشور که در بازار تعادلی قیمت پیدا کرده بود، با یک‌ســـری بخشنامه‌های نادرست دست‌کاری شده است.

آشفتگی سیستماتیکی در تفکر اقتصادی کشـــور وجود دارد. هر روز یک بخشنامه و سیاســـت جدیـــد از ســـمت دولـــت و بانـــک مرکزی ابلاغ می‌شـــود و به بازار ســـیگنال‌های بد داده می‌شـــود. در بازار مغشـــوش و آشـــفته باید آرامش داشت و عملیـــات انجام داد نه آنکه ابلاغیه صادر کرد. مردم باید در عمل ببینند؛ نه آنکه در بخشـــنامه‌هایی که صادر می‌شود، اعلام شود که خیالتان راحت باشد، اما هیچ‌گونه اجرایی وجود نداشته باشد.

عده زیادی از شرایط فعلی منتفع شده‌اند. مـــردم و فعالان اقتصادی می‌خواهند که این افراد شناسایی و معرفی شوند. دولت زمانی اعلام کرد که ما بدون محدودیت طلا داریم و می‌توانیم به مردم بفروشیم. نتیجه آن چه شد؟ عده‌ای طلا را خریدند و از کشـــور خارج شـــدند. باید پرسید چرا چنین بخشـــنامه‌ای صادر می‌شود. بعد از آن، همان صادرکنندگان بخشنامه اعلام می‌کنند که چرا چنین اقدامی انجام‌شـــده و مالیـــات برای افراد خریدار ســـکه قرار می‌دهنـــد. مگر زمانی که به مردم اعلام شـــد می‌توانند سکه خریداری کنند، گفته شـــده بود که باید مالیات پرداخت کنند؟ نظـــام تصمیم‌گیـــری دولـــت بی‌اندازه آشـــفته و به‌هم‌ریخته است. افرادی که از بخشنامه‌های قانونی صادرشده استفاده کرده‌اند، مفســـد اقتصادی نام گرفته‌اند و در مقابل صادرکنندگان بخشـــنامه‌ها مصلـــح اقتصادی هســـتند؛ در حالی که باید مشـــخص شود مسبب شرایط فعلی همیـــن افراد صادرکننده بخشـــنامه‌ها و اعلان‌ها هستند. در بازار اقتصادی فعلی دیگـــر تجارت مفهومی ندارد و نام واقعی آن قمار شـــده که در شـــریعت اسلام نیز حرام است.

* عضو اتاق بازرگانی

ا-اینانلو

پرونده ویژه «افق تازه» پیرامون وضعیت سـرزمین چاوز

ضربه مهلک نفت بر اقتصاد ونزوئلا

روند رشد تورم در ایران و ونزوئلا تا سال ۹۲ شبیه هم بود، اما در این سال ایران با تغییر مسیر و توافق هسته‌ای توانست روند رو به رشد تورم را کنترل و امسال آن را تک رقمی کند و به حدود ۹ درصد برساند، در حالیکه این رقم در ونزوئلا به نزدیک ۸۰۰ درصد می‌رسد.

تصمیمات سیاسی و اقتصادی دولت‌ها ممکن است دو پیامد داشته باشد یا کشور را از بحران اقتصادی و سیاسی خلاص کند و یا شرایط بحرانی و وخیم بر کشورها حاکم سازد. گاهی پافشاری بر برخی سیاست‌ها شرایط را به گونه‌ای پیش می‌برد که نه تنها کشورها

با چالش‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی مواجه می‌شود، بلکه مردم نیز با مشکلاتی بیشتر از گذشته روبرو خواهند شد که این خود نابسامانی‌های اجتماعی نیز به دنبال دارد.

در این راستا می‌توان شرایط دو کشور ایران و ونزوئلا را با یکدیگر مقایسه کرد. دو کشوری که با فشارهای سیاسی و اقتصادی غرب درعرصه جهانی روبرو هستند. اما تصمیم مسئولان ایرانی و توافق هسته‌ای سبب شده است تا اکنون و بعد از حدود ۴ سال اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور ما کاملاً متفاوت و دور از شرایط ونزوئلا قرار گیرد. برجام و تغییر مسیر ایران موجب شد مشکلاتی را که در زیر آمده و ونزوئلا با آنها دست به گریبان است از ایران دور شود و کشور ما رشد اقتصادی مطلوبی را تجربه کند.

وضعیت اقتصادی ونزوئلا

ونزوئلا به گونه‌ای در شرایط فعلی با بحران اقتصادی و سیاسی دست و پنجه نرم می کند که پیامدهای ناگوار اجتماعی و سیاسی نیز برای این کشور به همراه داشته است. از رکود اقتصادی و نرخ بیکاری بالا گرفته تا کمبود شدید مواد غذایی و دارو، افزایش میزان جرم و در نهایت افزایش شدید نابسامانی‌های اجتماعی.

منتقدان دولت ونزوئلا بر این باورند چالش‌های شدید اقتصادی نتیجه سالها سوء مدیریت در این کشور بوده است. اما در آن سو حامیان رئیس جمهوری فعلی و پیشین ونزوئلا می گویند که کاهش بهای نفت و فساد در میان نخبگان اقتصادی ونزوئلا منجر به ایجاد این مشکلات شده است.

شرایط اقتصادی در دوران ریاست جمهوری چاوز

چاوز رئیس جمهوری فقید ونزوئلا تحت یک چارچوب خاص چندین سال ونزوئلا را اداره کرد. وی پیش از حضور در سمت ریاست جمهوری ونزوئلا قول داده بود که علیه فساد مقامات بایستد و از درآمد گسترده ناشی از فروش نفت برای کاهش فقر و بی عدالتی در این کشور استفاده کند. چاوز در دوران ریاست جمهوری‌اش در میان اقشار فقیر از محبوبیت پایداری برخوردار بود. وی خدمات اجتماعی از جمله یارانه‌های غذا و خانه، امور خدمات درمانی و برنامه‌های آموزشی را گسترش داد. خط فقر در این کشور در سال ۱۹۹۸ تا حدود ۵۰ درصد کاهش یافت. پس از مرگ چاوز، نیکلاس مادورو جانشین وی شد و قول داد که دنبال رو سیاست‌های چاوز باشد.

اقتصاد بر پایه نفت

اقتصاد ونزوئلا به دلیل وابستگی شدید به درآمدهای نفتی به شدت در قبال شوک‌های خارجی آسیب پذیر بوده است. براساس آمارهای اعلام شده از سوی سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، فروش نفت ۹۵ درصد از میزان درآمد ناشی از کل صادرات این کشور و ۲۵ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را شامل می‌شود.

همزمان با اینکه بهای جهانی نفت از ۱۱۱ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۱۴ به ۲۷ دلار در سال ۲۰۱۶ رسید، اقتصاد متزلزل ونزوئلا

با یک سقوط آزاد مواجه شد. در آن سال تولید ناخالص داخلی ونزوئلا ۱۲ درصد کاهش یافت و تورم به مرز ۸۰۰ درصد رسید. در اوایل ۲۰۱۷، ونزوئلا در حالی که فقط ۱۰ میلیارد دلار ذخیره ارزی داشت اما حدود ۱۴۰ میلیارد دلار به خارجی‌ها بدهکار بود که این مسئله نگرانی‌ها را در مورد ورشکستی کامل این کشور افزایش داد. ‹ریکاردو هاسمن› اقتصاددان دانشگاه هاروارد می‌گوید که چاوز از این درآمد نفتی هنگفت در سالهای بین ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با هدف ذخیره کردن برای روزهای مورد نیاز استفاده نکرد و بحران اقتصادی ونزوئلا به دلیل تورم فزاینده، کمبود مواد غذایی و دارو تشدید شده است.

کارشناسان تصریح کرده‌اند که کنترل شدید قیمت‌ها توسط دولت که با هدف حفظ قیمت کالاهای اساسی برای فقرا در این کشور انجام شده یکی از عوامل ایجاد مشکلات اقتصادی بوده است چون با این روش بیشتر تولیدکنندگان در این کشور تولیدات خود را کاهش دادند. این تولیدکنندگان زمانی که می‌دیدند بهای کالاهایشان در یک روندی ثابت مانده نیازی به افزایش تولید نمی‌دیدند. از دید بسیاری از کارشناسان دیگر سیاستی که به ایجاد مشکلات اقتصادی در ونزوئلا کمک کرد، سیاست کنترل ارز بود که ابتدا در سال ۲۰۰۳ توسط چاور برای مهار خروج سرمایه‌ها ارائه شد. با فروش دلار در نرخ‌های متفاوت، دولت کاراکاس در واقع بازار سیاه ایجاد کرد و فرصت‌ها برای ایجاد فساد نیز افزایش یافت.

در سوی دیگر براساس گزارش‌ها، واردات ونزوئلا در سال ۲۰۱۶ به ۱۸ میلیارد دلار کاهش یافت این در حالی است که این آمار در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۶ میلیارد دلار بود یکی از دلایل این روند کاهش واردات این بود که کالاهای ساخت خارج به طور فزاینده‌ای گران بود. بسیاری از مصرف کنندگان با انتخاب میان دو گزینه روبرو بودند. یا باید ساعت‌ها در صف منتظر کالاهای اساسی می‌بودند و یا مبالغ بسیار زیادی را به بازارهای سیاه و قاچاقچیان پرداخت می‌کردند.

ناظران اوضاع ونزوئلا را چیزی شبیه بحران انسانی می‌دانند. در سال ۲۰۱۶ رئیس فدراسیون دارویی ونزوئلا طی برآوردی اعلام کرد که ۸۵ درصد از داروهای اساسی در این کشور یا مهیا نیستند و یا بدست آوردن انها سخت است. بسیاری از بیمارستان‌های این کشور از نبود داروهای اساسی رنج می‌برند. مرگ و میر کودکان در اوایل سال ۲۰۱۶ به ۱۸,۱ درصد از هر یک هزار تولد رسید که این آمار در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۱,۶ درصد بود.

دو برابر شدن مرگ و میر مادران و بازگشت بیماری‌هایی مانند مالاریا و دیفتری

همچنین مرگ و میر مادران دو برابر آمار سال ۲۰۰۸ شد. بیماری‌هایی چون مالاریا و دیفتری که پیشتر در این کشور ریشه کن شده بود بار دیگر شیوع پیدا کرد. فقر نیز در ونزوئلا افزایش پیدا کرده است. در سال ۲۰۱۶ براساس بررسی‌های یک دانشگاه در

این کشور بیش از ۸۷ درصد از مردم اعلام کردند که پول کافی برای خرید مواد غذایی مورد نیازشان را ندارند. بررسی دیگری نشان داد که ۳۰ درصد از کودکان در سن مدرسه با سوء تغذیه مواجه هستند. فقر و فقدان فرصت در ونزوئلا نرخ زیاد خشونت را در این کشور افزایش داد. براساس اعلام ‹دیده بان خشونت در ونزوئلا› یک گروه نظارتی مستقل، این کشور که پیشتر خشونت بالا را تجربه کرده بود و یکی از خشونت آمیزترین کشورهای جهان بود، در سال ۲۰۱۶ با بالاترین میزان قتل در تاریخ این کشور مواجه شد. دولت مادورو ارتش را برای مقابله با جرائم خیابانی مستقر کرد اما گروههای حقوق بشری و رسانه‌های خارجی سوءرفتارهای گسترده را به دنبال استقرار ارتش در خیابان‌ها گزارش دادند. بحران انسانی به سراسر مرزهای ونزوئلا نیز کشیده شد. به طوریکه هزاران شهروند ناامید این کشور به برزیل و کلمبیا رفتند. حدود ۱۵۰ هزار شهروند ونزوئلایی تنها در سال ۲۰۱۶ این کشور را ترک کردند.

براساس آمار اعلام شده شبکه سیان ان، واردات ونزوئلا تا ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته کاهش داشته و این مسئله کمبود شدید مواد ضروری را در این کشور به همراه داشت. براساس بررسی سالیانه ملی سه دانشگاه مهم و دیگر گروههای تحقیقاتی، تورم گسترده برای مردم ونزوئلا یعنی محرومیت از خوردن غذای کافی و افزایش سوء تغذیه در میان شهروندان این کشور.

نویسندگان گزارش چشم انداز اقتصاد جهانی در مورد اقتصاد ونزوئلا نوشتند: ونزوئلا همچنان در یک بحران اقتصادی شدید قرار دارد. نرخ بیکاری در این کشور در سال جاری به فراتر از ۲۵ درصد می‌رسد و سال آینده احتمالاً ۲۸ درصد خواهد شد. این آمار درسال ۲۰۱۵ حدود ۷,۴ درصد بود. اقتصاد این کشور سال گذشته حدود ۱۸ درصد کوچک شد. این سومین سال رکود برای این کشور است. پیش بینی صندوق بین المللی پول درمورد نرخ تورم در ونزوئلا بسیار بد است اما بهتر ازگذشته. انتظار می‌رود نرخ تورم ۷۲۰ درصدی را تجربه کند اما اگر ونزوئلا مسیر فعلی را ادامه دهد براساس اعلام صندوق بین المللی پول تورم در این کشور در سال ۲۰۱۸ به دو هزار درصد خواهد رسید. ونزوئلایی که غرق در نفت بود اکنون با کمبود پول مواجه است. سیستم اقتصادی که در ونزوئلا برای آزاد کردن این کشور از فقر و فساد دولتی اجرا شد، در حال حاضر موجب گرسنگی شهروندانش شده است.

بدترین بحران اقتصادی تاریخ ونزوئلا

ونزوئلا درحال حاضر با بدترین بحران اقتصادی در تاریخ این کشور مواجه بوده و کمترین تولید نفت را در ۲۳ سال اخیر تجربه می کند (فقط ۲,۵ میلیون بشکه در روز). براساس اعلام اوپک، ونزوئلا بیشترین ذخیره نفت خام را در دنیا داشت (بیش از ۳۰۰ میلیارد بشکه). این مسئله باعث شده بود تا گوی سبقت را در این زمینه از عربستان (با ذخیره ۲۶۶ میلیارد بشکه)، ایران (۱۵۸ میلیارد بشکه) و عراق (۱۴۲ میلیارد بشکه) برباید. زمانیکه نفت از بشکه‌ای ۱۱۵ دلار در هر بشکه در سال ۲۰۱۴ به نصف کاهش یافت، تولید ناخالص داخلی این کشور نیز تا ۱۰ درصد کاهش یافت. کارشناسان معتقدند که نفت بدون مهارت و تخصص ارزشی ندارد و سوءمدیریت ها در مورد نفت مشکلات زیادی را برای ونزوئلا به وجود آورده است. بانک‌های خارجی مدتهاست خود را از ونزوئلا دور نگه داشته‌اند. در سال ۲۰۱۴ ونزوئلا حدود ۵۰ میلیارد دلار از چین و حدود پنج میلیارد دلار از روسیه قرض گرفت. البته این در دوران بهای نفت مطلوب ونزوئلا بود.

شهروندان ونزوئلایی‌ها بیش از ۳۰ ساعت در هفته در صف‌های خرید کالا صرف می کنند و اغلب با زمانیکه وارد مغازه‌ها می‌شوند، با قفسه‌های خالی از کالا روبرو هستند. دولت کاراکاس سیاستهای آمریکا را عامل بروز بحران در این کشور معرفی کرده اما مخالفان دولت سوءمدیریت های اقتصادی دولت مادرور را عامل این بحران می‌خوانند. اوضاع بیمارستان‌ها در ونزوئلا نیز گویی شبیه بیمارستان‌های مناطق جنگی است.

پیش بینی شده است که اقتصاد ونزوئلا در سال جاری میلادی تا هشت درصد سقوط کند و این در حالی است که صندوق بین المللی پول پیش بینی کرده نرخ تورم در این کشور سال آینده میلادی چهار رقمی می‌شود. دولت کاراکاس پیشتر بیشتر دارایی‌های شرکت‌های خارجی را در اختیار گرفته است. شرکت جنرال موتورز اعلام کرد که مقرش در ونزوئلا مصادره شده است و این منجر به توقف فعالیتهایش در این کشور شده است. براساس اعلام صندوق بین المللی پول، اقتصاد ونزوئلا در سال گذشته میلادی ۱۸ درصد تنزل کرده و این در حالی است که یونان (بدترین اقتصاد اروپا) در زمان اوج بحران در سال ۲۰۱۱ اقتصادش به میزان ۹,۱ درصد تنزل داشت. طی سال گذشته به دلیل نبود مواد غذایی کافی ۷۴ درصد از مردم ونزوئلا به طور میانگین حدود ۸,۷ کیلوگرم وزن کم کردند. صحبت کردن از شدت بحران موجود در ونزوئلا سخت است. البته در این کشور جنگی رخ نداده است و جنگ داخلی یا خارجی عامل بروز این فاجعه در ونزوئلا نبوده بلکه خود مقامات با سیاستهایشان عامل این بحران جدی بوده‌اند. گستره این بحران تعجب آور است. اقتصاد این کشور هر ساله کوچک و کوچک‌تر می‌شود و ممکن است تورم در این کشور به ۱۶۰۰ درصد برسد.

این کشور به خاطر افزایش بهای نفت با حجم پول زیادی مواجه شد، اما در سال ۲۰۱۴ این وفور نعمت برای ونزوئلا پایان یافت و دولت مادورو را با لیستی از گزینه‌های ناخوشایند مواجه کرد. مقامات ونزوئلا باید فکری در مورد وابستگی زیاد اقتصاد این کشور به نفت می کردند چون این وابستگی به صنایع غیرنفتی این کشور نیز آسیب وارد کرده است. ونزوئلا که در زمان فعالیت چاوز با افزایش تولید ناخالص داخلی مواجه شده بود اکنون با بحران شدید اقتصادی روبرو است. شرایط در ونزوئلا به گونه‌ای شده است که مردم این کشور عملاً ‹اقتصاد بقا› را تجربه می کنند.

الهام میرمحمدی

آنچه بر سر اقتصاد ونزوئلا آمد

وضعیت اقتصادی ونزوئلا در پیچیده‌ترین حالت خود قرار دارد و آمار و ارقام جدید در مورد اقتصاد این کشور هر روز ترسناک‌تر از گذشته است. برخی از برآوردها نشان می‌دهد که نرخ تورم در این کشور به زودی چهار رقمی می‌شود.

به گزارش دویچه‌وله، از زمان استقلال ونزوئلا از استعمار اسپانیا در سال ۱۸۱۰، بحران سیاسی در ونزوئلا وجود داشته اما وضعیت سیاسی هم تعریف چندانی نداشته است.

به رغم گفتمان ضدفسادی که جنبش اجتماعی و فرآیند سیاسی به رهبری هوگو چاوز ایجاد شده بود، مقامات دولتی در دولت مادورو میلیاردها دلار به شکلی غیرقانونی در حساب‌های بانکی خارج از کشور خود ذخیره کرده‌اند.

از سوی دیگر، در حالی که قیمت جهانی نفت روندی افزایشی به خود گرفته، تولید ونزوئلا که بیشترین ذخایر نفتی را در جهان دارد، در سال‌های اخیر به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. بحران اقتصادی در سال‌های اخیر موجب شده که این کشور کمتر از ۴۰ درصد از ظرفیت بالقوه نفت خود را استخراج کند.

بولیوار -پول ملی ونزوئلا- ارزش خود را از دست داده و به دلیل کمبود نقدینگی صف‌های جلوی بانک‌ها طولانی‌تر از همیشه است. افزایش تورم و کمبود نقدینگی صدمات بسیاری را متوجه صنایع و کسب‌وکارها کرده است.

کاهش دستمزدها و کاهش کالاهای وارداتی به خصوص از سال ۲۰۱۷ تاکنون موجب شده مردم به سختی دارو، غذا و کالاهای اساسی خود را تأمین کنند.

در حالی که زندگی برای مردم عادی بسیار دشوار است، در مناطق فقیرتر حدود ۷۰ درصد کودکان سوءتغذیه دارند.

جمعیت ونزوئلا ۳۱ میلیون نفر است و در سال‌های اخیر بیش از سه میلیون نفر به کشورهایی چون برزیل و کلمبیا مهاجرت کرده‌اند.

این در حالی است که دولت ونزوئلا، کاهش قیمت نفت، تحریم‌های سخت ایالات متحده آمریکا و سیستم مالی بین‌المللی را از مهم‌ترین دلایل مشکلات اقتصادی این کشور می‌داند.

اما واقعیت این است که مشکلات اقتصادی ونزوئلا خیلی پیش‌تر از آنکه تحریم‌های آمریکا اعمال شود، آغاز شده بود. علاوه بر این، کشورهای

وابسته به اقتصاد نفتی دیگری هستند که کاهش قیمت جهانی نفت آسیب چندانی به آنها نزده و از کمبود کالاهای اساسی رنج نمی‌برند. تحلیل‌گران دلایل اصلی اقتصاد فاجعه‌بار ونزوئلا را کنترل بیش از حد دولت بر نرخ ارز و کاهش قیمت نفت می‌دانند.

از آنجا که اکثر نهادهای ونزوئلا در کنترل طرفداران مادورو است حتی اگر هنری فالکون برنده انتخابات ریاست‌جمهوری می‌شد، شرایط اقتصادی پیچیده‌تر می‌شد.

با پیروزی مادورودر انتخابات اما انتظار می‌رود تحریم‌های آمریکا علیه این کشور شدیدتر شود و حتی ممکن است آمریکا صادرات نفت ونزوئلا را به طور کل تحریم کند که مشکلات مردم را دوچندان خواهد کرد. یکی از وعده‌های فالکون جایگزینی دلار به جای ارز ملی، با هدف مهار تورم بود. این در حالی است که مادورو بخشی از مردم را با کارت‌های یارانه غذا به پای صندوق‌ها کشاند.

اگرچه نظرسنجی‌های عمومی نشان می‌دهد که بسیاری از مردم این کشور مخالف مادورو هستند اما نیمی از جمعیت ونزوئلا به یارانه‌های غذایی دولت محتاجند.

آیا جایگزینی دلار با ارز ملی راه‌حل مناسبی است؟

مادورو برای حل مشکلات ارزی در این کشور، ارز رمزنگاری‌شده پترو را خلق کرد. اما اقتصاددانان معتقدند، ارزهای دیجیتال و سایر اقدامات انجام‌شده در این زمینه راه‌حل مناسبی برای این مشکل نیستند.

برخی اقتصاددانان بر این باورند که انتخاب دلار به عنوان ارز ملی می‌تواند روند رشد تورم را تا حدی آهسته کند اما پایداری و دوام این روش در کشوری که اقتصاد وابسته به نفت دارد و باید به کالاهای صادراتی تنوع ببخشد، قابل بحث و مذاکره است.این در حالی است که سایر تحلیل‌گران با جایگزینی دلار به جای بولیوار مخالفند و معتقدند، نرخ تبادل ارزها مشکل اساسی ونزوئلا نیست و راه‌حل‌های این چینی تنها موجب می‌شود، مقامات دولتی فاسد دلارهای بیشتری را در حساب‌های بانکی خود ذخیره کنند. از سوی دیگر، گسترش استخراج منابع نفتیِ بیشتر، تنها بدهی‌های دولت را سبک می‌کند و از مشکلات مردم نخواهد کاست.

انتظار می‌رود، بزرگ‌ترین مشکل دولت در حال حاضر سقوط قریب‌الوقوع شرکت دولتی نفت ونزوئلا (PDVSA) باشد.

آمار و ارقام جالب از اقتصاد ونزوئلا

روند صعودی نرخ تورم باعث سقوط آزاد اقتصاد ونزوئلا شده است. این کشور با بحران ناشی از گرانی شدید مواجه است. کمبود برق، مواد غذایی و نبود امکانات پزشکی مردم این کشور را به ستوه آورده است. نرخ تورم ونزوئلا سال گذشته میلادی به ۲۶۰۰ درصد رسید و طبق پیش بینی صندوق بین المللی پول امسال نرخ تورم به ۱۳۰۰۰ درصد خواهد رسید.

در این گزارش نگاهی می اندازیم به وضعیت شهروندان این کشور که برای تهیه اقلام ضروری زندگی نظیر دستمال توالت، شکر و قهوه به کلمبیا فرار می کنند.

مهاجرت دسته جمعی از پل سیمون بولیوار

پل سیمون بولیوار بین ونزوئلا و کلمبیا، مشکلی بی سابقه را برای این کشور بوجود آورده: مشکل مقابله با بحران انسانی: روزانه نزدیک به ۴۵ هزار مهاجر اهل ونزوئلا پای پیاده از طریق این پل خود را به کوکوتا در کلمبیا می رسانند. این گذرگاه مرزی شاید تنها و آخرین امید چهار میلیون نفری باشد که به خاطر نابسامانی وضعیت اقتصادی کشور و نبود امکانات پزشکی از ونزوئلا می گریزند. یک زن می گوید: «با حقوق ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ بولیوار، آنهم هر دو هفته یکبار، نمی توان امرار معاش کرد. حتی اگر دو میلیون بولیوار درآمد داشته باشید.»

قیمت یک لیتر آب پنج هزار برابر قیمت یک لیتر بنزین است

ونزوئلا برای پنجمین سال متوالی با رکود اقتصادی روبه روست. منتقدان می گویند علتش ناکارآمدی دولت و فساد اداری است. سال گذشته میلادی، نرخ تورم به بیش از ۲۶۰۰ درصد رسید. طبق پیش بینی صندوق بین المللی پول امسال نرخ تورم به ۱۳۰۰۰ درصد خواهد رسید.

این وضعیت نیکولاس مادورو را مجبور کرده است سه صفر پول ملی کشور را حذف کند. در این صورت حداقل دستمزد ماهانه که قبلاً ۱۳۰۰۰۰۰ بولیوار بود، ۱۳۰۰ بولیوار می شود که معادل ۶ دلار است. به خاطر این وضعیت است که مردم ونزوئلا برای مایحتاج اولیه به کلمبیا فرار می کنند.

یک مهاجر ونزوئلایی می گوید: «در ونزوئلا دو ساعت در روز برق و سه ساعت در روز آب داریم. از گاز هم خبری نیست. اینجا، در کلمبیا همه چیز ارزان تر است، می توانید مایونز و دستمال توالت پیدا کنید. این چیزها جزء نیازهای اولیه است که در ونزوئلا پیدا نمی شود. قیمت یک لیتر بنزین یک بولیوار است و قیمت یک لیتر آب ۵۰۰۰ بولیوار. چطور ممکن است؟»

این وضعیت اکثر مردم ونزوئلایی ها را مجبور کرده که برای کار و امرار معاش روی این پل مرزی کار می کنند. این افراد هر روز و هر هفته و هر ماه بین دو کشور در حال رفت و آمد هستند و به همه کاری دست می زدند، از فروش مو گرفته تا باربری.

ارزش پول از قیمت کیف بافته شده با اسکناس کمتر است

اقتصادی که در آن ارزش کیف ساخته شده از اسکناس از خود اسکناسها بیشتر است، در وضعیت سقوط آزاد به سر می ببرد. در ونزوئلا، با اسکناسهایی که برای بافتن کیف بکار رفته، می توان یک بسته نمک خرید. اما همین کیف در کلمبیا می تواند شکم این خانواده سه نفری را به مدت یک هفته سیر کند. یکی از کسانی که با فروش کیف و وسایل ساخته شده با اسکناس زندگی می کند می گوید: «ابتدا با این اسکناسها قلب درست می کردیم. سپس هواپیما می ساختیم. این کار از نظر من هنر است. چون در واقع شما با همین پول در ونزوئلا هیچ چیز نمی توانید بخرید. برای خرید مایحتاج اولیه زندگی تان به پول زیادی نیاز دارید.»

قیمت گذرنامه برای اقامت در کلمبیا معادل یک سال حقوق متوسط هر ونزوئلایی است

تخمین زده می شود که طی ماه های اخیر بیش از یک میلیون نفر ونزوئلایی در کلمبیا ساکن شده اند که وضعیت پناهندگی ندارند اما می توانند درخواست پناهندگی بکنند. این افراد چه بخواهند در کلمبیا بماند و چه بخواهند از اینجا به کشور دیگر بروند، باید اجازه اقامت قانونی داشته باشند.

رافائل زاوالا، از طرف کمیساریای سازمان ملل متحد در امور پناهندگان در کوکوتا کار می کند و می گوید: «این افراد باید گذرنامه داشته باشند. عده ای از آنها کارت رفت و آمد مرزی دارند که یک اجازه اقامت موقت است. از یک سال

پیش دولت کلمبیا کارتهای مجوزهای ویژه اقامت ثابت را صادر می کند. این کارت برای این است که به هنگام ورود به کلمبیا وضعیت اقامتتان قانونی باشد. برای این کارت هم باید بطور قانونی وارد کلمبیا شده باشید و در پاسپورتتان مهر ورود خورده باشد».

دولت کلمبیا کارتهای رفت و آمد مرزی را برای ونزوئلایی ها صادر می کند. از سوی دیگر خوان مانوئل سانتوس، رییس جمهوری این کشور سیاستهای سخت گیرانه ای را برای وضعیت مهاجران ونزوئلایی در نظر گرفته است که طبق آن هزینه دریافت گذرنامه خیلی بیشتر شده است. در حالیکه کارت رفت و آمد مرزی ارزان تر بود. یکی از مهاجران ونزوئلایی می گوید: «اگر پول نداشته باشید نمی توانید پاسپورت بگیرید. باید ۱۰ میلیون بولیوار بدهید. در حالیکه حقوق مردم بین ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار بولیوار است، یعنی نیم میلیون بولیوار. صحبت از ۱۰ میلیون بولیوار است یعنی برای یک گذرنامه باید معادل حقوق یک سالتان را بدهید.»

بدون گذرنامه و حق کار هزاران ونزوئلایی ای که در کشور خود شغل آبرومندی داشتند مجبورند در کوکوتا دست به گدایی بزنند.

مهاجران ونزوئلای نفت خیز باید شب را در خیابان صبح کنند

در دیونا پرویدنسیا (Divina Providencia) پناهگاهی که کلیسای کاتولیک کوکوتا برای این افراد به راه انداخته است، روزانه ۱۰۰۰ وعده غذایی بطور رایگان توزیع می شود. عده ای هم هر روز از آن طرف پل فقط برای غذا به اینجا می آیند. یکی از کسانی که در این پناهگاه است می گوید: «وضعیت فاجعه بار است. در سان کریستوبال غذا نیست. به همین دلیلی هم به اینجا آمده ایم. من قبلاً در ساختمان شهرداری سان کریستوبال کار می کردم، اما دستمزدم برای خرید غذا کافی نبود.» شمار زیادی از این افراد حاضرند دست به هر کاری بزنند تا پول اندکی برای خانواده هایش بفرستند. یک زن می گوید: «شرایط زندگی در ونزوئلا غم انگیز است. من سه فرزندم را در مرز رها کرده و در جستجوی کار به اینجا آمده ام می خواهم برایشان پول بفرستم. اگر آنها را با خودم به اینجا می آوردم، چه کار می توانستم بکنم؟ کجا می توانستم نگهشان دارم؟ در خیابان که نمی توانستیم بخوابیم! نه نمی توانستیم. امشب خودم هم جایی برای خوابیدن ندارم.» مهاجرت دسته جمعی ونزوئلایی ها در منطقه «نورتِ سانتاندر» (Norte de Santander) در شمال شرق کلمبیا رخ می دهد. این منطقه از نظر تاریخی با بی ثباتی روبروست. با وجود توافقنامه صلح که در سال ۲۰۱۶ میلادی بین دولت کلمبیا و شورشیان فارک امضاء شد و به بیش از نیم قرن جنگ داخلی پایان داد، این منطقه هنوز تحت کنترل گروههای مسلح است. کلمبیایی هایی که در اثر درگیری داخلی آواره شدند، در فقیرترین محله های اطراف کوکوتا موسوم به «آسِنتامینتوس» (asentamientos) به سر می برند.

از ماه اوت سال ۲۰۱۷ میلادی، ۳۰۰۰ مهاجر ونزوئلایی در محله های فقیر اطراف کوکوتا ساکن شده اند. مبلغان مذهبی که در اینجا کار می کنند نسبت به وضعیت مهاجران کشور همسایه هشدار می دهند.

پدر فرانچسکو بورتیگنون، یکی از این افراد است و می گوید: «در میان سیل عظیم مهاجرانی که به اینجا می آیند، عده زیادی کارگر حرفه ای وجود دارد. کسی که آنها را استخدام می کند یا به آنها نصف حقوق معمول را می دهد، یا خیلی کمتر و گاهی هم اصلاً پول نمی دهد. البته شمار زیادی از این افراد هم ممکن است برای کارهایی مثل برداشت قهوه استخدام شوند، یا برای کارهای پیچیده مانند جمع آوری برگهای کوکا.»

کمیسر اتحادیه اروپا برای کمکهای بشردوستانه: کلمبیا با دو مشکل روبروست

کلمبیا برای مواجهه با بحران مهاجرت درخواست کمکهای بین المللی کرده است. بتازگی کریستوس استایلیانیدس، کمیسر اتحادیه اروپا برای کمکهای بشردوستانه بتازگی با رییس جمهوری کلمبیا ملاقات و از منطقه کوکوتا بازدید کرده است. کمیسر اتحادیه اروپا اعلام کرده بودجه ای برای کمک اختصاص داده است: دو میلیون یورو برای ونزوئلایی ها و شش میلیون یورو برای کلمبیایی ها. کریستوس استایلیانیدس، کمیسر اتحادیه اروپا در امور کمک های بشردوستانه و مدیریت بحران می گوید: «دولت کلمبیا با یک چالش بی سابقه روبه روست. زیرا این کشور با مشکلات مربوط به روند صلح میان دولت و شورشیان فارک نیز درگیر است. در نتیجه کمکهای بشردوستانه ما باید هم شامل ونزوئلایی ها شود، و هم مردم کلمبیا. در ونزوئلا باید بطور خاص برای ارائه کمکهای پزشکی تلاش کنیم و راهی برای مقابله با معضل سوء تغذیه حاد پیدا کنیم». سازمان های غیردولتی کمکهای بشردوستانه در ساخت پناهگاه برای مهاجران با دولت کلمبیا همکاری می کنند. با این وجود، عده ای از رییس جمهوری این کشور به خاطر سیاستهای سخت گیرانه اش در قبال مهاجران انتقاد می کنند. سرپرست مرکز مبلغان مسیحی معتقد است که این سیاستها منجر به افزایش شمار مهاجران غیرقانونی خواهد شد. ویلینتون مأنوس سِپرا، یکی از مسئولان مرکز مهاجرت در کوکوتا می گوید: «این اقدامات دولت کلمبیا به معنای بستن دیپلماتیک مرزهای بین دو کشور است. مطابق روند فعلی، در حال حاضر ونزوئلایی ها برای ورود به کلمبیا نیاز به گذرنامه یا اجازه نامه مخصوص دارد. این امر اوضاع را پیچیده تر می کند، باعث سرگردانی مهاجران می شود و راه را برای کارهای غیرقانونی باز می کند. این ها امنیت مهاجران را به خطر می اندازد.» مقامات کلمبیا می گویند، تعداد کسانی که از راه قانونی وارد کشور شده اند، از ماه فوریه گذشته (زمستان) ۳۰ درصد کاهش یافته و حدود ۱۵۰۰ نفر از مهاجران هم بازگردانده شده اند. یکی از مهاجر ونزوئلایی پاسپورت هم دارد هم مجبور است در خیابان بخوابد. او می گوید: «من بعنوان شهروند ونزوئلا وارد کشور دیگری شدم. می دانم این کشور هم قوانین مربوط به خودش را دارد که باید به آن احترام گذاشت. من کار می کنم و می خواهم از راه قانونی امرار معاش کنم. نمی توانند من را از کشور اخراج کنند. و با ما مثل کالا رفتار کنند. شش میلیون کلمبیایی در ونزوئلا به راحتی زندگی می کنند. من اینجا آمده ام می خواهند مرا اخراج کنند. چرا؟ عدالت کجاست؟ چه می خواهند؟ سیمون بولیوار به دنبال چه بود؟ یک ملت واحد. در حال حاضر در کلمبیا نسبت به ما ونزوئلایی ها بیگانه هراسی وجود دارد.»

کوکوتا شبیه شهری است که فاجعه طبیعی در آن رخ داده است. اما این فاجعه سیاسی، اجتماعی اقتصادی که ریشه در ونزوئلا دارد باعث مهاجرت عده زیادی از مردم شهر می شود.

در گفت و گوی تفصیلی با حسین راغفر تشابهات اقتصاد ایران و ونزوئلا بررسی شد

از تهران تا کاراکاس

شـــرایط ملتهب اجتماعی کشـــور که ریشـــه اقتصادی دارد سبب شـــده تا نگرانی‌های جدی برای آینده کشور ایجاد شود. مهم‌تر از افزایش نرخ ارز آن چه بیش از هر مســـاله ای شـــرایط را بغرنج می کند، عدم ثبات در باراز اســـت. از این رو برای بررســـی دلایل این بی ثباتی و نیز راه حل‌های رفع آن نظر حســـین راغفر، اســـتاد دانشگاه و اقتصاددان را در این رابطه جویا شدیم که در پی می‌آید.

از دید شما اساساً ریشه مشکلات اقتصادی کشور که تلاطم شدیدی به خود دیده را ناشی از بافت و ساختار معیوب اقتصاد ایران می دانید و یا این که جنون مجدد ارزی و تبعات و تنش‌های بعدی این مساله را واکنش روانی بازار به خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها در آینده‌ای نزدیک می دانید، آن هم در شرایطی که ما در فروردین و اردیبهشت ماه هم شاهد جنون ارزی دیگری هم بودیم؟

ارزیابی من در این خصوص این است که مشکلات اخیر اقتصادی که به شدت کشور را به مرز فروپاشی کشانده بیشتر ریشه در داخل دارد تا مسائل و اقتضائات حوزه دیپلماسی و روابط بین الملل. هر چند که مسائل دیپلماتیک و شرایط کشور در صحنه بین الملل هم در این رویه بی تأثیر نیست و به تبع این مساله تنش دیپلماتیک هم وزن خود را در به وجود آمدن وضعیت کنونی دارد. اما در کل باید ریشه مشکلات را در درون جستجو کرد. خوب زمانی تحریم‌ها و شرایط دیپلماتیک بر اقتصاد کشور اثرات سوء خود را دارد که بنیان‌ها و مبانی درست اقتصادی و تولیدی بر کشور حاکم نباشد. اگر اقتصاد ایران بیمار نباشد خوب یقیناً خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌ها تا به این اندازه اثر گذار نخواهد بود. البته تمامی این آسیب پذیری اقتصادی یادگار دولت نهم و دهم است که تا به امروز ادامه دارد. رویه‌ای در آن سال‌ها شکل گرفت ذات و بطن اقتصاد کشور را فلج و بیمار کرد. از همان سال‌ها بنیان‌های تولید در کشور روز به روز ضعیف‌تر شدند. اما در مقابل تجارت‌های مشوق مصرف گرایی و شدت بخش در امر واردات بر فضای اقتصادی حاکم شد. این مسائل بسترهای فشارهای بین المللی بر کشور را فراهم کرده است. زیرا که اقتصاد کشور اکنون نسبت به تحریم‌ها بیش از پیش آسیب پذیرتر شده است. لذا زمانی که ترامپ، پمپئو و یا بولتون برای تهران خط و نشان می کشند علت این امر به همین حساسیت و آسیب پذیری کشور به تحریم‌ها باز می گردد. اگر اقتصاد کشور یک اقتصاد ملی مبتنی بر بنیان‌های تولید می‌بود و اگر در همان سال‌های مدیریت دولت نهم و دهم این مساله در دستور کار قرار می گرفت، امروز واشنگتن و ترامپ نمی‌توانست از اهرم فشار تحریم علیه ایران استفاده کند. اما این دولت‌ها (نهم و دهم) در سال‌های حضور خود جامعه‌ای را در ایران شکل دادند که به شدت مصرف گرا و وابسته به بازار خارجی شد. در این میان هم رانت‌های وارداتی شکل گرفت و اقتصاد هم به محل رانت بازی بدل شد. البته این مساله همچنان در دولت‌های یازدهم و دوازدهم هم ادامه دارد. از دیگر سو این را هم باید پذیرفت که کشور ما به درآمدهای نفتی خود متکی است که قیمت گذاری آن در خارج از کشور تعیین می‌شود. این شرایط یقیناً اقتصاد را آسیب پذیرتر می کند.

یعنی شما اقتضائات اقتصادی کشور را آن چنان پیچیده می دانید که نمی‌توان اکنون در یک ارزیابی مقصر واقعی این نابه سامانی و بی ثباتی را یافت؟

اتفاقاً اقتصاد کشور اقتصادی بسیار ساده و بسیطی است که از چندان پیچیدگی هم برخوردار نیست. به عبارت دیگر اقتصاد ایران از تنوع منابع علمی و فناوری برای تولید درآمد برخوردار نیست. یگانه راه درآمد ما نفت است. پس اقتصاد کشور بسیار ساده است، اما در آن سو چیزی که این اقتصاد را پیچیده می کند وابستگی به اقتصادهای متنوعی است که تولیدات گوناگونی دارند. لذا اقتضائات هر اقتصاد که کالای خود را به کشور روان می کند باعث ایجاد لایه‌هایی در کشور می‌شود. همین وابستگی موجب شده تا با کوچک‌ترین تحریم و عدم حضور این اقتصادها کشور به شدت ملتهب شود. ما در این یکی دو روز اخیر شاهد بودیم که مردم به واقع نگران آینده معیشتی خود هستند. این نگرانی هم به دلیل عدم حضور همین بازار در آینده است.

شما از دسته اقتصاددانانی بودید که معتقدید با تداوم شرایط کنونی، جامعه به سمت ونزوئلایی شدن در حال حرکت است. آیا می‌توان تهران بعد از سال ۹۷ را در کنار اعتراضات دی ماه سال گذشته که آن هم ریشه معیشتی و اقتصادی داشت، کاراکاس دیگری نامید؟

خوب ما چندی پیش شاهد تنش‌ها و درگیری‌هایی در بازار تهران، علاءالدین، چارسو و دیگر جاها بودیم. متاسفانه ما باید خود را برای ادامه این بحران‌ها آماده کنیم. جامعه به شدت نگران است. نمی‌توان با چند درگیری مقطعی شرایط به شدت متشتت کشور را پایان یافته تلقی کرد. البته تمامی وقایع کشور به خصوص بعد از سال ۹۷ را باید با دقت بررسی کرد تا بتوان به نتیجه گیری درستی در مورد ونزوئلایی شدن ایران رسید. اما با نگاهی کلی به حوادث چند وقت اخیر به نظر ایران هم در حال تکرار تجربه تلخ ونزوئلا است. البته باید گفت که یکی از راه‌های بی ثبات سازی سیاسی در داخل کشورها به راه انداختن اعتصاب‌ها و نارضایتی‌های عمومی از وضعیت معیشتی است. من نمی‌خواهم با عینک توهم توطئه تنش‌های اخیر به خصوص درگیریها را به عوامل خارجی برای بی ثباتی در کشور نسبت دهم. اما باید گفت که می‌توان نقش بازیگران خارجی و حتی داخلی را در اعتبار زدایی از دولت برای به وجود آمدن شرایط کنونی مد نظر داشت. ولی آن چه مسلم است سیاست‌های اقتصادی دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز به موازات میراث تلخ دولت نهم و دهم قطعاً در تشدید این تنش‌های بی تأثیر نبود و دولت کنونی به عنوان مکمل کار ناتمام دولت‌های نهم و دهم کشور را به سمت فروپاشی کامل سوق داده است. با تمام این تفاسیر نباید و نمی‌توان تمام مشکلات کنونی را متوجه دولت دانست.

یعنی از دید شما علاوه بر انفعال به شدت پررنگ دولت باید به دنبال عوامل دیگر داخلی در به وجود آمدن این شرایط بود؟

بله

آن عوامل چیست؟

باید گفت که بخش قابل توجهی از مشکلات امروز اقتصادی و معیشتی کشور متوجه نهادهای فرادولتی است. اگر امروز تنش و نابه سامانی جدی در وضعیت کشور به وجود آمده ناشی از حضور کانون‌های قدرت در امر اقتصاد است که با رفتار به شدت مخرب خود چنین مشکلاتی را خلق می کنند. اما در عین حال نیز به هیچ شخص و ارگانی هم پاسخگو نیستند. ولی در آن سو همه مشکلات، کم کاری‌ها، انتقادها و توهین‌ها

را دولت باید تحمل کند. نباید همه کاسه و کوزه را سر دولت شکست. همه می‌دانند حضور ارگان‌های غیر اقتصادی که کوچک‌ترین شناختی از اقتصاد ندارند با رفتارهای خود به سمی در کالبد اقتصاد ایران بدل شده‌اند. مادامی که این طیف از اقتصاد کشور خارج نشوند که به نظر هم خارج نخواهند شد، وضعیت معیشتی و اقتصادی ایران هم روز به روز بدتر هم خواهد شد.

■ **آیا با پذیرفتن حتی مشروط برخی معاهدات مانند FATF، معاهده پالرمو و یا CFT می‌توان شرایط را برای خروج آنان از امر اقتصاد کشور فراهم کرد؟**

اساساً چاره دیگری نداریم. باید ما به این سمت پیش رویم. اگر این نهادها از اقتصاد کشور خارج نشوند به واقع آثار مخرب حضورشان به آثاری فلج کننده بدل خواهد شد. کما این که اقتصاد ایران حداقل از ۹۷ به بعد در یک فلج کامل هم به سر می‌برد.

■ **اما نکته مهم در این خصوص به واکنش دولت در قبال رفتارهای مخرب آنها باز می‌گردد؛ از دید شما دولت تا کجا می‌تواند در مقابل این رفتارها که مولد دردهای مزمن اقتصادی کشور در چند وقت اخیر است به سمت مسکن‌های اقتصادی موقت برود که اکنون این مسکن‌ها هم درد را کاهش نمی‌دهد؟**

به نظر من این راهی که دولت پیش گرفته در آینده‌ای کوتاه به بن بست خواهد رسید. شیوه رفتار دولت در مقابل این رفتارها یقیناً می‌تواند در آینده هم به ثبات اجتماعی، ثبات امنیتی و ثبات سیاسی لطمات بسیار جدی وارد کند. در ادامه یقیناً بسترها برای عفونی شدن فضای سیاسی – امنیتی فراهم خواهد آمد. نهایت این امر هم زمینه‌های مداخله خارجی را به وجود خواهد آورد. دولت باید این روند خود را تغییر دهد.

■ **اما این تغییر رفتار دولت رویه‌ای بلند مدت و یا در خوشبینانه ترین حالت اقدامی میان مدت است. اما برای برون رفت از شرایط اورژانسی کنونی کشور دولت باید چه راهکارهایی را اتخاذ کند؟**

این که تغییر رفتار دولت در مقابل برخی نهادهای داخلی امر و اقدامی زمانبر است درست است. ولی تا زمانی که این مساله حل نشود، باز ما مشکلات خود را خواهیم داشت. اما در کوتاه مدت و برای حل بحران کنونی باید دولت راهکارهای زمان جنگ نظامی را به کار برد. به عبارت دیگر اکنون باید دولت واقعاً خود را در یک شریط جنگی ببیند. ما چهار دهه با جنگ اقتصادی در کشور روبه رو بوده‌ایم. اما باور به این جنگ اقتصادی آمریکا با تأخیر در مسئولین شکل گرفته است.

■ **تفاوت شرایط کنونی این جنگ چهار دهه‌ای آمریکا در مقابل ایران چیست که در حال حاضر اقتصاد کشور را فلج کرده است؟**

در طول این چهار دهه ما ابزارهایی را برای مقابله با این جنگ را در اختیار داشتیم. اما اکنون کشور از هر گونه ابزار و سلاح دفاعی اقتصادی در این جنگ بی بهره است. خوب طبیعی است در جنگی که سلاحی در اختیار نداشته باشید آثار جنگ بر شما چیره خواهد شد. دولت به واقع ظرفیت‌های ادامه این جنگ را در اختیار ندارد. مهم‌ترین این ظرفیت‌ها فرسایش اعتماد عمومی جامعه نسبت به اقدامات و اظهارات دولت است.

این مساله سبب بروز تنش‌های اخیر و نیز نارضایتی سراسری شده است. لذا دولت برای برای عبور از این شرایط باید سیاست‌های جنگی مبتنی بر برنامه‌های متمرکز برای توزیع ارز به صورت سهمیه بندی را در دستور کار قرار دهد. علاوه بر این مساله باید این سهمیه بندی به کالاهای خاص و در عین حال بسیار ضروری کشور اختصاص یابد. نظارت‌ها بر تخصیص و چگونگی صرف این ارزها توسط هر شرکت، نهاد، ارگان و یا هر شخص حقیقی و حقوقی باید به صورت دقیق و مداوم انجام گیرد. اقدام دو سه ماهه دولت به شدت متشتت و ناهنماهنگ بوده که دلار امروز به ۹ هزار تومان رسیده است. زمانی که کشور با محدودیت‌های درآمدی ارزی روبه رو است، چرا باید ارز خود را صرف واردات کالاهای لوکس کرد. تازه بعد از گذشت سال‌ها اتلاف منابع ارزی دولت به فکر ممنوعیت افتاده است. باید مدیریت در شرایط حساس و بحرانی کنونی به شدت و به صورت جدی‌تری انجام گیرد.

■ **اما در مقابل این راهکار اورژانسی شما برای عبور دولت از بحران کنونی ارزی، برخی از اقتصاددانان به شدت مخالف و منتقد تک نرخی کردن ارز و نیز حضور دولت در امر توزیع ارز هستند. در این راستا این عده معتقدند که باید بازار آزادانه خود را به یک نرخ تعادلی و شناور برساند.**

همه اینها مهملاتی است که برخی از اقتصاددان‌های طرفدار بازار آزاد در کشور سر می‌دهند. اتفاقاً همین شعارهای بی پایه و اساس هم سبب شده تا حالا اقتصاد به این روز بیفتد. چنین افرادی تنها حامی منافع خود و برخی گروه‌ها و افراد خاصی هستند که در بستر تلاطم ارزی درآمد هنگفتی را به جیب می‌زنند. در مقابل دولت هر چه دیرتر در خصوص نظارت درست و دقیق بر بازار ارز اقدام کند سرمایه‌های بیشتری به خزانه برخی از آقایان خواهد رفت. مافیای امروزی که در کشور شعار آزادسازی اقتصادی را سر می‌دهد، مولد همان رانت خواری است که میراث دولت نهم و دهم است. برای تأیید استدلال خود به کتاب ریچارد نفیو با عنوان «هنر تحریم» رجوع می کنم. در این کتاب نفیو معتقد است که یکی از مهمترین ابزارها و در عین حال جدی‌ترین راه‌های تأثیر سوء آمریکا بر اقتصاد ایران باز بودن اقتصاد کشور بر روی بازارهای جهانی است. این مساله زمینه شکل گیری تضاد طبقاتی و نابرابری اجتماعی را در ایران به وجود می‌آورد که همین دیروز هم به ناامنی اجتماعی کشیده شد.

■ **پس شما خود را منتقد سیاسی‌های لیبرال و خصوصی سازی در کشور می دانید؟**

خیر. من مخالف رشد رانت خواری و مافیایی هستم که تحت عنوان اقتصاد لیبرال و خصوصی سازی خود را به منابع ثروت و قدرت رسانده و شرایط برای ادامه حیات اقتصادی کشور از بین برده است. در شرایط کنونی کشور آن چه روی داده، پیروزی همین باندهای مافیا در ساختار و بافت معیوب اقتصاد سیاسی ایران است. شما نگاه کنید چه کسانی، چه نهادهایی و ارگانی‌هایی به نام خصوصی سازی چه سودهایی برده‌اند و چه بلاهایی بر سر اقتصاد کشور آورده‌اند. باور کنید ادامه حیات آنان

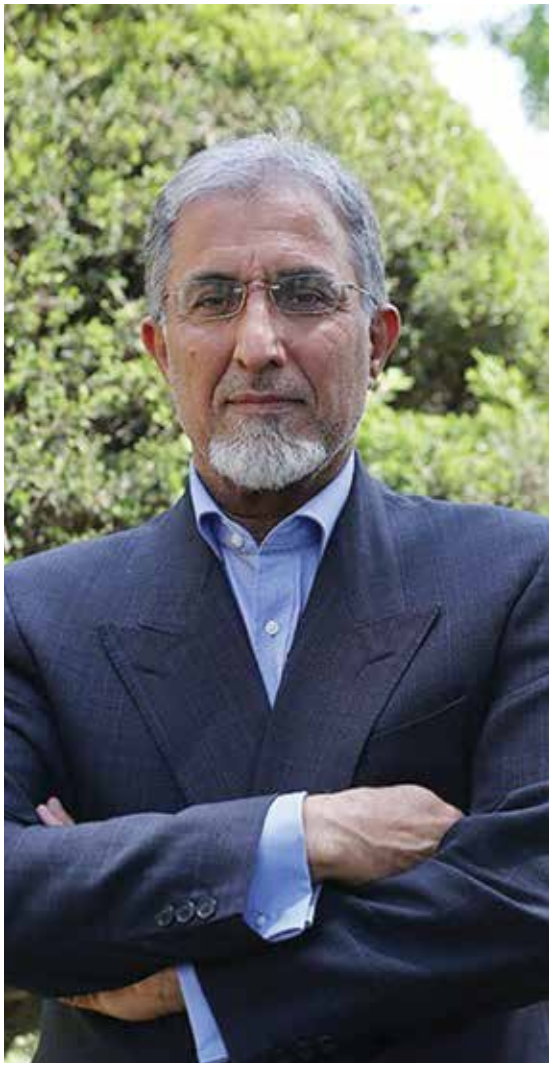

می‌تواند آسیب‌های بسیار جدی‌تری را برای امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور در آینده فراهم کند.

■ **نه این که به دفاع از بازار آزاد بپردازم، اما راهکار شما برای حضور دولت در بازار به خصوص بازار ارز سبب ایجاد رانت دولتی نمی‌شود؛ به خصوص که در همین مصاحبه چندین بار هم به میراث دولت نهم و دهم در شکل گیری فساد سیستماتیک مبتی بر رانت اشاره داشتید؟ آیا نباید بازار به صورت آزاد نرخ شناور و قیمت آزادی را برای نرخ ارز تعیین کند؟**

اساساً در کشور بازار آزاد وجود ندارد. این آزادی که برخی آقایان اشاره دارند به معنای چپاول منابع ارزی کشور است. چرا که ما در طول چهار دهه هیچ ساز و کار درست اقتصادی برای تعیین نرخ ارز نداشته و اکنون هم نداریم. پس چطور بازار می‌تواند نرخ ارز را تعیین کند؟

■ **بر اساس نیاز بازار و مبتنی بر اصل عرضه و تقاضا.**

از شما می‌پرسم که آیا جنون ارزی اردیبهشت ماه که تا دلار ۷ هزار تومانی پیش رفت و یا افزایش قیمت ۴۸ ساعت گذشته ارز که دلار را تا بالای ۹ هزار تومان برد بر اساس نیاز بازار و اصل عرضه و تقاضا به وجود آمد؟ شما شب می‌خوابید و صبح که بلند می‌شوید می‌بینید به یک باره هزار، هزار و پانصد تومان نرخ ارز جابه جا شده است. کدام نیاز به یک شبه شکل گرفت که قیمت را به ۹ هزار تومان در کمتر از ۴۸ ساعت کشاند. چرا نمی‌گوییم که برخی با ایجاد هراس و ترس در بازار به یک باره رانت خود را به کار می‌برند. البته فضای مجازی و برخی عوامل خارجی هم در این مسیر تشدید کننده هستند.

■ **پس شما بر این باورید که فضای ملتهب اقتصادی کنونی کشور ریشه‌های امنیتی دارد؟**

من معتقدم که اکنون به صورت سیستماتیک توطئه‌ای علیه امنیت کشور در حال شکل گیری که رویه آن بر اساس مشکلات و نابه سامانی‌های اقتصادی طرح ریزی شده است. اگر به همان کتاب هنر تحریم رجوع کنیم، نفیو معتقد است که برای نابودی یک کشور باید با ایجاد درد مزمن و دائمی در اقتصاد به دنبال تحریک بخشی از جامعه به خصوص اقشار صدمه دیده رفت تا با تمرکز بر فشار اقتصادی و نیز اختلاف طبقاتی نوعی از ناامنی اجتماعی را برای بی ثبات سازی سیاسی در کشور سامان داد. لذا از دو حالت خارج نیست یا کسانی که شعار بازار آزاد را سر می‌دهند جاسوسان و مزدوران خارجی هستند که به دنبال نابودی کشورند یا این که نماینده نهادهای داخلی هستند که به دنبال اهداف و منافع خود می‌گردند. یقیناً در این میان جمعیت کثیری از جامعه از آسیب‌های اقتصادی کنونی بی بهره نخواهند بود و عده قلیلی هم از چنین بی ثباتی منتفع خواهند شد. این افراد مواجب بگیران همان عده قلیل هستند.

■ **با توجه به شکل گیری برخی اعتراضات در دی ماه سال گذشته و نیز تدام آن در سال جاری که دیروز هم روی داد، آیا می‌توان شرایط کنونی را همان پیگیری تغییر نظام از طریق فشار از بیرون و فروپاشی از درون یعنی آن چه دولت ترامپ ادعای پیگیری آن را می‌کند، دانست؟**

این مساله تغییر نظام به شدت از جانب ترامپ در حال پیگیری است. در دوره اوباما تغییر رفتار تهران مد نظر کاخ سفید بود. اما امروز واشنگتن به کمتر از تغییر نظام نمی‌اندیشد. پس ترامپ یا به دنبال تسلیم تهران در مقابل خواسته‌ای خود است یا به دنبال براندازی و بازگشت تحریم‌ها خواهد رفت. اتفاقاً همین تنش‌ها و درگیری‌های داخلی کشور کاخ سفید را به فروپاشی از درون امیدوارتر کرده است. لذا با شدت عمل بیشتری به دنبال تغییر نظام خواهند رفت. اما نکته مهمی که در این میان وجود دارد این است که میزان موفقیت واشنگتن در رسیدن به اهدافش در گرو واکنش‌های تهران است. در شرایط کنونی دولت باید اقدامات عاجل و فوری برای سامان دادن به وضعیت کنونی صورت داده و در ادامه باید رفتار اقتصادی خود را تغییر دهد. در نهایت حاکمیت هم باید میان بی ثباتی بیشتر و اتخاذ راهکار برای برون رفت یک باره و جدی از این وضعیت تصمیم گیری کند.

میلاد زنگانه

عجیب ترین قوانین راهنمایی و رانندگی در کشورهای مختلف

قوانین راهنمایی و رانندگی کشورهای مختلف، باتوجه به فرهنگ و موقعیت جغرافیایی تنظیم می‌شود که در این بین، موارد عجیبی هم وجود دارد.در هر کشور قوانین راهنمایی و رانندگی با بندهای مختلف، برای منظم نگه‌داشتن ترافیک تنظیم می‌شود. مجموعه قوانین راهنمایی و رانندگی در تمام کشورها یکسان نیست؛ البته به‌صورت کلی برخی موارد مانند سرعت غیرمجاز، چراغ‌های راهنمایی، تابلوهای راهنمایی و ... در کشورهای مختلف تشابه دارد ولی در همین موارد هم جریمه‌ها و آستانه‌ی مجاز و غیرمجاز می‌تواند متفاوت باشد. در بین تمام قانون‌های راهنمایی و رانندگی، برخی موارد واقعاً جالب و شاید برای ما عجیب باشند. در حقیقت این موارد به‌طور ویژه بر اساس فرهنگ و اقلیم آن کشور به‌وجود آمده‌اند که برای افراد خارجی عجیب به‌نظر می‌رسند. در ادامه برخی از این قوانین جالب آورده شده است.

روسیه – رانندگی با خودروی کثیف ممنوع

تردد با خودروی کثیف در جاده‌های روسیه جریمه‌ی قانونی در پی دارد. با اینکه تشخیص میزان جریمه و کثیف یا تمیز بودن به نظر مأموران راهنمایی و رانندگی بستگی دارد، اما در صورت کثیف بودن بیش از حد، تاحدی که پلاک خودرو غیرقابل خواندن باشد، جریمه‌ی راننده قطعی است.

سنگاپور – حداقل فاصله‌ی بین عابر و خودرو ۵۰ متر

خیابان‌های سنگاپور برای تفکیک ترافیک خودرو و عبور و مرور عابرین پیاده طراحی شده است. بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی به‌دلیل جمعیت بالا، ایمنی عابرین پیاده اولویت اول در رانندگی است. اگر خودرویی فاصله‌ی کمتر از ۵۰ متر با عابرپیاده داشته باشد، قطعاً جریمه خواهد شد.

آفریقای جنوبی – حق تقدم با حیوانات

همه در مورد طبیعت وحشی و دیدنی آفریقای جنوبی اطلاع داریم. مقامات این کشور برای تأمین امنیت حیوانات، قانون توقف و اجازه‌ی عبور به حیوانات را تنظیم کرده‌اند. در صورت

توقف نکردن برای عبور حیوانات از جاده، جریمه‌ی سنگینی شامل حال راننده خواهد شد.

آمریکا

دِنوِر، کلرادو: تردد با خودروی سیاه رنگ در روزهای یکشنبه ممنوع است. البته با اینکه این مورد یک قانون رسمی در این منطقه است، اما معمولاً مأموران آن را اجرا نمی‌کنند.

کالیفرنیا: شلیک کردن به حیوانات از خودروهای در حال حرکت، به جز نهنگ ممنوع است.

آلاباما: رانندگی با چشم‌های بسته ممنوع است. احتمالاً قبل از تصویب این قانون، راننده‌ای با چشم بسته در این ایالت رانندگی کرده باشد.

آرکانزاس: قانون نسبتاً قدیمی این ایالت، بوق زدن در ساندویچی ممنوع است. بر اساس این قانون، بوق زدن پس از ساعت ۹ شب در مکان‌هایی که نوشیدنی‌های سرد یا ساندویچ سرو می‌شود ممنوع است.

اسپانیا – لزوم داشتن عینک اضافه و کفش مناسب

بر اساس قوانین راهنمایی و رانندگی این کشور، اگر راننده در هنگام رانندگی به عینک نیاز داشته باشد، باید عینکی اضافه هم در خودرو نگه‌داری کند. این قانون برای این وضع شده است که در صورت خرابی یک عینک، راننده با مشکل مواجه نشود. از دیگر قوانین رانندگی این کشور، پوشیدن کفش مناسب است؛ در صورت پوشیدن دمپایی‌های راحتی لاانگشتی، صندل و کفش‌های پاشنه بلند، راننده باید ۲۲۵ یورو جریمه پرداخت کند.

تایلند – رانندگی با پوشش مناسب مجاز استرانندگی

این قانون در کشورهای مختلف، متفاوت است اما در تایلند راننده باید لباس مناسب بپوشد و با وجود هوای گرم با رطوبت بالا، برهنگی برای مرد و زن، ممنوع است. مأموران پلیس این کشور، مجاز هستند تا با تشخیص میزان برهنگی راننده، جریمه‌ی مناسب منظور کنند.

کاستاریکا – مصرف الکل در هنگام رانندگی مجاز است اما ...

در کشور کاستاریکا، قوانین مشخصی در مورد مصرف نوشیدنی‌های الکلی وجود ندارد اما در صورت مصرف زیاد، ناهشیاری راننده و تشخیص پلیس، مانند دیگر کشورها جریمه شامل حال راننده خواهد شد. در مقابل کاستاریکا، قانون مجازات اعدام رانندگان مصرف‌کننده‌ی الکل السالوادور قرار دارد.

آلمان – تمام شدن سوخت در اتوبان ممنوع

اتوبان‌های آلمان، بهشت عاشقان سرعت است؛ نبود محدودیت سرعت در برخی از اتوبان‌های خوش ساخت این کشور، بسیار جالب توجه است، اما باید بدانید که در صورت تمام شدن سوخت خودرو در این اتوبان‌ها، راننده باید جریمه‌های سنگینی پرداخت کند.

فنلاند – لزوم گزارش تصادف با حیوانات بزرگ

فنلاندی‌ها در حمایت از حیوانات جدی هستند؛ در صورت تصادف با حیوانات بزرگ و عدم گزارش به نیروهای امدادی و پلیس، جریمه‌های سنگین شامل حال راننده خواهد شد. جریمه‌های راهنمایی و رانندگی فنلاند مانند چند کشور اروپایی دیگر با توجه به شغل و درآمد متخلف و به‌صورت روزانه تعیین می‌شوند.

فرانسه – فعال کردن سیستم اعلام سرعت‌سنج ممنوع

در فرانسه اگر سیستم هشداردهنده‌ی وجود دوربین‌های سرعت در رهیاب ماهواره‌ای فعال باشد، گواهینامه‌ی راننده باطل و خودرو او توقیف می‌شود. این قانون در آلمان هم اجرا می‌شود.

دانمارک – قبل از حرکت، زیر خودرو بررسی شود

در قوانین راهنمایی و رانندگی دانمارک به‌طور صریح ذکر شده است که هر راننده قبل از حرکت، برای مطمئن شدن از نبود کودک، باید زیر خودرو را بررسی کند.

سوئد و نروژ – روشن بودن همیشگی چراغ‌های جلو

در سوئد و نروژ، به‌دلیل منطقه‌ی اقلیمی خاص، باید همیشه با چراغ‌های روشن تردد کرد.

ژاپن – پاشیدن آب به سمت عابرین پیاده ممنوع

در ژاپن رانندگان باید هنگام بارندگی بیش از همیشه به عابرین پیاده توجه داشته باشند. در صورت حرکت با سرعت زیاد در چاله‌ی آب جمع شده و پاشیدن آن به سمت عابرپیاده، جریمه‌ی سنگینی منتظر راننده خواهد بود. این قانون در بریتانیا هم اجرا می‌شود.

آسیب تحریم‌های خارجی بیشتر است یا حذف ارز دولتی بخش تولید؟

خودتحریمی‌ها مانع اصلی نوسازی ناوگان سنگین

بهتر بود دولت برای متوقف نشدن اجرای طرح نوسازی ناوگان با نگاهی ویژه به سازندگان خودروهای کاروتجاری و با در نظر گرفتن نیاز ناوگان به محصولات این شرکت‌ها و نقش این خودروها در صنعت حمل‌ونقل کشور، حساب آن‌ها را از دیگر خودروسازان جدا می‌کرد

نوسازی ناوگان باری و مسافری کشور سال‌هاست به یکی از مسائل حل‌نشدنی تبدیل شده، هرچند این موضوع از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است اما به‌نظر می‌رسد راه‌حلی برای آن وجود ندارد و هربار که طرح جدیدی برای نوسازی این ناوگان در نظر گرفته می‌شود، موانعی بر سر راه آن قرار می‌گیرند و آن را با وقفه مواجه می‌کنند. پایان سال گذشته دولت اعلام کرد از ابتدای سال ۹۷ طرحی را تحت عنوان نوسازی ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای اجرا خواهد کرد و براساس آن بیش‌از ۲۰۰هزار خودروی فرسوده باری و مسافری نوسازی خواهند شد. به‌رغم گذشت پنج ماه از تاریخ اعلام‌شده برای آغاز این طرح و با وجود مزایای بسیاری که می‌توانست برای کشور به همراه داشته باشد، تاکنون حرکت موثری در این زمینه رخ نداده است.

شاید دلیل اصلی پابرجایی ناوگان فرسوده را بتوان بی‌بهرگی طرح‌های مربوط به نوسازی از زیرساخت‌های لازم دانست؛ زیرساخت‌هایی که در سال‌های سخت تحریم، از بین رفت و امکان توسعه پیدا نکرد. خروج آمریکا از برجام و روانه‌شدن موج دوم تحریم‌ها به سمت کشور این صنعت را هم تحت تاثیر قرار خواهد داد. با این حال اما تمام مشکلات این صنعت را نمی‌توان به مسائل خارجی و بین‌المللی محدود کرد و در این خصوص باید نیم‌نگاهی هم به نقش پررنگ مسائل داخلی داشت. در این راستا نمی‌توان از اقدامات ناگهانی دولت و تاثیر آن برای طرح‌های این چنینی چشم‌پوشی کرد؛ دولت در گام نخست طرح مهمی را به منظور نوسازی پایه‌ریزی می‌کند که لازمه آن همکاری تمام خودروسازان تجاری کشور است اما در اقدامی دیگر، با نادیده گرفتن مشکلات اقتصادی، موانعی را بر سر راه این خودروسازان قرار می‌دهد که ممانعت از تخصیص ارز دولتی را می‌توان به‌عنوان مهم‌ترین آن‌ها در نظر گرفت. این گام دولت نه تنها باری از دوش اقتصاد کشور و نوسازی ناوگان برنمی‌دارد بلکه خودروسازان را بیش از پیش در معرض آسیب و نابودی قرار خواهد داد.

ارز نمی‌رود؛ CKD نمی‌آید

خروج آمریکا از برجام و به‌دنبال آن تحریم‌های جدید علیه ایران تاثیر خود را بر صنعت خودروهای تجاری به خوبی نشان داده است. از خروج خودروسازان اروپایی تا مشکلات تامین قطعه را می‌توان نخستین تاثیر تحریم‌ها دانست. بسیاری از شرکت‌های مطرح جهان در پی خروج آمریکا از برجام، موقعیت خود را در بازار آمریکا و دیگر بازارهای بزرگ در خطر دیدند و به قطع همکاری خود با ایران روی آوردند.

مشخص است چنان‌چه اروپایی‌ها به‌عنوان شرکای بزرگ خودروسازان داخلی در کشور فعالیت نکنند، به‌طور قطع این صنعت را به ورطه نابودی خواهند برد.

همچنین با آن‌که وابستگی تجاری‌سازان داخلی به خودروسازان خارجی باعث می‌شود معاملات آن‌ها بر پایه ارز انجام شود اما به واسطه تحریم‌ها حجم مراودات پولی با کشورها و شرکت‌های خارجی به ویژه اروپایی‌ها به صفر خواهد رسید. هرچند در دو سال اجرای برجام کم‌وبیش این وضعیت رو به بهبود بود اما با تحریم‌های دوباره راه‌های انجام دادوستد با خودروسازان خارجی و زیرمجموعه‌های آن‌ها بسته شد. از این رو حتی خودروسازانی که تحت فشارهای آمریکا تن به خروج از بازار ایران ندادند، به‌دلیل آن‌که هیچ‌راهی برای انتقال پول از ایران باقی نمانده است، مجبور به قطع همکاری با شرکای ایرانی خود شدند. این اتفاقات خودروسازان تنها امکان استفاده از CKDهای سفارش قبل را دارد و طبیعتا بعد از آن سفارش‌گذاری جدیدی نخواهند داشت. همین عدم سفارش‌گذاری به‌طور قطع در چند ماه آینده، حجم تولید تجاری‌سازان داخلی را به شدت کاهش خواهد داد و ضربه سنگینی را به طرح نوسازی ناوگان حمل‌ونقل جاده‌ای وارد خواهد کرد.

افزایش گام‌به‌گام نرخ ارز

به‌دنبال خروج آمریکا از برجام، نرخ ارز در کشور به شدت افزایش پیدا کرد. در ماه‌های ابتدایی سال، نرخ ارز در نخستین جهش خود با افزایش ۱۲درصدی روبه‌رو شد و قیمت ارز دولتی از ۳۷۰۰ به ۴۲۰۰ تومان رسید که تولیدکنندگان را با مشکلات بسیاری روبه‌رو کرد.

این در حالی است که نرخ ارز آزاد در کشور تا حدود ۱۲هزار تومان هم رسید. نوسانات نرخ ارز، نخستین تاثیر خروج آمریکا از برجام بود که رهاورد آن برای صنعت تجاری‌سازی کشور، افزایش قیمت نهایی محصولات آن‌ها تا ۲۰درصد بود. این خودروسازان مجبور شدند افزایش قیمت را روی سفارش‌های پیشین خود نیز اعمال کنند که واکنش بسیاری را از سوی خریداران و مشتریان اندک آن‌ها به همراه داشت. در این شرایط دولت به ازای اصلاح قیمت‌ها، در یکی دیگر از تصمیمات ناگهانی خود با افزایش نرخ ارز دولتی به ۸۴۰۰تومان، به وسعت مشکلات این صنعت دامن زد. به‌عقیده کارشناسان و فعالان این بخش، متعاقب این تصمیم قیمت خودروهای تجاری داخلی تا دو برابر افزایش خواهد یافت و مشخصا این اقدام از سوی دولت منجر به ضعیف‌تر شدن خودروسازان تجاری خواهد شد. در شرایطی که مالکان خودروهای تجاری، با کمبود کار روبه‌رو هستند و تمایلی به نوسازی خودروهای خود ندارند، باید امکاناتی فراهم می‌شد تا به ساده‌ترین شکل می‌توانستند روند نوسازی را پشت سر بگذارند. با این حال افزایش لحظه‌ای قیمت محصولات و بازپرداخت تسهیلات، آن‌ها را از ادامه کار منصرف کرده است. با ادامه این روند خودروسازان هم با کاهش فروش و پارکینگی از محصولات دپوشده روبه‌رو خواهند شد.

ضربه نهایی به نوسازی با حذف ارز دولتی

خودروسازان داخلی به‌ویژه در سگمنت‌های کاروتجاری (چه در بخش باری و چه در بخش مسافری)، سال‌های اخیر شاهد رکودی بی‌سابقه بوده‌اند که برای خروج از آن نیازمند دخالت و همکاری دولت هستند.

چنانچه قرار است ناوگان تجاری کشور با ۲۰۰هزار خودروی فرسوده طی سه‌سال نوسازی شود به‌طور قطع باید زیرساخت‌های لازم آن در خودروسازی‌های داخلی اصلاح شود. با این حال اما در شرایط بحرانی اقتصاد نه تنها دولت اقدام مثبتی به منظور رونق فعالیت این خودروسازان انجام نداد بلکه با حذف سهمیه ارز دولتی برای این تولیدکنندگان امید آن‌ها را به نوسازی از بین برد و استفاده از ارز آزاد را به آن‌ها تحمیل کرد. به‌نظر می‌رسد این اقدام دولت، ضربه نهایی به روند اجرای نوسازی ناوگان بوده و موج دیگری از افزایش قیمت را برای این خودروسازان به همراه داشته باشد.

در شرایطی که به‌دلیل مشکلات اقتصادی، قدرت خرید مردم افت شدیدی را تجربه کرده و نرخ بیکاری برای خریداران این خودروها بسیار بالاست، افزایش قیمت نهایی می‌تواند کاهش فروش چشمگیری را برای خودروسازان به دنبال داشته باشد. منطقی‌تر آن بود که دولت برای متوقف نشدن اجرای طرح نوسازی ناوگان با نگاهی ویژه به سازندگان خودروهای کاروتجاری و با در نظر گرفتن نیاز ناوگان به محصولات این شرکت‌ها و نقش این خودروها در صنعت حمل‌ونقل کشور، حساب آن‌ها را از دیگر خودروسازان جدا می‌کرد.

بوگاتی دیوو (BUGATTI DIVO)؛ هایپر کار ۵ میلیون یورویی

ابرخودروی جدید بوگاتی با نام دیوو، در فستیوال پبل بیچ معرفی شد. این محصول، گران‌تر از بوگاتی شیرون است و حدود ٦ میلیون دلار قیمت دارد. در هفته‌های گذشته، خودرویی شبیه به بوگاتی شیرون در پیست مشهور نوربرگ‌رینگ دیده شد. از همان زمان، گمانه‌زنی‌ها برای عرضهٔ محصول جدید بوگاتی بر اساس پلت‌فرم شیرون، بالا گرفت و در نهایت، رسماً اعلام شد که این ابرخودروی تازه، دیوو (Divo) نام دارد.

هرچند که مطابق پیش‌بینی‌ها، پیشرانه و بسیاری از تجهیزات فنی دیوو، تفاوت خاصی با شیرون ندارند؛ اما به دلیل بهینه‌سازی‌های متعدد در محصول جدید بوگاتی و چهرهٔ مدرن دیوو، می‌توان رونمایی این مدل را، یکی از بااهمیت‌ترین اتفاقات خودرویی جهان در سال ۲۰۱۸ دانست. این رویداد، حتی فستیوال پبل بیچ کالیفرنیا را تحت تأثیر قرار داد تا رونمایی لامبورگینی اونتادور SVJ و پورشه ۹۱۱ گولد، به حاشیه رانده شود. از زمانی که بوگاتی با مدل‌های ویرون و شیرون با نهایت سرعت بالای ۴۰۰ کیلومتر و شتاب‌گیری باورنکردنی، خبرساز شد؛ همواره با یک چالش بزرگ روبرو بود. ابرخودروهای این برند فرانسوی تحت مالکیت فولکس واگن آلمان، به دلایلی مثل وزن بالا، از نظر فرمان‌پذیری در پیچ‌های تند و رکوردزنی در پیست‌های مشهور دنیا، با ضعف‌هایی روبرو بودند. بر اساس اعلام رسمی مهندسان بوگاتی، دیوو با هدف بهبود فرمان‌پذیری ساخته شده است.

با نگاه به نمای روبرو، متوجه می‌شویم تنها شباهت دیوو با شیرون و ویرون، به جلوپنجرهٔ سنتی این ابرخودرو خلاصه می‌شود و در دیگر اجزاء، تحولی مهم روی داده است. از نمای جانبی هم، حالت C شکل بدنه، باریک‌تر از قبل ارائه می‌شود تا هدایت هوا و شرایط آیرودینامیک، بهبود یابد. نور اصلی، برای اولین بار، بدون کاسه چراغ و به صورت تمام LED با حالتی عمودی ارائه شده است، ضمن اینکه گستردگی کم‌نظیری برای هدایت هوا در داخل سپر، وجود دارد. این شرایط، برای شیرون فراهم نبود و مطمئناً نقش بسیار مهمی در کاهش حرارت پیشرانهٔ بوگاتی، خواهد داشت.

گفته می‌شود که مهندسان سازمان فضای امریکا (ناسا) در طراحی

سقف دیوو همکاری داشته‌اند تا علاوه بر بهبود آیرودینامیک، هدایت هوای موردنیاز پیشرانه نیز، انجام شود. بال عقب هم، ۲۳ درصد پهنای بیشتری نسبت به نمونهٔ استفاده شده در شیرون دارد. این بخش، علاوه بر تأمین نیروی عمود بر سطح، نقش مهمی در ترمزگیری و ایجاد گرانش باورنکردنی ۱.٦g بازی می‌کند. در مجموع، نیروی عمود بر انتهای بدنهٔ بوگاتی دیوو، ۹۰ کیلوگرم بیشتر از شیرون خواهد بود؛ در حالی که آیرودینامیک، ترمزگیری و خنک‌کاری بهتری هم فراهم خواهد کرد. منتقدان بوگاتی، همواره از وزن بالای ویرون و شیرون، ایراد می‌گرفتند؛ چراکه از دیدگاه آن‌ها، خودرویی با وزن بیشتر از ۲۰۰۰ کیلوگرم، حتی با داشتن پیشرانهٔ ۱۵۰۰ اسب بخار هم نمی‌تواند مانورپذیری ایده‌آلی داشته باشد. شاید به همین دلیل، به لطف جایگزینی فیبر کربن با مواد مختلف در دیوو، این محصول به ۳۵ کیلوگرم وزن کمتر در مقایسه با شیرون رسیده است. جدیدترین محصول بوگاتی، حالا ۱۹۹٦ کیلوگرم، وزن خالص دارد.

شاید کاهش وزن ۳۵ کیلوگرمی در نگاه اول، چندان با اهمیت نباشد اما این فاکتور مهم، همراه با دیگر بهینه‌سازی‌های دیوو باعث شده است تا ابرخودروی جدید بوگاتی، یک دور از پیست ناردو را، ۸ ثانیه زودتر از شیرون، کامل کند. جالب است بدانید، هر دو محصول اخیر بوگاتی ازهمان پیشرانهٔ ۸لیتری ۱٦ سیلندر با آرایش W استفاده می‌کنند؛ اما نهایت سرعت دیوو به ۳۸۰ کیلومتر بر ساعت محدود خواهد بود. فراموش نکنیم، با وجود اینکه شیرون می‌تواند با نهایت سرعت ٤۲۰ کیلومتر بر ساعت، حرکت کند؛ ۸ ثانیه کندتر از دیوو، در پیست ناردو عمل کرده است. با این اوصاف، می‌توان مطمئن بود که ارتقاء آیرودینامیک و کاهش وزن دیوو، نقش مهمی در بهبود شتاب‌گیری این ابرخودرو دارند. قیمت نهایی هر دستگاه بوگاتی دیوو در نسخهٔ پایه و قبل از شخصی‌سازی، ۵ میلیون یورو (معادل ۵.۸ میلیون دلار) اعلام شده است که طبیعتاً با تجهیزات اضافی، بیش از ٦ میلیون دلار خواهد بود. این محصول، به تعداد محدود ٤۰ دستگاه تولید خواهد شد و طبق عادت سال‌های اخیر بوگاتی، پیش از رونمایی نهایی، تماماً پیش‌فروش شده است.

در گفت‌وگوی افق تازه با ک

چالش‌های پیش روی صن

نوسانات ارزی دامن بسیاری از صنایع استراتژیک کشور را فرا گرفته است بطوریکه امروز قطعه سازان به عنوان صنایع مادر خودروساز کشور با مشکلات عدیده ای دست و پنچه نرم می کنند.

مشکلاتی که امروزه گریبان قطعه سازان کشور را فرا گرفته به خودروسازان کشور نیز سرایت کرده است چنانچه کمبودهای موجود باعث شده تا خودروسازان نیز نتوانند آنطور که باید به تعهدات خود در شرایط فعلی عمل نمایند. کمبود قطعه برای خودروسازان همچون سم مهلکی است که بر بدنه خودروسازان وارد آمده و با ادامه این روند به یقیین صنعت خودروسازی کشورمان در آینده ای نه چندان دور با مشکل مواجه خواهد شد.

نگاهی به بازار نشان می‌دهد بسیاری از قطعه سازان همچنان عایدی از ارز ۴۲۰۰ تومانی ندارند و تعداد انگشت شماری موفق به دریافت ارز رسمی دولتی شده اند. با ادامه این روند بسیاری از قطعه سازان ناگزیر به روی آوردن به بازار ارز آزاد می‌شوند و در چنین شرایطی افزایش قیمت تمام شده تولیدات قطعه سازان رقم خواهد خورد و به موازات آن خودروسازان نیز برای تامین هزینه‌های اولیه به افزایش قیمت خودرو روی خواهند آورند.

هر چند در شرایط فعلی عزم خودروسازان بر عدم افزایش قیمت جزم است و این صنعت با وجود گذراندن روزهای سخت مجبور بر ادامه تعهدات است اما برای ادامه این روند و تامین نیاز قطعات خودروسازان و ادامه روند تولید باید تدبیری اندیشید.

این در حالیست که گردش مالی فعالیت سالانه اعضای انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو ایران به بیش از ۵۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد و بیش از ۲۵۰ هزار نفر مشغول به کار هستند.

این روزها انجمن سازندگان قطعات و مجموعه‌های خودرو ایران با مشکلاتی از قبیل عدم تخصیص ارز دولتی، عدم پرداخت به موقع مطالبات، ورود قطعات بی کیفیت خارجی با تعرفه‌های پایین و هزینه‌های به روز فناوری‌های تولید قطعات برای خودروهای جدید مواجه هستند. این مشکلات باعث شده تا بسیاری

از قطعه سازان کشور طی سالهای اخیر ورشکسته و بسیاری از افراد شاغل در این گروه صنایع بیکار شوند.

با توجه به اینکه امسال سال اقتصاد مقاومتی؛ تولید و اشتغال نامگذاری شده است رویه ای عکس این موضوع در پیش گرفته شده است. ورود اجناس بی کیفیت خارجی که به صورت قاچاق وارد کشور می‌شوند باعث زمین گیر شدن قطعه سازان شده و این صنعت استراتژیک کشور را با بحران مواجه کرده است. در این بین خودروسازان داخلی کشورمان نیز به دلیل عدم حمایت‌های مالی با مشکلات عدیده ای دست و پنجه نرم می کنند. صنعت خودروسازی کشورمان به عنوان گام اصلی توسعه در کشور می‌تواند با حمایت‌های بی بدیل گام‌های توسعه را طی کند که پیش شرط تحقق این موضوع حمایت از صنایع داخلی و مادر است.

در همین حال اصغر خسروشاهی- مشاور وزیر صنعت معدن و تجارت از تدوین طرح تغییر تعرفه واردات قطعه در وزارت صنعت خبر داده و گفته است که قوانین و تعرفه‌های کنونی به هیچ عنوان از قطعه سازان داخلی حمایت نمی کند.

حال این پرسش مطرح است که چه عواملی دست به دست یکدیگر می‌دهند تا انگیزه کاری قطعه سازان را کاهش دهد و به عبارتی آن‌ها را نسبت به تولید قطعات خودرویی کم کار کند؟

غلام محمد زارعی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس نیز در گفت و گو با «افق تازه» اظهار داشت: بدون شک باید محدودیت‌های ارزی قطعه سازان که به عنوان پایه گذار شرکت‌های خودروسازی هستند را رفع کرد.

وی ادامه داد: در شرایطی که کشور با مشکل اشتغالزایی دست و پنچه نرم می کند باید در مسیر رفع موانع قطعه سازان گام برداریم چرا که قطعه سازان سهم بسیاری در اشتغالزایی کشور دارند.

غلام محمد زارعی گفت: مجلس به دنبال این است که با تشکیل کارگروهی ویژه ارز مورد نیاز قطعه سازان را تامین کند. این نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی با تاکید بر اینکه می‌توان به آینده امیدوار بود خاطرنشان کرد: امیدواریم که با عبور از

کارشناسان بررسی شد؛

نعت استراتژیک خودرو

این پیچ تاریخی و سرنوشت ساز شرایط کشور با به حالت عادی بازگردانیم.

همچنین دبیر انجمن صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه سازان در گفت وگو با «افق تازه» اذعان داشت: مهمترین مشکل قطعه سازان تامین ارز ۴۲۰۰ تومانی است که در وضعیت سردرگمی به سر می‌برد.

آرش محبی نژاد در همین ارتباط افزود: فعالان این بخش به سرمایه ارزی ۲ میلیارد دلاری نیاز دارند تا بتوانند مشکلات مربوط به واردات قطعات، مواد اولیه و لوازم یدکی و ماشین آلات مورد را مرتفع کنند.

وی ادامه داد: با گذشت چند ماه از نوسانات ارزی متاسفانه دولت نتوانسته ارز دولتی را برای این بخش از صنعت تامین کند و در حال حاضر ارز وعده داده شده گروه یک نیز به آنها تخصیص نیافته است.

محبی نژاد افزود: وعده‌های وزیر مبنی بر اختصاص پرداخت یارانه سود تسهیلات ۳۲۰ هزار میلیارد دلاری برای نوسازی صنایع نیز هنوز در اما و اگر به سر می‌برد. این میزان اعتبار از سوی بانک‌ها با سود ۱۸ درصد اعطا می‌شود، اما مقرر شده سود آنها بین ۶ تا ۱۲ درصد باشد و باقیمانده آن تا ۱۸ درصد را دولت پرداخت کند.

دبیر انجمن صنایع همگن نیرومحرکه و قطعه سازان با یادآوری تهدید تحریم‌های جدید و آینده صنعت قطعه سازی کشور، افزود: اختصاص ارز در ۲ بخش پیگیری می‌شود؛ نخست آنکه ۲ میلیارد دلار صرف خرید و ذخیره سازی مواد اولیه حیاتی یا قطعات نیم ساخته ای شود که امکان ساخت آنها در داخل وجود ندارد؛ همچنین بخشی از ارز اختصاص یافته نیز صرف واردات ماشین آلات و ابزار خاص می‌شود. مهلت انجام این مهم تا ۱۵ مردادماه امسال است و امید می‌رود این ارز خارج از نوبت به قطعه سازان تخصیص داده شود. محبی نژاد ادامه داد: بخش دوم تخصیص ارز، از زمان اجرایی شدن تحریم‌ها آغاز می‌شود که دیگر امکان تامین مواد اولیه و سایر ملزومات وجود ندارد.

وی گفت: در آن زمان باید برای درون زایی این صنعت و افزایش عمق داخلی سازی قطعات در کنار یافتن مواد اولیه جایگزین، فرصت کافی پیدا کرده باشیم.

این مسئول تاکید کرد: پس از آغاز تحریم‌ها، باید تمرکز خود بر برنامه ریزی و مدیریت را افزایش دهیم.

به گفته وی، شیوه کنونی در پیش گرفته شده از سوی دولت، مجلس شورای اسلامی و وزارت صنعت، معدن و تجارت، جوابگوی نیازهای صنعت قطعه سازی نیست و این موضع مساله ای است که نگرانی‌ها را در این حوزه افزایش داده است.

بهرام شهریاری- کارشناس صنعت خودرو نیز در همین زمینه می‌گوید: «قطعه سازانی که فعالیت آن‌ها به صورت مستقیم به ارز وابسته است بیشترین لطمه را از تغییرات اقتصادی متحمل می‌شوند».

او می‌افزاید: علاو بر تولید کنندگان قطعات خودرو که واردات مواد اولیه را به واسطه نوسانات نرخ ارز با قیمت‌های متنوع خریداری می‌کنند، قطعه سازنماها هستند که بیشترین ضربه‌های اقتصادی را از نوسانات نرخ متحمل می‌شوند.

شهریاری تاکید می‌کند: در صنعت قطعه سازی کم نیستند قطعه سازنماهایی که قطعات خودرو را از چین وارد می‌کنند و به صورت زیر زمینی و به نام قطعات تولیدی داخلی به بازار تزریق می‌کنند، که در این میان بیشترین ضرر کنندگان بازار هستند که از دولت گذشته به یادگار مانده اند.

او با بیان اینکه هنوز نرخ دلار ۴۲۰۰ تومانی برای قطعه سازان و خودروسازان محقق نشده است، ادامه می‌دهد: گرچه قطعه سازان و خودروسازان با افزایش نرخ دلار همراه شده اند، اما هنوز اجازه افزایش قیمت ندارند، از این رو قطعه سازان دچار سردرگمی و یاس می‌شوند.

این کارشناس صنعت خودرو می‌افزاید: گرچه ارتقا سهم قطعه سازی از ۲۵ به ۴۰ درصد مطرح است، اما این اختلاف مربوط به شیشه، باتری، تیونینگ و تایر می‌شود که هیچ یک در زمره قطعات خودرویی یا مواد اولیه محسوب نمی‌شوند.

شهریاری تاکید می‌کند: باید در کنار تسهیل شرایط واردات، نرخ تعرفه حمایتی از قطعه سازن اعمال شود، به طور مثال هنگامی که WTO صنایع تولید خود را در خطر دید، نرخ تعرفه فولاد را افزایش داد تا از واردات فولاد جلوگیری شود. حال به نظر می‌رسد اگر نرخ تعرفه‌ها به شرط اینکه قطعات یدکی از جمله قطعات خودرویی محسوب نشوند، حمایتی شوند؛ حال و روز قطعه سازان بهبود یابد. به گفته شهریاری، افزایش نرخ تعرفه می‌تواند تا حدی به بازگشت روحیه و امید به کار قطعه سازان بیانجامد.

به هر روی ادامه این روند نه تنها قطعه سازان کشور را با مشکل مواجه کرده است بلکه صنعت خودروساز کشورمان نیز از این ضررها بی بهره نخواهد بود. برای عبور از این شرایط سخت بهتر است که گام‌های عملی و ارزنده برای حفظ و حمایت از تولیدات داخل برداشته شود. این ضرر نه تنها متوجه صنایع خودروساز کشورمان خواهد شد بلکه مصرف کنندگان نیز به عنوان عامل اصلی گردش چرخ اقتصاد کشور با ضرر مواجه خواهند شد.

جدول

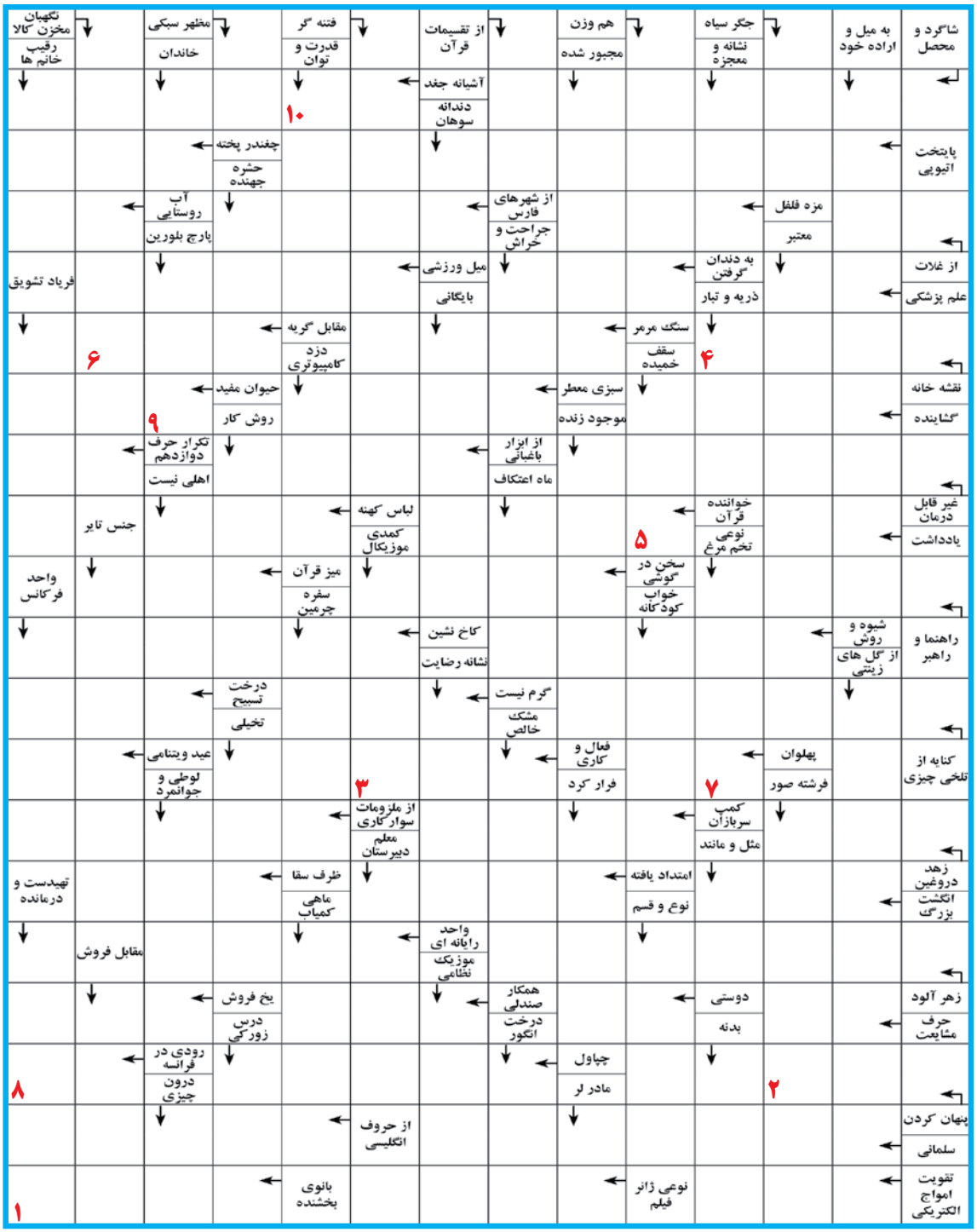
شاگرد و محصل
به میل و اراده خود
جگر سیاه
نشانه و معجزه
هم وزن
مجبور شده
از تقسیمات قرآن
فتنه گر
قدرت و توان
مظهر سبکی
خاندان
نگهبان مخزن کالا
رقیب خانم ها
آشیانه جغد
دندانه سوهان
۱۰
پایتخت اتیوپی
چغندر پخته
حشره جهنده
مزه فلفل
معتبر
از شهرهای فارس
جراحت و خراش
آب روستایی
پارچ بلورین
از غلات
علم پزشکی
به دندان گرفتن
ذریه و تبار
میل ورزشی
بایگانی
فریاد تشویق
سنگ مرمر
سقف خمیده
۴
مقابل گریه
دزد کامپیوتری
۶
نقشه خانه
گشاینده
سبزی معطر
موجود زنده
حیوان مفید
روش کار
۹
از ابزار باغبانی
ماه اعتکاف
تکرار حرف دوازدهم
اهلی نیست
غیر قابل درمان
یادداشت
خواننده قرآن
نوعی تخم مرغ
۵
لباس کهنه
کمدی موزیکال
جنس تایر
سخن در گوشی
خواب کودکانه
میز قرآن
سفره چرمین
واحد فرکانس
راهنما و راهبر
شیوه و روش
از گل های زینتی
کاخ نشین
نشانه رضایت
گرم نیست
مشک خالص
درخت تسبیح
تخیلی
کنایه از تلخی چیزی
پهلوان
فرشته صور
۷
فعال و کاری
فرار کرد
۳
عید ویتنامی
لوطی و جوانمرد
کمپ سربازان
مثل و مانند
از ملزومات سوارکاری
معلم دبیرستان
زهد دروغین
انگشت بزرگ
امتداد یافته
نوع و قسم
ظرف سقا
ماهی کمیاب
تهیدست و درمانده
واحد رایانه ای
موزیک نظامی
مقابل فروش
زهر آلود
حرف مشایعت
دوستی
بدنه
همکار صندلی
درخت انگور
یخ فروش
درس زورکی
چپاول
مادر لر
۲
رودی در فرانسه
درون چیزی
۸
پنهان کردن
سلمانی
از حروف انگلیسی
تقویت امواج الکتریکی
نوعی ژانر فیلم
بانوی بخشنده
۱

رمز جدول شماره قبل:

مقابله با فساد

حل جدول شماره قبل

به ۳ نفر از خوانندگان محترم که رمز درست جدول را برای ما پیامک کنند مبلغ یک میلیون ریال به صورت نقدی اهدا می‌شود

شماره پیامک: ۰۲۱۸۶۰۲۲۷۷۸

اسامی برندگان

سینا فدایی

نورالدین مبینی

زهرا امینی

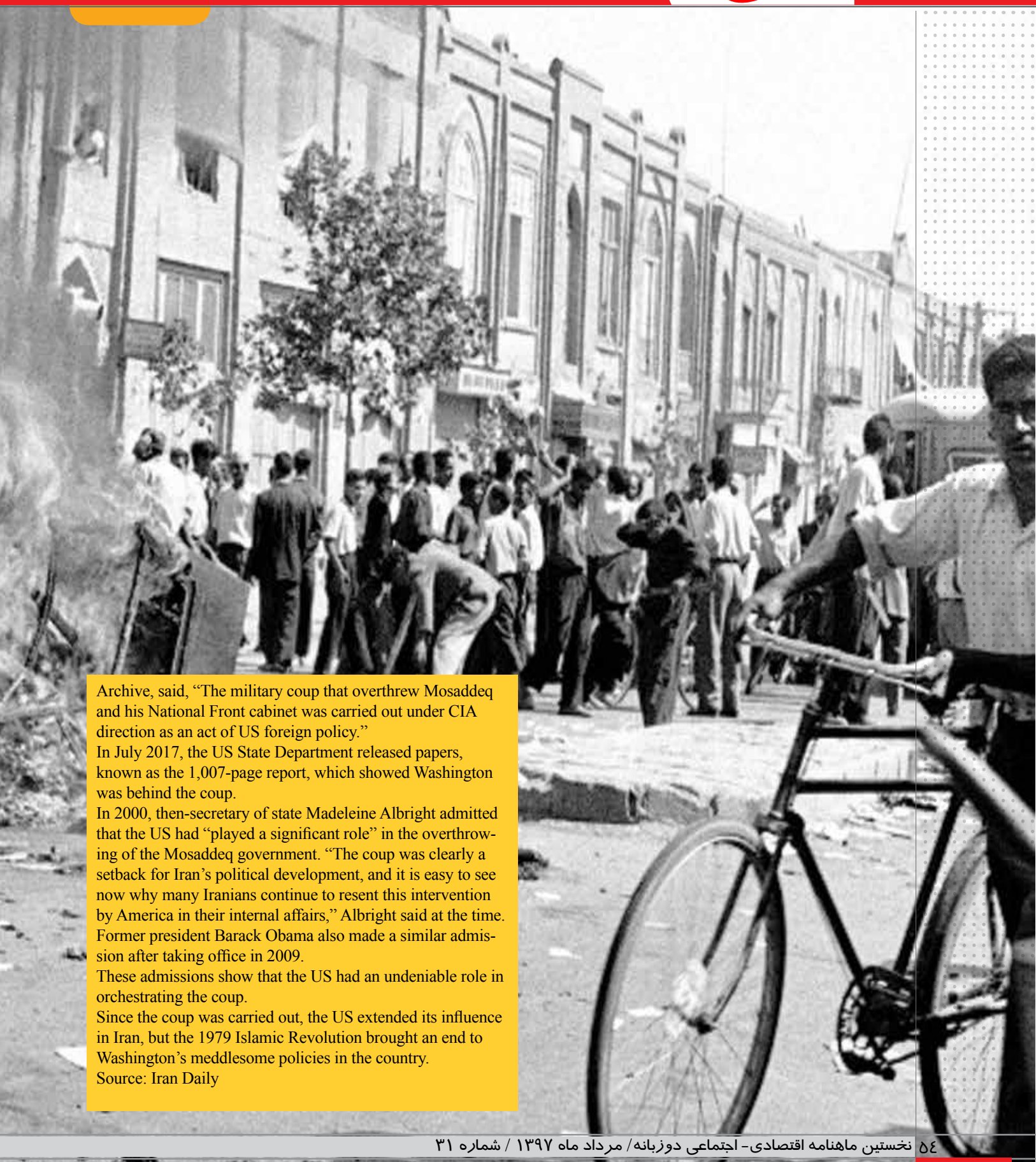

Archive, said, “The military coup that overthrew Mosaddeq and his National Front cabinet was carried out under CIA direction as an act of US foreign policy.”
In July 2017, the US State Department released papers, known as the 1,007-page report, which showed Washington was behind the coup.
In 2000, then-secretary of state Madeleine Albright admitted that the US had “played a significant role” in the overthrowing of the Mosaddeq government. “The coup was clearly a setback for Iran’s political development, and it is easy to see now why many Iranians continue to resent this intervention by America in their internal affairs,” Albright said at the time.
Former president Barack Obama also made a similar admission after taking office in 2009.
These admissions show that the US had an undeniable role in orchestrating the coup.
Since the coup was carried out, the US extended its influence in Iran, but the 1979 Islamic Revolution brought an end to Washington’s meddlesome policies in the country.
Source: Iran Daily

A glance at historical documents of 1953 Iran coup

As a historical event, the August 19, 1953 coup against the government of then democratically-elected prime minister Mohammad Mosaddeq is inextricably interlinked with Iran's ongoing situation.
This is because, on the one hand, Iran is presently dealing with issues pertaining to oil exports and US sanctions. Furthermore, the coup has had a significant impact on Iran's foreign policy.
On the other hand, documents have been released which shed light on the US role in the coup.
The British government plotted a military putsch against the Mosaddeq government because the premier played a key role in the country's 1951 movement that resulted in the nationalization of Iran's oil industry.
The US was initially opposed to the coup. However, in August 1953, British and American intelligence agencies initiated the coup by the Iranian military, setting off a series of events, including riots in the streets of the capital, Tehran, which led to the overthrow and arrest of Mosaddeq.
Sixty-five years have passed since the Mosaddeq government was toppled. The documents that have been released by the US government show that it was behind the coup.
However, some believe the ouster of the Mosaddeq government was not a coup. A glance at historical sources suggest that such a belief is incorrect. Since the coup was launched, the US expanded its influence in Iran for more than 30 years.

According to a declassified document published in 2003, the CIA admitted to orchestrating the August 1953 coup.
The document which was obtained by George Washington University's National Security

Instead of respecting the judicial process, as I urged President Trump to do in our many meetings and conversations, the United States issued blatant threats against a friendly nation and proceeded to impose sanctions on several members of my cabinet.

This decision was unacceptable, irrational and ultimately detrimental to our longstanding friendship. To convey that Turkey does not respond to threats, we retaliated by sanctioning multiple American officials.

Moving forward, we will abide by the same principle: Attempting to force my government to intervene in the judicial process is not in line with our Constitution or our shared democratic values.

Turkey has established time and again that it will take care of its own business if the United States refuses to listen. In the 1970s, the Turkish government stepped in to prevent massacres of ethnic Turks by the Greek Cypriots despite Washington's objections.

More recently, Washington's failure to grasp the seriousness of our concerns regarding national security threats emanating from Northern Syria resulted in two military incursions that cut off the so-called Islamic State's access to NATO's borders and removed the YPG militants from the city of Afrin.As in those cases, we will take necessary steps to protect our national interests.

At a time when evil continues to lurk around the world, unilateral actions against Turkey by the United States, our ally of decades, will only serve to undermine American interests and security.

Before it is too late, Washington must give up the misguided notion that our relationship can be asymmetrical and come to terms with the fact that Turkey has alternatives. Failure to reverse this trend of unilateralism and disrespect will require us to start looking for new friends and allies.

*Recep Tayyip Erdogan is the president of Turkey.

How Turkey sees the crisis with the US

By: Recep Tayyip Erdogan*

For the past six decades, Turkey and the United States have been strategic partners and NATO allies.

Our two countries stood shoulder to shoulder against common challenges during the Cold War and in its aftermath.

Over the years, Turkey rushed to America's help whenever necessary. Our military servicemen and servicewomen shed blood together in Korea. In 1962, the Kennedy administration was able to get the Soviets to remove missiles from Cuba by removing Jupiter missiles from Italy and Turkey. In the wake of the Sept. 11 terror attacks, when Washington counted on its friends and allies to strike back against evil, we sent our troops to Afghanistan to help accomplish the NATO mission there.

Yet the United States has repeatedly and consistently failed to understand and respect the Turkish people's concerns. And in recent years, our partnership has been tested by disagreements. Unfortunately, our efforts to reverse this dangerous trend proved futile.

Unless the United States starts respecting Turkey's sovereignty and proves that it understands the dangers that our nation faces, our partnership could be in jeopardy.

On July 15, 2016, Turkey came under attack by members of a shadowy group led by Fethullah Gulen, who leads his organization, officially described by my government as Fethullah Terrorist Organization, from a compound in rural Pennsylvania. The Gulenists tried to stage a bloody coup against my government.

On that night, millions of ordinary citizens rushed to the streets out of a sense of patriotism, similar to what the American people undoubtedly experienced after Pearl Harbor and the Sept. 11 attacks. Two hundred and fifty one innocent people, including Erol Olcok, my longtime campaign manager and dear friend, and his son, Abdullah Tayyip Olcok, paid the ultimate price for our nation's freedom. Had the death squad, which came after me and my family, been successful, I would have joined them .

The Turkish people expected the United States to unequivocally condemn the attack and express solidarity with Turkey's elected leadership.

It did not. The United States reaction was far from satisfactory. Instead of siding with Turkish democracy, United States officials cautiously called for "stability and peace and continuity within Turkey."

To make matters worse, there has been no progress regarding Turkey's request for the extradition of Fethullah Gulen under a bilateral treaty.

Another source of frustration relates to the partnership between the United States and the PYD/YPG, the Syrian branch of the PKK, an armed group that is responsible for the deaths of thousands of Turkish citizens since 1984 and that is designated a terrorist group by the United States.

According to estimates by the Turkish authorities, Washington used 5,000 trucks and 2,000 cargo planes to deliver weapons to the PYD/YPG in recent years.

My government has repeatedly shared our concerns with American officials about their decision to train and equip the PKK's allies in Syria. Unfortunately, our words have fallen on deaf ears, and American weapons ended up being used to target civilians and members of our security forces in Syria, Iraq and Turkey.

In recent weeks, the United States has taken a series of steps to escalate tensions with Turkey, citing the arrest by the Turkish police of an American citizen, Andrew Brunson, on charges of aiding a terrorist organization.

By : Amin Saneey Mehri*

Speech freedom is one of the most important human rights and is an inseparable part of a democratic system.
Speech freedom is in a mutual relationship with democracy; that is, on one hand, speech freedom is realized in a democratic system and on the other hand, democracy can find its meaning in the light of speech freedom.
Reporters, as the executioners of a democratic system are responsible for keeping the balance and organic relationship between speech freedom and democracy.
One key role played by reporters is that they are intermediators between people and government: they hear the problems faced by people and present them the answers given by the authorities.
In a free press environment, many corruptions cannot grow into bigger problems and many corruptions, interests,intermediations, etc. are prevented during the demanding sessions held by reporters. Both governments of Hassan Rouhani Islamic Republic of Iran, given their approach in supporting speech freedom (and the fact that freedom together with food and gun are considered as three major pillars of security), have prepared the prominent enactment of press society that after 5 years, is still under consideration and revisions by government cultural commission.
Reporters tolerate the most difficult conditions and sometimes violence in order to present the realities to the society and protect this prominent position in securing the people's rights. These transparency arena warriors write about people's problems, but there is no one to write about their problems. Many reporters have lost their lives during these missions. In a report by UNESCO in 2017, it was revealed that more than 827 reporters have dried during their duty times. August 8th, (Mordad17th) is Reporters Day and is the result of struggles and endeavors of reporters during the history of Iran, who have played their role along with the people in milestones such as the Islamic Revolution, the Iran-Iraq War and various political periods.
Now, in this vicissitudinous period, August 8th, 1998 (Mordad17th, 1377) cannot be forgotten by media reporters, the day when Mahmood Saremi, Islamic Republic of Iran's reporter was killed by Taliban terrorist group in Mazar Sharif and it is the reason why August 8th is the Reporters Day.
UNESCO has always supported the reporters and celebrates press freedom on May 3rd or the International Day to End Impunity for Crimes against Journalists on November 2nd. These celebrations can function as a tool to support and execute the UN program for securing reporters and create a dynamic and creative media in order to promote freedom of expression, media development and access to information and knowledge (the 9thmid-term strategy of UNESCO between 2014 and 2021).

*Amin Saneey Mehri, the Director of Public Relations in the Revival Fund for Cultural and Historic Sites affiliated to ICHTO

Democracy, speech feedom, necessities for tansparency

investing in oil and gas projects. So is the case in most of the Caspian littoral countries that are planning to develop their untapped oil and gas fields, but lack the financial and technological capacities.

The importance of the region is not confined to its natural sources. The Caspian Sea is considered as a bridge linking two continents and one important region, namely Asia, Europe and the Middle East, to each other. China as the first energy consumer to the east, and Europe as the biggest costumer of Russian natural gas, are connected to each other through the sea. The strategic geopolitics of the Caspian Sea is further boosted by Iran which has been the focal point of US foreign policies. Iran is also an important interface between the Caspian region and India through the Gulf of Oman and Arabian Sea. Two major corridors being under construction in the east and west of the Caspian Sea, as well as the Trans-Caspian pipeline projects add weight to the transit role of the Sea and will benefit from reaching an agreement.

Agreeing on a convention on legal regime of the Caspian Sea would be a long-awaited achievement for the region. The consensus, if not rescinded, would come at the time the world is witnessing the unilateralist foreign policy of the US President Donald Trump. "Sanctions addicted" was the title Iran's Foreign Minister Mohammad-Javad Zarif gave to the American President who has imposed different sets of sanctions on a number of countries, including Iran, Russia, and Turkey. He has also waged a trade war with China and has taken strict trade measures on the European Union, its main ally. Therefore, the Caspian convention would be a blow to his attempts to isolate states for their defiance in face of the US demands.The convention and what President Trump has chosen as his platform toward global issues will be at the extreme ends of a spectrum. Withdrawing from the international nuclear deal with Iran in May and re-imposing sanctions on the country are not the only instances of President Trump›s unilateralist approach. Since taking office in 2017, the US president has withdrawn from several international agreements and bodies, including UNESCO and Paris Agreement.

*Mahdokht Pazoki is a member of IRNA English News Desk

Caspian Sea; opportunity for convergence

By: Mahdokht Pazoki*

Officials are sanguine about the outcome of the Caspian Sea summit going on in Kazakhstan; the five countries bordering the sea will agree to choose consensus as the basis of their decisions on their shared issues.

For many people, the first thing conjured up when speaking about the Caspian Sea may not be its splendid sandy beaches or Caviar delicacy; rather, it is the dispute that has lasted for more than two decades among five littoral states. The differences rose not long after the collapse of the Soviet Union in 1991 and the emergence of three newly independent countries—Azerbaijan, Kazakhstan and Turkmenistan. With the three republics added to Iran and Russia already bordering the Caspian Sea, the legal regime of the water became the hottest issue of the Caspian region.

The summit underway in Kazakhstan' Aktau is convened with the aim of resolving differences on various issues related to the sea. Reports of media and comments made by sources close to the meetings indicate the five neighboring countries have come up with common grounds. Any new development will not be related only to the direct beneficiaries; rather any news coming out of the negotiation hall has audiences all across the world.

The importance of the Caspian Sea lies partly in its natural resources. Although the Caspian Sea is rich in mineral resources, such as uranium and copper, what makes the sea more strategic to the entire world is its hydrocarbon reserves. According to estimates, it has 48 billion barrels of proven oil reserves, while natural gas reserves are estimated at 8.76 trillion cubic meters; figures that are believed by some experts to be comparable to those of Qatar and Saudi Arabia.

Since energy has long been considered as a vital element of states' security, the Caspian Sea region becomes prominent to the global security equation. Gas and oil are the main sources of energy supply to the entire world. Due to the intertwined status of energy and economy, having access to energy means a guarantee for political power too.

In addition to the need for energy, major powers, particularly the Western ones, benefit from

due to three main practical and behavioristic reasons.
These three reasons are manifested in the stances adopted by the US, Israel and Saudi Arabia and their different practical measrures aimed at changing the present international and regional order in their favor.
Washington is unilaterally challenging and destroying the integrity of international treaties to enforce America-first foreign policy. Tel Aviv is unilaterally undermining peace in Palestine, which is the most important security and political issue between the West and Muslim world. Riyadh is, by its tension-generating unilateralism and expansionism pushing the entire Middle East and, particularly, the Persian Gulf, which is the the world's main energy center and biggest investment market, toward destruction through invading Yemen and besieging Qatar.
The European Union, which has placed maintaining the global stability on its agenda as its first strategic priority to promote unity between its — soon to be — 27 member states, is currently facing grave political, economic and security threats posed by the US, Israel and Saudi Arabia. Washington, Tel Aviv and Riyadh have begun to gradually form an opposition bloc against Europe, which is the greatest international obstacle to their illegitimate demands.
Thus, the main policy of the three troublemaking powers is to gradually exclude the EU from the security, economic and political arenas in which they are the main players.
At present, the EU's policy to support countries' rights and respect international agreements and treaties has annoyed the three supporters of unilateralism and is steadily widening the gap between them and Europe.
All these make a strategic revision in relations between Iran and Europe a necessary and inevitable. Iran is the most stabilizing force in the Middle East and a guardian and promoter of multilateralism in the region.
This comes as Iran has enough reasons and the capacity to reconsider its relations with Europe and expand its strategic cooperation with the EU.
For more than four decades, Iran has not been able to develop full relations with Europe due to the hostile policies adopted by the US, Israel and Saudi Arabia in the Western front.
At present, Iran and Europe have the opportunity to prepare the ground for the formation of a strategic partnership in view of the gradual self-exclusion of the US and Israel from the West and the EU's departure from the anti-Iran stances of the Western bloc.
Today, Iran and Europe, along with Russia and China, are the main pillars supporting a multilateral world order; and the JCPOA is linking to with each other.
It is crystal clear that by strengthening these pillars and preserving their link, the promoters of warmongering and unilateralism — the US, Israel and Saudi Arabia — will be forced into retreat and because of the failure of their plans.
*Hossein Ziaee is a freelance journalist.

Time ripe for Iran, Europe to set up strategic partnership

By: Hossein Ziaee*

Current rapid changes and developments in different international arenas are practically and inevitably pushing the world's political geography and former borders — drawn between countries — toward modern forms and frameworks.

Trump, as a leader posing the biggest threat to global order, is particularly exposing the international system and world countries to the redefinition and revision of two important concepts: 1. national security; and 2. national interests.

In pre-Trump era, the formation of strategic partnership between Iran and Europe was nothing but a simplistic political delusion. At present, however, European strategists and analysists describe the issue, more than before, as a noteworthy political hypothesis and are discussing it more seriously.

A brief glance at frequent official announcements of support by most of European political, economic and military officials for the Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA) over the past few months confirms that Europeans have come to a strategic conclusion about their age-old relations with Iran and the issue of preserving the JCPOA.

This has upset Trump's US and its regional partners.

Currently, most of the political analyses by Europeans indicate that despite fundamental differences in the attitudes adopted by Iran and Europe toward different issues, the two sides can become strategic partners in the international arena. These analyses propose similar model for Europe's relations with Iran that is being used in Europeans' strategic cooperation with China. Despite the essential differences they have with each other in some of their political stances, China and Europe have practically turned into strategic partners.

Perhaps the most important pillar of such a hypothesis is the JCPOA and its preservation through expanded cooperation between Iran and Europe.

After four decades of ups and downs in political relations between Europe and Iran – an important player in the Middle East – the JCPOA has now become a strong foundation on which the two sides can build up mutual political trust.

This, solely, is enough to give the JCPOA's enemies — including Trump's US, Israel and Saudi Arabia — sufficient excuses to launch a vicious political campaign against the deal to ditch it.

This comes as Europe is, more than ever, leaning towards the probable expansion of strategic cooperation with Iran

Turkey can count on Iran's support in face of sanctions

by: Ali-Reza Jabbari*

Being sanctioned by the US, which has played the most significant role in harming and destroying Turkey in the past years, has revealed the true nature of Washington to Ankara.
Amerika Birleşik Devletleri (ABD) is the way Turkish people call the United States of America.
Although the US does not have high credibility in the eye of most Turkish people, the country has always had close and strong relations with recent Turkish governments. The US and Turkey have usually been deemed as two allies in the international arena. Ankara used to be viewed as one of Washington's staunch allies in US foreign policy.
Perhaps few people believed that, after coming to power in January 2017, President Donald Trump would impose sanctions on Turkey. Predicting this, however, was not very difficult, particularly following the July 2016 failed coup d'état attempt in Turkey against state institutions — including the government and Turkish President Recep Tayyip Erdoğan — which was reluctantly condemned by the US a few days later, after Washington was assured of its failure.
In the aftermath of the coup attempt, nevertheless, Washington refrained from extraditing Fethullah Gülen, the US-based Turkish opposition cleric whom Ankara accuses of having masterminded the coup attempt.
This alone was sufficient to pervade the two countries' relations with a cold and gloomy atmosphere.
The relationship between Washington and Ankara continued to worsen until Turkey detained a US spy, Andrew Brunson, who had masqueraded as a pastor and was conducting espionage in Turkey.
This was a favorable opportunity for Ankara to renew the demand for Gülen's extradition in return for Brunson's freedom. The White House, however, not only rejected Ankara's proposal, but bullied Turkey into releasing its spy.
When faced with Ankara's rejection of its request, the US sanctioned the Turkish ministers of justice and interior. Turkey's retaliation for the US move exacerbated relations between the two countries to an unprecedented level.
After a while, the White House expressed willingness to resolve the differences with Turkey, but then US Treasury Secretary Steven Mnuchin said the US was ready to impose further sanctions on Turkey if Brunson was not released from house arrest.
Time will eventually show what will happen to relations between Turkey and the US. However, the important point now is that Erdoğan has threatened its Western ally that he would replace it with Eastern friends.
Whispers are heard that it is high time that Russia, China, Iran and Turkey form a coalition against US hostile trade measures.

No doubt, the formation of a strong and united coalition in the face of excessive US demands will help untie many Gordian knots in the tension-ridden Middle East region.
Irrespective of whether this coalition will be forged, Iran can assure Turkey of its full support and that Tehran would never leave Ankara alone in the face of Washington's sanctions.
Tehran should inform Ankara that if there is a will to defeat unilateral US sanctions, the Iranian people would never leave the Turkish people alone.
* Ali-Reza Jabbari is an Iranian expert on political affairs.

حساب جاری نگین

تسهیلات ویژه با نرخ ۲٪

تا سقف ۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

پست بانک ایران در راستای حمایت از تولید، اشتغال و کالای ایرانی، تسهیلات ارزان قیمت (با نرخ ۲ الی ۱۲ درصد) به مشتریان فعال خود پرداخت می نماید.

جهت کسب اطلاعات بیشتر به شعب و باجه‌های پست‌بانک‌ایران
در سراسر کشور و یا به وب سایت این بانک مراجعه نمایید.

پست بانک ایران

تلفنبانک ۸۴۲۸۴ (۰۲۱)
www.postbank.ir

روابط عمومی

@ pbinews
postbanknews

رویش بذر مهربانی

جشنواره حساب های قرض الحسنه بانک ملی ایران

۹۰ کمک هزینه خرید واحد مسکونی هر یک به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان

۲۹۰ کمک هزینه خرید خودروی داخلی هر یک به مبلغ ۵۰ میلیون تومان

۳۹۰ کمک هزینه خرید کالای ایرانی هر یک به مبلغ ۲۰ میلیون تومان

آخرین مهلت جهت افتتاح حساب و یا تکمیل موجودی پایان مرداد ۱۳۹۷

021-64140 bankmelli1307 www.bmi.ir bankmelli1307